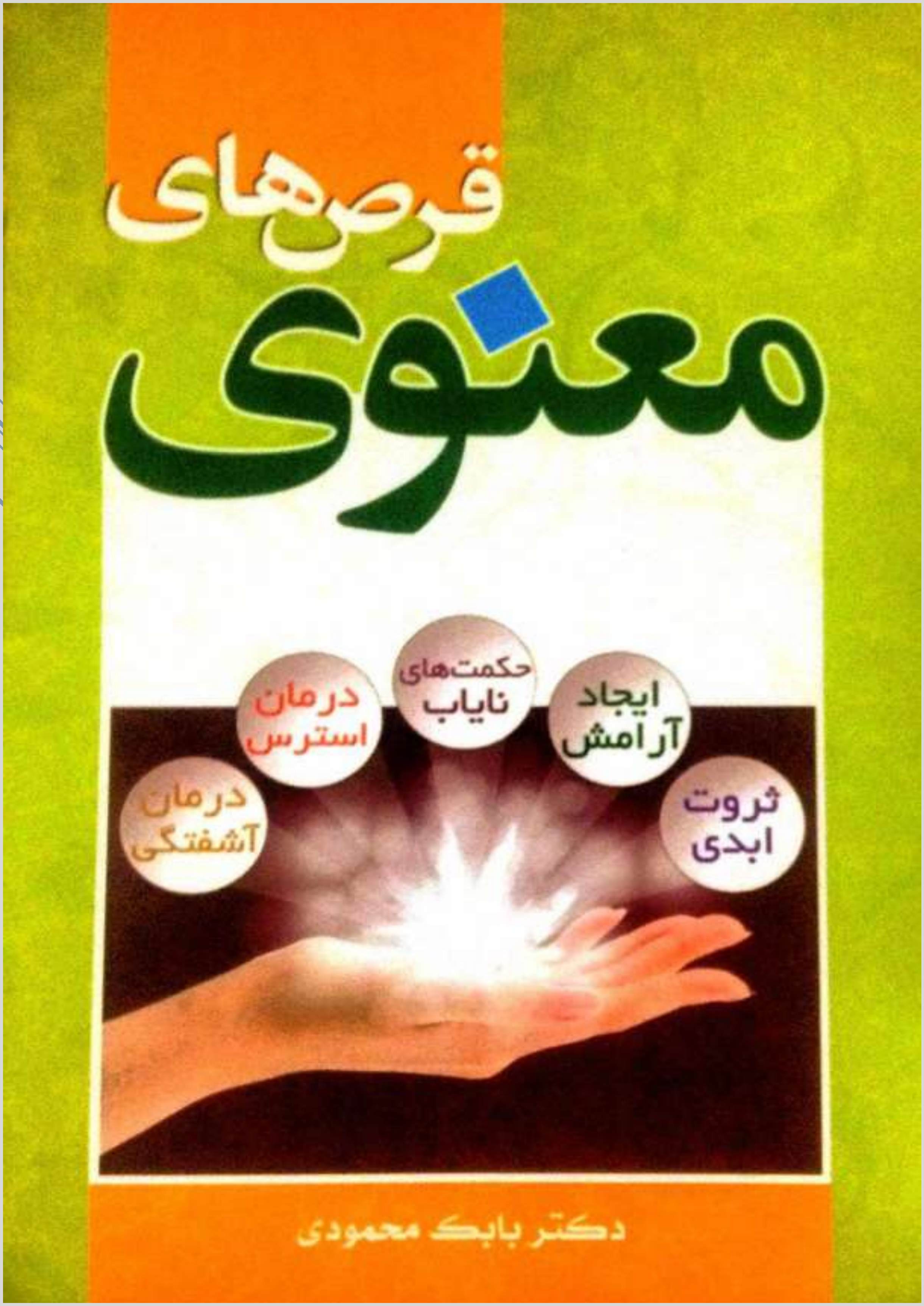
قرص‌های
معنوی
حکمت‌های
نایاب
ایجاد
آرامش
درمان
استرس
درمان
آشفتگی
ثروت
ابدی
دکتر بابک محمودی

سنی بوک
www.SunniBook.net

سنی بوک_بزرگترین مرجع کتب و نرم افزار اسلامی

www.sunnibook.net

آدرس اینترنتی	عنوان سایت
www.SunniBook.net	سنی بوک | دریافت سریع کتب اهل سنت
www.SunnatDownload.com	سنت دانلود | مرکز دانلود فایل های اسلامی
www.Aqeedeh.com	عقیده | کتابخانه آنلاین اهل سنت
www.SunniOnline.us	سنی آنلاین | پایگاه اطلاع رسانی اهلسنت ایران
www.SunnatOnline.com	سنت آنلاین | دریافت آخرین اخبار و مقالات اهل سنت
www.SunniWeb.org	سنی وب | مرکز طراحی و آموزش سایت های اهل سنت

این کتاب

ازکتابخانه سنی بوک دانلود شده برای دریافت کتب بیشتر مارا از طریق آدرس اینترنتی و کانال تلگرام سنی بوک دنبال کنید.

آدرس اینترنتی : www.SunniBook.net

کانال تلگرام : https://telegram.me/sunnibookarchive

فهرست

با کلیک رو هریک از موضوعات به صفحه مربوطه منتقل می شوید

مقدّمه مؤلّف ٦
ارزش علم ٧
(احترام به علما) ١٣
(انتقاد از علما) ١٤
(جملات حکمت آمیـز) ١٥
(دانستن و ندانستن) ١٨
(لذت یا دوام) ١٨
(نمایش با چهره) ١٨
(دو بار فکر کردن و یکبار سخن گفتن) ١٨
(جرأت) ١٩
(دروغ) ١٩
(بزرگی) ١٩
(تربیت فرزندان) ١٩
پول همه چیز است! ٢٠
بهترین عمل ٢٠
ظاهر و باطن ٢٠
رازگویی ٢٠
کیفر ٢١
از خدا خواستن ٢١
انتخاب دوستان ٢٢
اظهار نیاز ٢٢
اعتماد ٢٢
خوبی و بدی ٢٣
فرار از چیزی ٢٣
عاقبت بی عملی ٢٤
دنیا وآخرت ٢٤
سزای انجام اعمال ٢٤
راز خلیل شدن حضرت ابراهیم علیه السلام ٢٥
(اعتماد به چشم) ٢٥
(نتایج اعمال) ٢٥
(وجود و دقّت خداوند) ٢٥

(راست و دروغ) ۲۷
(از دست دادن قرآن) ۲۷
(زود به پاداش رسیدن) ۲۷
(بی شرمی در مقابل رزق) ۲۷
(پنج چیز بدون پنج چیز دیگر) ۲۸
(سه عامِل هلاک) ۲۸
(شش چیز تعجّب آور از شش کس) ۲۹
(هفت کیلومتر برای هفت حکمت) ۲۹
(چهار مروارید از میان چهار هزار مروارید) ۳۰
(چهار حجّت در قیامت برای چهار گروه) ۳۰
(ربا خواری) ۳۱
(نجات دهندگان چهارگانه) ۳۲
(شناسایی روح مریض) ۳۲
(چهار چیز برنگشتنی) ۳۲
(ناله زمین از چهار چیز) ۳۲
(دوست داشتنی های سه گانه) ۳۲
(علامت های جنّتی و جهنّمی) ۳۳
(به نه نفر نباید سلام داد) ۳۴
(همنشینی) ۳۴
(عیسی مسیح عليه السلام و شیطان) ۳۴
(عیسی مسیح a و ریاکار) ۳۵
(غریب) ۳۵
(حِلم) ۳۵
(زیادکنندگان عمر) ۳۶
(زیاد کردن حافظه) ۳۷
(زیاد کردن رزق) ۳۷
(تاریک کنندگان قلب) ۳۷
(اجابت کنندگان دعا) ۳۷
(زیادکنندگان فقر) ۳۷
(نجات دهندگان ازدوزخ) ۳۸
(امّهات) ۳۸
(وصیّت پیامبر ﷺ ب انس بن مالک) ۳۸
(خوابیدن زیاد) ۳۹
(غذاهای داغ) ۳۹
(فواید سرکه طبیعی) ۳۹
(بهترینها) ۳۹
(مردم شش دسته هستند) ۴۰

(چهاربارناله شیطان) ۴۰
(یازده چیز نابود کننده) ۴۰
(بهتر و بدتر) ۴۱
(حکمت های دوگانه) ۴۱
(حکمتهای سه گانه) ۴۲
(حکمت‌های چهارگانه) ۴۵
(حکمت‌های پنج گانه) ۴۸
(حکمت‌های شش گانه) ۵۱
(حکمت های هفت گانه) ۵۳
(هفت فتنه و هفت نعمت) ۵۴
(حکمت های هشت گانه) ۵۵
(حکمت های نه گانه) ۵۶
فرزندان شیطان نه تا هستند ۵۶
(حکمت های ده گانه) ۵۷
(اصلاح و غفلت) ۶۱
(زینت) ۶۱
(رمزهای خوشبختی) ۶۲
راهکارهای خوشبختی: ۶۲
(حقیقت دنیا از زبان پیامبرﷺ) ۶۵
(خواب) ۶۶
(شیطان) ۶۷
(جایگاه زن در اسلام) ۷۰
(دوست و دشمن) ۷۱
(نفس) ۷۲
(صِله رحم) ۷۴
یازده تا فایده از یازده هزار فایدهء صلهء رحم: ۷۵
(ایمان) ۷۶
(غرور و مغرور) ۷۷
(فضیلت تواضع) ۸۱
(مرگ) ۸۲
(زبان) ۸۵
(غیبت) ۸۷
(نظر چهر پادشاه جهان در مورد زبان) ۹۰
(دروغ در نظم مورچه ها) ۹۲
(فقر و بخل) ۹۳
(ارزش وقت) ۹۷
(گرسنگی معده) ۹۹

(وصیّت)... ۱۰۱
(إخلاص).. ۱۰۲
(تفسیر علمی سفر معراج)... ۱۰۳
(نظر یّه نِسبی آنیشتین در مورد زمان).. ۱۰۷
(داستان کیّال) ۱۰۸
(نه روش فروشندگی).. ۱۰۸
(إغراق دلّال ها)... ۱۰۹
(بلا و مصیبت)... ۱۰۹
(تاثیر الوان).. ۱۱۳
(خواص رنگ ها).. ۱۱٤
(خنده) ۱۱٥
(مرض های خنده)... ۱۱٦
(رزق) ۱۱۷
(دسته بندی مردم در عقیده به رزق)... ۱۱۹
(حرام بودن گدایی) ۱۲۰
(دعا)... ۱۲۱
(تقدیر).. ۱۲۳
(ترحم خدا)... ۱۲٦
(توبه نصوح).. ۱۳۰
(شرایط توبه نصوح)... ۱۳۱
(نرم شدن قلب)... ۱۳۳
(تأثیر سخن).. ۱۳٤
(خلقت انسان) ۱۳٤
(چهار قسم بودن انسان ها)... ۱۳٥
(چهار قسم بودن انبیاء)... ۱۳٦
(ملائکه مقرّب).. ۱۳٦
(تورات ختم به پنج کلمه است).. ۱۳۷
(خلاصه تورات، إنجیل و قران در یک جمله).. ۱۳۷
(وصیّت پزشک عرب) ۱۳۷
(مساجدوآداب آن).. ۱۳۸
(فضیلت دعوت مردم به دین ودوری ازتفرقه).. ۱٤۱
(پنج شرط برای مبلّغ دین).. ۱٤۳
(ملامت نفس) ۱٤٤
(مرگ قلب) ۱٤٥
عدالت.. ۱٤٦
قضاوت ۱٤٦
حکمت سلیمان ۱٤۹

جریان خفاش ۱۵۲
(حکایت کشاورز).. ۱۵۴
(((گنجینه های سخن))).. ۱۵۶
(آمپول های ضدّ استرس برای روح و روان).. ۱۵۹
(نصیحت آخر)... ۱۶۰

سخن بهار

مقدّمه مؤلّف

درود فراوان بر حضرت ختمی مرتبت (صلّی الله علیه و آله وسلّم) و اصحاب پاکش که با فرامین حق تعالی مایۀ هدایت تمام بشریّت شدند.

امروزه علی رغم پیشرفت در عرصه های صنعت,تکنولوژی, اقتصادی, پزشکی و علوم سیاست ؛ معنویّات از هر سو در تنگناها قرار گرفته اند.

آرامش جسم در سایه آرامش ذهن است و آرامش ذهن در سایه آرامش جسم است و هردوی این آرامش ها در سایۀ آرامش روح و روان می‌باشند.

اگر روح انسان خاطی و عاصی باشد, سیستم اعصابش بدرستی کار نخواهد کرد و هر ذهن مُختلی در معرض بیماری‌های روانی و جسمی قرار می‌گیرد, مانند هر جسد بد بو که استعداد گندیدن را دارد.

و برای اکثر بیماریهای خطرناک جسمی, داروهای مختلف شیمیایی تهیّه و به بازار و بیمارستانها عرضه شده است و اگر دقّت شود بیماران با مصرف این داروها, دو چندان در چنگال مریضی ها قرار گرفته اند چون همۀ آنها دارای عوارض جانبی می‌باشند؛ و در عرصۀ روانشناسی نیز پیشرفت کرده ایم ولی ای کاش اثرات بهبودی زیادی را به بار می‌آوردیم.

بندۀ حقیر در این کتاب که به عنوان (قرص های معنوی یا شفای روح و روان) اسم گرفته است بیشتر سعی کرده ام تشنگی های روحی افراد را شناسایی و در راستای آن, راهی را برای درمان روح و روان انسانها ایجاد نمایم.

از خداوند رحمن و کریم منّان خوهان آنم که این کتاب را در زمرۀ آن دسته از داروهایی قرار دهد که به خوبی نقش خود را در راه درمان ایفا کرده اند.

ای بشر تا کی تو پنداری که دنیا مال توست ‌ ‌ ور نپنداری که هر ساعت أجل دنبال توست

آنچه خوردی مال مور ‌ ‌ آنچه بردی مال گور

آنچه مانده, مال وارث توست ‌ ‌ آنچه کردی مال توست.

****

ارزش علم

علم بهتر است یا ثروت!؟ علم بهتر است چون علم تو را حفظ می‌کند در حالیکه تو ثروت را حفظ می‌کنی, علم با یادگیری زیاد می‌شود درحالیکه ثروت با خرج کردن کم می‌شود, علم تو را سرور می‌کند ثروت تو را از مرگ می‌ترساند.

مَنهومانِ لایَشْبَعانِ- دو حریص هرگز سیر نمی‌شوند: یکی طالب علم و دیگری طالب دنیا!

هرچه در ظرف بریزی ظرف تنگ تر می‌سازد و تنها ظرفی که به جای تنگ تر شدن گشادتر می‌شود ظرف علم است. علم مانند آب شور است به جای رفع تشنگی انسان را تشنه تر می‌سازد و هرکس به طرف علم برود در صحرای علم گُم می‌شود.

با مرگ عُلما علم جان می‌دهد و به زیر خاک می‌رود در حالیکه با مرگ ثروتمندان, ثروت بین ورثه تقسیم می‌شود.

علم, ما را بر طبیعت مسخّر می‌سازد و دین, مارا بر نفسمان!

اهل علم به جهت علم, قدر مال را می‌دانند و اهل ثروت به جهت جهل, قدر مال را نمی‌دانند!

حکیمی می‌گوید: مساحت علم سه وجب است؛ هرکس وارد وجب اوّل شود تکبّر می‌نماید و هرکس وارد وجب دوم گردد تواضع می‌نماید و هرکس وارد وجب سوّم شود می‌داند که چیزی تا به حال نمی‌دانسته.

ارسطو می‌فرماید: تا بدانجا رسید دانشم که دانستم همی نادانم.[۱]

[۱] عقل,علم و عمل /ج ۱/ص/۱۳/تألیف/بابک محمودی.

علـم باشـد دوای هـر گنجـی علـم باشـد کلیـد هـر گنجـی هـرکس زنـده باشـد روزی چنـد تـا ابـد زنـده اسـت دانشـمند پیـامبر اکـرم صـلی الله وآلـه وسـلم مـیفرمایـد: آفـت علـم فراموشی و تکبّر است. [1] و یکی از ضررهای فراموشی گُم شدن علم است.[2]

طالبـان علـم سـه دسـته انـد: ۱-دسـته اول, علـم را بـه خـاطر خـود نمـایی کسـب مـی کننـد, ۲-دسـته دوم, علـم را بـه خـاطر فریـب و گردنکشـی بـه مـردم مـیآموزنـد ۳- و دسـته سـوّم, بـه خـاطر خردمندشـدن مـیآموزنـد کـه تنهـا ایـن گـروه از خشـم خداونـد متعـال در امانند.

روزی پیـامبر اکـرم صـلی الله وآلـه وسـلم بـه علـی بـن ابـی طالـب رضـی الله عنـه فرمـود: ای علـی آیـا شـش هـزار گوسـفند میخـواهی یـا شـش هـزار دینـار و یـا شـش هـزار کلمه؟!

گفـت: شـش هـزار کلمـه یـا رسـول الله! فرمـود: پـس آنهـا را در شـش جملـه برایـت خلاصه میکنم:

۱- وقتـی دیـدی مـردم خـود را مشـغول دنیـا کـرده انـد تـو خـود را مشـغول آخـرت کن!

۲- وقتـی دیـدی مـردم مسـتحبّات را انجـام مـیدهنـد تـو بکـوش واجبـات را بـه انجـام برسانی!

۳- وقتـی دیـدی مـردم مشـغول عیـب گـویی دیگـران هسـتند تـو مشـغول اصـلاح عیبهای خودت باش!

۴- وقتی دیدی مردم مشغول زینت دنیا هستند تو مشغول زینت آخرتت باش!

۵- وقتـی دیـدی مـردم مشـغول زیـاد کـردن عَملشـان هسـتند تـو مشـغول خـوب کردن عَملت باش!

---

[1] صحیح ترمذی.
[2] عقل,علم و عمل /ج۱/ ص /۳۴/ تألیف/ بابک محمودی.

۶- وقتـی دیـدی مـردم بـه ایـن و آن متوسّـل مـی‌شـوند تـو فقـط بـه خداونـد متوسّـل شو!

حـاتم اَصـم بـه دوسـتش شـقیق بلخـی کـه سـالها کنـار هـم بودنـد گفـت: ایـن همـه مـدتی کـه پیشـم بـودی چـه چیزهـایی از مـن یـاد گرفتـی؟ شـقیق بلخـی گفـت هشـت کلمـه از تـو یـاد گرفته ام که برایم تا اَبد کافیست!

اوّلـی- بـه مـردم نگـاه کـردم دیـدم هـرکس معشـوقی دارد کـه آنـرا تـا مـدّتی دوسـت مـی‌دارد, برخـی محبوبـان صاحبانشـان را تـا بیمـاری و برخـی تـا فقیـری و برخـی تـا قبـر همراهـی مـی‌کننـد سـپس آنهـا را تـرک مـی‌کننـد امّـا هـیچ یـک از آنهـا صاحبانشـان را در تـاریکی قبـر همراهـی نمـی کننـد و مـن هـم فکـر کـردم بایـد دوسـتی بـرای خـود انتخـاب کـنم که در قبر هم پیش من باشد و مرا تنها نگذارد و آن عمل صالح بود.

دوّمـی- مـردم را دیـدم کـه از هـوی و هـوس خـود پیـروی مـی‌کننـد و در ایـن آیـه فکر کردم

﴿ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ، فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾ نازعات ۴۰-۴۱.

دیدم حقّ با قرآن است **پس با نفسم مجاهده کردم.**[۱]

سـوّمی - مـردم را دیـدم در جمـع کـردن مـال دنیـا سـعی مـی‌کننـد و ایـن آیـه را دیـدم که می‌فرماید:

﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ ۖ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ﴾ نحل/۹۶

چهـارمی- دیـدم عـده ای از مـردم شـرف و عـزت خـود را در کثـرت اولاد و فرزندان خود می‌بینند در حالیکه در آیه ۱۳حجرات تفکّر کردم که فرموده :

﴿ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾

---

[۱] عقل,علم و عمل /ج/۲/ص/۲۴۳.

﴿وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا﴾سوره سبا/۳۷

پنجمی-دیدم برخی مردم به دلیل فقر خود از ثروتمندان انتقاد می‌کنند و به آنها حسد می‌ورزند در حالیکه آیه ۳۲ سوره زخرف را دیدم که فرموده:

﴿ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَات ﴾

آنگاه فهمیدم روزی و ثروت از جانب پروردگار تعیین می‌شود و در واقع ما هیچ کاره ایم.

ششمی-مردم را دیدم به خاطر اغراض دنیوی با هم دیگر دشمنی می‌کنند و من آیه (۶) سوره فاطر را به خطر آوردم

﴿ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا ﴾

و دانستم سزاوار نیست با کسی جز شیطان دشمنی کرد.

هفتمی- دیدم هرکسی با جدّیت تمام برای به دست آوردن روزی خود تلاش می‌کند و حتّی برخی خود را پیش دیگران خوار و ذلیل می‌نمایند و من آیه ۶ هود را دیدم که می فرماید:

﴿ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا ﴾

هشتمی- دیدم هرکسی به مخلوقی اعتماد می‌کند و عده ای به دینار و درهم ؛ در حالیکه آیه ۳ سوره طلاق را دیدم که می فرماید: (

﴿ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ۚ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ ۚ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ﴾

پس به خدا توکّل کردم که او مرا بس است و بهترین نگهبان و پشتیبان است.[1]

حضرت عیسی (علیه السلام) در مورد علم می‌فرماید: هرکس به علم خود عمل کند بدون شک ولی الله است و هرکس که عالم باشد باید گمان کند که در شهرش از او عالمتر نیز هست وگرنه جاهلی بیش نیست.[2]

وقتی خوارج شنیدند که پیامبر اکرم صلی الله و اله وسلم در مورد فضایل علی بن ابی طالب و توانایی های او سخن گفته است در مورد علی حسادت کردند و ده نفر از بزرگانشان را آماده کردند و گفتند در مورد سؤالی پیش او

می‌رویم و می‌پرسیم تا ببینیم به هریک از ما یک جواب می‌دهد یا جواب جداگانه ای خواهد داد!

- اوّلین خوارج آمد و گفت: ای علی علم افضل است یا مال؟ فرمود: علم چون علم میراث پیامبران و علماست ولی مال میراث قارون و فرعون است.

- دوّمین خوارج آمد گفت: ای علی علم افضل است یا مال؟ فرمود: علم, چون علم تورا حفظ می‌کند حال آنکه تو مال را حفظ می‌کنی.

- سوّمین خوارج آمد گفت: ای علی علم افضل است یا مال؟فرمود: علم چون علما دوستان بسیار زیادی دارند ولی ثروتمندان دشمنان بسیار زیادی دارند.

- چهارمین خوارج آمد و گفت: ای علی علم افضل است یا مال؟ فرمود: علم, چون علم با تحصیل کردن زیاد می‌شود ولی ثروت با خرج کردن کاهش می‌یابد.

- پنجمین خوارج آمد و گفت: ای علی علم بهتر است یا مال؟ فرمود: علم بهتر است چون صاحبان ثروت, لئیم و بخیل هستند ولی صاحبان علم, عزیز و کریم هستند.

[1] توشه راه نجات/تألیف/ ابن حجر عسقلانی.
[2] إحیاالعلوم الدّین امام محمد غزّالی/ج/۲.

- ششمین خوارج آمد و گفت: ای علی علم بهتر است یا ثروت؟ فرمود: علم بهتر است چون صاحبان ثروت مال خود را از دزد حفاظت می‌کنند ولی صاحبان علم محافظت نمی‌کنند.

- هفتمین خوارج آمد و گفت : ای علی علم بهتر است یا ثروت ؟ فرمود : علم بهتر است چون علم با ماندن تازه و جدیدتر می شود ولی مال با ماندن کهنه تر و مندرستر و بی ارزش تر می شود.

- هشتمین خوارج آمد گفت : ای علی علم بهتر است یا ثروت ؟ فرمود : علم بهتر است چون مال قساوت قلب می آورد ولی علم گشایش قلب می آورد - نهمین خوارج آمد گفت : ای علی علم بهتر است یا ثروت ؟ فرمود : علم بهتر است چون صاحبان مال ادّعای خدایی می کنند ولی صاحبان علم ادّعای بندگی می کنند.

- و دهمین خوارج آمد و گفت : ای علی علم بهتر است یا ثروت ؟ فرمود : علم بهتر است چون قلب انسان را منوّر می کند ولی ثروت قلب انسان را مکدّر می نماید.[۱]

و فرمود : مادامی که بیایید و از من سؤال کنید هر کدام را جواب دیگری می دهم سپس همگی بخاطر علم آنحضرت آمدند و تسلیم حق شدند.

آنکس که بداند و بداند که بداند — پیوسته تواضع نماید و کبر ننماید
آنکس که بداند و نداند که بداند — بیدارش کنید که خفته نماند
آنکس که نداند و بداند که نداند — لنگان خرکش را به مقصد رساند
آنکس که نداند و نداند که نداند — تو مُرده شُمارش که کَس زنده نخواند.

[۱] عقل، علم و عمل / ج / ۱ / تألیف / بابک محمودی

(احترام به علما)

ـ احترام به علما مانند احترام به پیامبران ارزش و فضیلت دارد و نگاه محبت آمیز به صورت عالم واقعی (نه دنیا پرست) یکی از عبادتهای چشم محسوب می شود و سه راه وجود دارد که علم به طرف شما بیاید : اوّل : عالم را دوست بدارید دوّم : علم را دوست بدارید و سوّم : از علم علما بپرسید . ابن عباس بقدری در طلب علم از استادش علی بن ابی طالب متواضع بود که هنگامی که سؤالی را می خواست از او بپرسد کنار در او می رفت و می نشست و به آرامی در را می زد که اصلا قابل شنیدن نبود و یا اینکه تا خارج شدن آنحضرت کنار در می نشست . وقتی که حضرت علی او را می دید می گفت : چرا در را محکم نزدی تا بیرون بیایم ؟ و او در جواب می گفت : می ترسیدم مزاحمت شوم ! ولی امروزه احترام به عالم از بین رفته کسیکه مشروب می خورد شیشه اش را بر در دو عالم می کوبد .

در حدیث آمده : **«مَوتُ العالِمِ مَوتُ العالَم و یا در حدیثی دیگر آمده : خَطاء العالِمِ فَناء العالَم».**[1] یعنی : مرگ عالم مساوی مرگ دنیاست . خطای عالم باعث فنای دنیا می شود .

خداوند متعال در سورهٔ اخلاق (حُجُرات)خطاب به مسلمانان فرموده که : هرگز چیزی مقدّم تر بر خدا و رسولش ندانید و خداوند

میفرماید : هرگز صدای خود را فراتر از صدای رسول خدا نبرید .

﴿یا اَیُّهَا الذینَ آمَنوا لاتُقَدِّموا بَیْنَ یَدَیِ اللهِ وَ رَسولِه...یا اَیُّهَا الَذینَ آمَنُوا لا تَرْفَعُوا اَصْواتَکُم فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِّ﴾[2]

در واقع کسی هم نباید پیش عالم خود ، مقدّم تر حرف بزنند و یا بر او پیشی بگیرد چون او جانشین رسول خداست .

---

[1] الموطأ به روایت امام مالک رحمة الله علیه

[2] سوره مبارکهٔ حجرات /۱. ای کسانی که ایمان آورده اید ! بر خدا و پیغمبرش پیشی مگیرید و پیشدستی مکنید و از خدا بترسید و پروا داشته باشید ؛ چرا که خدا شنوای (گفتارتان و) و آگاه (از کردارتان) می باشد .

(انتقاد از علما)

- افسوس و افسوس ؛ برخی علمایی هستند که ای کاش از ده حرفشان تنها به یک حرفشان عمل می کردند اما عمل کردن به عِلمشان برای آنها خیلی سخت شده است چون زیبایی دنیا آنها را نیز از پای در آورده است ، در پشت منابر مردم را از غیبت کردن منع می کنند در حالیکه خودشان از همه بیشتر به غیبت دیگران مشغولند .

نصیحت همهٔ مردم برای آنها کار آسانی شده است ولی نصیحت کردن نفسشان از کندن کوه نیز برایشان سخت تر گشته است ، زبان و قلبشان مخالف همدیگر است و مانند عُلمای یهودی و راهبان مسیحی عَمَلِشان بر عکس عِلمِشان شده.

بیشتر از همه مردم عادی و گناهکار ، نیاز به مؤعظه دارند ولی اگر آنها را مؤعظه هم کنی باز اصلاح نمی شوند چون خود را در اعلی و علّین می بینند و عِلم خود را حجّت می دانند و مردم را جاهل و پایین تر از خود می بینند . روح تجمّل گرایی ، غرور ، عُجب و حسادت با سرعت بسیار زیاد به طرف این نوع علما می شتابند . انحصار طلبی ، آنها را کَر کرده ، غرور آنها را کور کرده و محبت نسبت به پول آنها را فلج نموده ! کلمهٔ عالم بر وزن فاعل یعنی : دانندهٔ تمام علوم یا دانشمند ولی این نوع اشخاص فقط در حیطهٔ فقه و صرف و نحو کمی تخصّص دارند و عالم به معنای واقعی به کسی باید گفت که در تمام علوم عصرش (فقه ، منطق ، نجوم شناسی ، میکروب شناسی ، گیاه شناسی ، پزشکی ، جغرافیا و غیره ...) دارای تخصّص باشد و نیاز و جواب مردم را به صورت علمی و دقیق بر پایهٔ قرآنی بدهد .

- ای خطیبی که پشت مِنبر با قیافهٔ حضرت موسی مردم را نصیحت می کنی مواظب باش در خانه ات مثل اخلاق فرعون با خانواده ات رفتار نکنی !

یک نابغی می فرماید : اگر در پیشگاه خداوند یک دعای مستجاب داشته باشم میخواهم آن دعا قبول شده اصلاح و هدایت عُلما باشد . عِلم عالم و ثروت تاجر و

قدرت حاکم هرسه زنجیرۀ محکم اسلام هستند که اگر این سه اصلاح شوند تمام دنیا اصلاح خواهد شد .

(جملات حکمت آمیز)

آیا شگفت انگیز نیست که بعضی از ما ، ماندن را به رفتن ، دنیا را به آخرت ، زندان را به رهایی و عقب ماندن را به جلو رفتن و مُردن را به جاودانگی و یکقدم را به بی نهایت ترجیح می دهیم !؟

جبران خلیل جبران می گوید : دریا آثار پاهایم را از بین خواهد برد و باد ، کف دریا را از بین خواهد برد و ساحل تا ابد جاودانه خواهد ماند .

من فکر می کردم که همه چیز و ذرّات به دور خورشید می چرخد ولی حالا فهمیدم که تمام زندگی به صورت ذراتی به دور من می چرخند .

بعضی ها کر هستند و من کور هستم پس دستانمان را روی هم بگذاریم تا همدیگر را بهتر درک نماییم .

برای بعضی ها گذشتن زمان با چرخش خورشید است و برای برخی با پُر شدن جیبشان و برای برخی روز ، وقت جمع آوری مال است و شب زمان حساب ، در حالیکه دنیا محلّ کار و عبادت است و وقت حساب نیست و فردا روز حساب است و کسی را مجال کار کردن نیست .[1]

اگر دو زن باهم صحبت نمایند چیزی نمی گویند ولی اگر تنها سخن بگویند کُلّ زندگی را می گویند.

خیلی از قورباغه ها هستند که صدایشان از گاو بلندتر است ولی هیچ کدام از آنها نمی توانند مانند گاو ، آهن را در کشتزار بِکشند .

---

[1] کتاب عارفانه / تألیف جبران خلیل جبران

همانطوریکه کلمات در زبان ما می درخشند همانگونه هم درون ما خاموش و مکدّر شده و این نور زبان نمی تواند بر قلب سیاه ما بتابد .

اگر دهانت پُر از غذا باشد چگونه می توانی حرف بزنی ! و اگر دستت پر از طلا باشد چگونه می توانی برکت را بیابی !

اگر چشمت پُر از دنیا باشد چگونه می توانی آخرت را ببینی ! اگر دلت پُر از مخلوق شده باشد چگونه می توانی خدا را ببینی ! اگر از بنده ترسیدی چگونه از خدا می ترسی ! و اگر از بنده شرم کنی چگونه از خدا شرم میکنی ! اگر پشتت را به آفتاب کنی جُز سایه ات چیزی نمی بینی و اگر پشتت را به خدا کنی جُز نفست چیزی نمی بینی !

بخشش آن نیست که آن چیزی که به آن نیاز نداری به من بدهی بلکه آن است که چیزی را که به آن بیشتر از من نیاز داری به من ببخشی .

چه بسا انسانهایی هستند که گناهی مرتکب نشده اند ولی معاصی را به خود نسبت می دهند و چه بسا ثوابهایی کرده اند و به دیگران نسبت میدهند !

- کسی به من **حسادت** نمی کند چون چیزی ندارم و کسی از **من تعریف** نمی کند چون از همه پایین تر هستم و کسی **مرا تحقیر** نمی کند چون همه از من بالاتر هستند .

آیا اشتباهی بزرگتر از پی بردن به اشتباه دیگران است و گناهی بدتر از اعتراف به گناه دیگران وجود دارد و هیچ موفقیّتی مثل پی بردن به اشتباهات خود وجود ندارد !

انسانها دو گروه هستند دستهٔ اوّل کسانی هستند که در روشنایی گمراهند و دسته دوم کسانی هستند که در تاریکی بیدارند . رُفته گران کثافتهای خیابان را تمیز می کنند و پیامبران معاصی قلبهایمان را پاک می کنند .

بـه مـن مـی گوینـد : یـک گنجشـک در دسـت بهتـر از ده گنجشـک در بـالای درخـت اسـت ولـی مـن بـه آنهـا مـی گـویم یـک گنجشـک در بـالای درخـت بهتـر از ده گنجشـک در دست من است .[1]

اگـر گناهـانم را بـه قلـبم بگـویم بهتـر از ثوابهـایی اسـت کـه پـیش مـردم بگـویم و اگر گناهانم مرا ناراحت کنند بهتر از ثوابهایی هستند که مرا مغرور نمایند .

کسـیکه در خوشـی بـه تـو نزدیـک اسـت و در بـلا از تـو دور اسـت کلیـد هفـتم بهشت را گُم کرده است.

لاک پشـت هـا از خرگوشـهای کُنـدتر حرکـت مـی کننـد ولـی از خرگـوش بهتـر بـه راه آشنایی دارند !

آسـمان بـا گریـه اش و زمـین بـا خنـده اش بـا هـم ازدواج مـی کننـد و بهـار متولـد می شود

﴿وَ أَنَّهُ هُوَ أَضْحَکَ وَ أَبْکَی ؛وَ أَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَ أَحیا﴾/سوره نجم .

﴿ أَنَّا صَبَبنا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقّا﴾[2]

اگـر کسـی بـه تـو بخنـده مـی تـوانی بـه او مهربـانی کنـی ولـی اگـر تـو بـه کسـی بخنـدی نمـی تـوانی از گنـاه خـود بگـذری و اگـر کسـی بـه تـو بـدی کنـد مـی تـوانی بـدی او را فراموش کنی ولی اگر تو به کسی بدی کنی به یاد بدی خودت خواهی ماند .

آنچـه پوشـیده ای کُهنـه کـرده ای ، آنچـه خـورده ای تبـاه کـرده ای ولـی آنچـه بخشیده ای باقی گذاشته ای !

---

[1] عارفانه ها / جبران خلیل جبران

[2] سـوره ٔ مبارکـهٔ عـبس / ۲۵ تـا ۲۶ . (مـا آب را از آسـمان بـه گونـه شـگفتی مـی بـارانیم . سـپس زمـین را مـی شکافیم و از هم باز می کنیم .)

(دانستن و ندانستن)

انسان در جوانی چیزهایی دارد که دیگران ندارند مانند قلب پاک و در میانسالی چیزهایی دارد که هم دیگران دارند و هم خودش مانند ثروت و یا علم . و در پیری چیزهایی دارد که خودش آنها را نمی بیند ولی دیگران آنها را می بینند مانند : پُر حرفی ، فراموشی و نسیان .

(لذت یا دوام)

حکیم ابی قور می گوید : لـذّتی بپذیرید که رنجی را به دنبال نداشته باشد و آن خوشی را بپذیرد که خوشی بزرگتر را از شما نگیرد و زحمتی را قبول کنید که بلای بزرگتری بعد از خودش را در پی نداشته باشد .[1]

(نمایش با چِهره)

فرد شرور خود را با لباس صالحان نشان می دهد و فرد خائن با امانت مردم زندگی می کند و فرد حیله گر با صدق و امانت خود را می پوشاند و شخص دیکتاتور با چهره آزادی خود را به مردم نمایش می دهد

﴿ وَلَوْ نَشَاء لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُم بِسِيمَاهُمْ وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴾[2]

(دو بار فکر کردن و یکبار سخن گفتن)

اندیشه کردن قبل از گفتن بهتر از پشیمانی بعد از گفتن است و پشیمانی بعد از نگفتن بهتر از شرم ساری بعد از گفتن است و هرگز نگذارید دیگران از شما عبرت بگیرند بلکه خودتان از دیگران عبرت بگیرید تا به سعادت واقعی دست پیدا نمایید . «مَاَاَكْثَرُ و اَقَلُّ الِاعْتبار »[3]

---

[1] تنبیه الغافلین / ج ۲ـ ابولیث سمرقندی

[2] سورهٔ مبارکهٔ محمّد / ۳۰ . یعنی : اگر ما می خواستیم آنها را به تو نشان می دادیم و تو از روی قیافه و علامتشان ، ایشان را می شناختی . تو قطعاً آنان را از روی طرز سخن و نحوه گفتار می شناسی .

[3] نهج البلاغه / حکمت ۲۱۲ (یعنی عبرت ها چقدر فراوانند و عبرت گیرنده ها چقدر اندک هستند .

امروز می توانی اما نمی دانی و فردا نیز می دانی اما نمی توانی)

(جرأت)

بـــرای شـــنا کـــردن بـــه جهـــت مخـــالف رودخانـــه قـــدرت و جـــرأت لازم اســـت و امّـــا مـــاهی مـــرده هـــم میتوانـــد مخـــالف جهـــت رودخانـــه حرکـــت نمایـــد . هـــر کَســـی مـــی خواهـــد لحظـــه ای خوشـــحال شـــود انتقـــام بگيـــرد و هـــر کـــس مـــی خواهـــد تـــا اَبَـــد خوشـــحال شـــود بايـــد عفو نمايد .

﴿ وَ الْكَاظِمينَ الْغَيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴾[1]

(دروغ)

اگـــر مـــی خـــواهی رزقـــت کـــم شـــود و دشـــمن خـــدا شـــوی و حافظـــه ای ضـــعيف داشـــته باشی دروغ بگو ؛ ﴿ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللهِ الْذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ ﴾[2]

(بزرگی)

اشـــخاص بـــزرگ ماننـــد کـــوه هســـتند هرچـــه بـــه آنهـــا نزديـــک مـــی شـــوی آنهـــا را بزرگتـــر مـــی بينـــی و افـــراد پســـت ماننـــد سَـــراب هســـتند هـــر چـــه بـــه آنهـــا نزديـــک شـــوی ناچيزتر و ناپديدتر می شوند .

(تربيت فرزندان)

توجـــه ... اگـــر کـــودک را بـــا خُـــرده گيـــری بـــزرگش کنـــی مَلامـــت کـــردن مـــی آمـــوزد و اگـــر بـــا دشـــمنی بـــزرگش کنـــی ســـتيزه جـــو مـــی شـــود و اگـــر بـــا مســـخره کـــردن بـــزرگش کنـــی کـــم رو مـــی شـــود و اگـــر بـــا تشـــويق بـــزرگش کنـــی اعتمـــاد بـــه نفـــس مـــی آمـــوزد

[1] ســـوره مبارکـــه آل عمـــران /١٣٤.« وخشـــم خـــودرا فـــرو مـــیّ خورنـــد و از مـــردم گذشـــت مـــی کننـــد و بدينوســـيله در صف نيکوکاران جايگزين می شوندو خداوندهم نيکوکاران را دوست می دارد
[2] ســـورهٔ مبارکـــه آل عمـــران / ٧٥ . (و بـــر خـــدا دروغ مـــی بندنـــد (و چنـــين چيـــزی حکـــم خـــدا نيســـت) و حـــال آنکـــه ايشان (اين را) می دانند

و اگـر بـا انصـاف بـزرگش کنـی عـادل مـی شـود و اگـر در امنیـت بـزرگش نمـایی بـا ایمـان و با ادب می گردد .

و اگـر تربیـت فرزنـد خـود را بـه یـک سـفیه بدهیـد فـردا دوتـا سـفیه در خانـه ات زندگی خواهند کرد .

پول همه چیز است!

خیلـی هـا میگوینـد بـا پـول همـه چیـز را میتـوان خریـد ولـی اشـتباه مـی کننـد زیـرا جـوانی نمـی تـوان خریـد،ایمان نمـی تـوان خریـد،محبت را نمـی تـوان خریـد و از همـه مهمتر نمی توان با پول مرگ را از خود دفع کرد.

بهترین عمل

تواضـع هنگـام ثروت،عفـو هنگـام قـدرت،عزلت هنگـام شـهرت،روزه گـرفتن هنگام شهوت از بهترین و سنگین ترین اعمال محسوب می شود.

ظاهر و باطن

اگـر بـاطن و ظـاهرت یکـی باشـند خـوش بـه حالـت چـون مـؤمن هسـتی ولـی اگـر بـاطن وظـاهرت مختلـف باشـند یعنـی ظـاهرت آراسـته و باطنت،ظـاهرت موسـی و باطنـت فرعـون و صـورتت پیـامبر و قلبـت ابوجهل،بدانکـه سـر دسـته ی منافقـان تـو هستی.

﴿ وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [۱]

رازگویی

اگـر راز داشـتید بـه سـه نفـر نگوییـد:اول احمـق سـاده لـو،دوم شـخص پـر حـرف و سوم دوست نزدیک.

۱

سوره مبارکه ملک / ۱۳.(چه سخنان خود را آهسته گویید و زمزمه کنید،وچه بلند گویید و آشکار سازید(برای خدا یکسان و عیان است).چرا که او کاملا آگاه از اسرار و خفایای سینه ها است.

اگر دنیا و مال را زیاد دوست داشته باشی پایان کارت مرگ است و اگر خدا و آخرت را دوست داشته باشی اغاز کارت مرگ است.

کیفر

سه چیز به طور حتم در دنیا کیفرشان داده میشود:اولی ظلم و دومی بد رفتاری با پدر ومادر و سومی دزدی کردن.

از خدا خواستن

خداوندی که عمر طولانی به نوح داد،صبر طولانی به ایوب داد،عصای موسی را تبدیل به اژدها کرد،آهن را در دست داود تبدیل به موم کرد،با و جن و موجودات را برای سلیمان مسخر کرد،یونس را در شکم نهنگ سالم نگه داشت و عیسی را از صلیب نجات داد و محمد صلی الله علیه و سلم در غار و تمام بلاها و مصیبت ها حفظ نمود و تمام کائنات را با قدرتش می چرخاند آیا قادر نیست دعای ناچیز تورا نادیده بگیرد؟و تورا از گرسنگی نجات دهد و زندگی را برای تو سهل و اسان نماید؟

اگر دستی بلرزد با آن می توان گرهی را باز کرد ولی اگر ذهن ادمی بلرزد نمی توان با آن هیچ کاری را انجام داد.

انتخاب دوستان

از عیسی علیه السلام پرسیدند با چه کسانی باید دوست شد؟فرمود:با کسی که این سه خصلت در او باشد:اول: هنگام دیدن او به یاد خدا بیفتی دوم : هنگام حرف زدن علم تو زیاد شود و سوم : زمانیکه رفتار او را می بینی به یاد قیامت بیفتی.[1]

در انتخاب دوسست کسی را انتخاب کن که سنش از تو بیشتر و علمش هم از تو زیاد تر باشد و در انتخاب همسر کسی را انتخاب کن که سنش از تو کمتر و علمش نیز از تو کمتر باشد.

رفیق وقتی رفیق است که رفیق خود را در سه چیز حفظ نماید اول به هنگام نکبت و دومی به هنگام نبودنش و سومی به هنگام مرگش.

دوستانت سه دسته اند دوستت،دوس دوستت و دشمن دشمنت و دشمنانت سه دسته اند دشمنت،دشمن دوستت و دوست دشمنت.

اظهار نیاز

اظهار نیاز پیش کسی دلیل بر کوچکی روح،اعتراف به شکست و ابراز ناتوانی است چون کسی که خدا را خوب بشناسد نیاز خود را حتی به خدا هم نمی گوید و نیازش را در دلش نگه می دارد چون می داند که خدا در دلهاست.﴿وَ اللهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُدُرِ﴾

اعتماد

اعتماد به دنیا به آنچه در آن دیده می شودنادانی است،کوتاهی در کار نیک با اعتماد به پاداشش فریب است و به دوست اعتماد کردن قبل آزمایشش عجز است.

---

[1] عقل،علم و عمل/ج۱/ص۱٤/تالیف بابک محمدی

خوبی و بدی

آن خوبی که پشت آن اتش جهنم باشد خوبی نیست،ان بدی که پشت آن بهشت باشد بدی نیست،هر نعمتی غیر از بهشت بی ارزش است و هر بلایی غیر از جهنم سلامتی است.

چقدر فرق است میان دو عمل،اولی عملی که لذتش تمام شود و عذابش باقی بماند دومی عملی گه رنجش تمام شود و پاداشش باقی بماند.همه می توانند بد باشند چون نفس خواستار آن می باشد و خوب بودن یک آرزو شده.[1]

پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ سَلَّمْ فرمود:سه چیز در هر کس یافت شود وارد بهشت می شود:

۱- اِذَا اُعْطِیَ شَکَرَ - تشکر کند زمانی که به او بخشیده می شود.

۲- وَ اِذَا قَدَرَغَفَرَ- زمانیکه قدرتمند شد عفو نماید

۳- وَ اِذَا غَضِبَ فَتَرَ- و هنگام خشمگین شدن بر غضبش غلبه نماید.[2]

و باز می فرماید البِرُّ لا یُبْلِی_نیکی فرسوده نمی شود وَالذَّنْبُ لا یَنْسِی_گناه فراموش نمی شودوالدَّیانُ لا یَمُوت_و خدا نمی میرد.اعمَلْ کَمَا شِئتَ_هر چه میل کنی انجام ده،کَما تَدَینُ تُدَانِ_هرگونه که رفتار کنید همانگونه هم رفتار می شوید.[3]

فرار از چیزی

فرار کنید از زنی که حیا ندارد و از مردی که غیرت ندارد و از مرضی که پایان ندارد و ثروتمندی که از دادن صدقه بخل بورزد و از بیچاره ای که آخرتش را به دنیا بفروشد و از عالمی که به علم خود عمل نکند و از جاهلی که از آموختن شرم نماید.

---

[1] عقل،علم و عمل/ج۳/ص۱۰۰/تالیف بابک محمدی
[2] صحیح بخاری/ج۲
[3] صحیح بخاری/ج۲

عاقبت بی عملی

کسانی که بدون عمل به خداوند امیدوارند وقتیکه به دنیا دست یافتند سیر نمی شوند و وقتی که دنیا را از دست دادند قناعت ندارند،از نیکوکاران خوششان می آید ولی عمل آنهارا انجام نمی دهند و از گناهکاران بدشان می آید ولی خودشان گناهکارند به علت سنگینی گناه از مرگ متنفرند و خدا در کمین گاه است.

سرانجام به دنیا آمدن مرگ است انتهای بنا کردن ویرانی است و عاقبت ثروت،ارث گذاشتن است.

دنیا وآخرت

پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ سَلَّمْ می فرماید:کسی که دنیایش را دوست بدارد به خرتش ضرر می رساند و کسی که اخرتش را دوست بدارد به دنیایش ضرر می رساند پس اختیار کنید و انتخاب کنید آنچه را که فانی می شود و می رود یا آنچه را که باقی می ماند و می آید.[1]

سزای انجام اعمال

یکی از حکما جوانی را دید که پوست پلنگی را روی اسبش انداخته و گردش می کند و به او گفت:این پوست را نگذاشتند پلنگ بر تن کند حالا با تو چه کار خواهند کرد۲.انسان نیکوکار زنده است گر چه مرده باشد انسان بد کار مرده است گر چه زنده باشد و چه بسا انسانهایی مرده اند ولی اسمشان هنوز هم زنده است مانند پیامبران و دانشمندان و برخی انسانها زنده اند ولی در نظر مردم مرده اند مثب بخیلان و طمع کاران.[2]

---

[1] ریاض الصالحین.

[2] عقل،علم و عمل/ج۲/ص۱۰۰/تالیف بابک محمودی

راز خلیل شدن حضرت ابراهیم علیه السلام

از حضرت ابراهیم علیه السلام پرسیدند:چگونه شد که تو دوست و خلیل خداوند متعال شدی؟فرمود:تنها با سه کار:اول فرمان خدا را برسایر فرمانها برتری دادم، دوّم هر رزقی که خدا داده بود به آن قانع بودم و سوّم آنکه هرگز بدون مهمان غذا نخورده ام.[1]

(اعتماد به چشم)

شنیدن کِی بُوَد مانند دیدن! فاصله ی گوش تا چشم تنها چهار انگشت است و بعضی وقتها چشم ها نیز به انسان دروغ می گویند ولی عقل هرگز به انسانها دروغ نمی گوید و به صاحبانش خیانت نمی کند. شنیدن مهم است ولی دیدن از آن مهم تر، دیدن مهم است ولی تفکّر از آن مهم تر، تفکّر مهم است ولی عمل به آن مهم تر و عمل مهم است ولی موفّقیت در آن مهم تر است!

(نتایج اعمال)

مرد ستمگری از غلامش خواست تا برود گندم بکارد ولی او رفت جو کاشت، وقت درو مَرد با عصبانیّت به غلامش گفت: چرا جو کاشتی؟ غلام گفت: هرگز با کاشتن گندم جو نمی روید و با کاشتن جو گندم نمی روید پس تو هم چگونه انتظار داری که با اعمال زشتت در پیشگاه پروردگار متعال صاحب پاداش بشوی؟

از مکافات عمل غافل نشو که گندم ز گندم می روید، جو ز جو.[2]

(وجود و دقّت خداوند)

- برای دانشجوی علوم پزشکی باید گفت: اگر در شهری داروخانه ی بزرگی وجود داشته باشد و داروها بر حسب نیاز و اسم، مرتّب روی هم چیده شده باشند، این نشان از دقّت شخص ماهر و زبردست است. حالا کُره زمین داروخانه ی بسیار

---

[1] احیاء علوم الدّین/ ج۱.

[2] عقل، علم و عمل /ج۱ /ص۸۰/ تألیف بابک محمودی.

بزرگی است که خداوند روی تمام میوه ها و حیوانات خواصّشان را مشخّص نموده است. اگر وارد منزلی شوی که در آن چراغهایی وجود دارد که هرگز خاموش نمی شوند و بدون سیم کشی همه روشن مانده اند همه ی این ماجرا نشان می دهد که سیم کس اتاق بسیار ماهر و متبحّر می باشد.

﴿ وَ لَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَآءَ الدُّنيا بِمَصَابِيحَ وَ جَعَلْنَاهَا رُجُوماً لِّلشَّيَاطِينِ وَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ﴾ [1]

پس باید دانست که آسمان مانند سقف اتاقی هست که هرگز چراغهایش خاموش نشده اند و بدون سیم کشی تا به امروز هم روشنایی دارند.

اگر وارد محیطی شوی که رنگ و سایه روشن درختها و کوه ها بدرستی و کاملاً حرفه ای رعایت شده، اینکار نشان از تبحّر و تخصّص نقّاش می باشد و این نقّاشی و طرّاحی را که خداوند متعال بر روی طبیعت انجام داده، هر چهار فصل و هر ماه و هر روز و هر ساعت و هر دقیقه و هر ثانیه به هزاران رنگ و حالت خاصی در می آیند.[2]

اگر کتابی باشد که هر کلمه اش نیاز به تفسیر طولانی باشد و هر جمله اش با جملات دیگر رابطه ی خاصّی داشته باشد نشان می دهد که مؤلّف این کتاب شخص بسیار ماهری بوده است که حَتّی بدون کمك گیری از ویراستار و بدون وجود خط در کتابش کلمات را پشت سر هم قرار داده است، بله قرآن کتابی است که نظیری ندارد و راهنمای جاهلان و تسکین دهنده ی قلب مؤمنان و شفا دهنده ی بیماران می باشد. قرآن کریم اوّل ذهن انسانها را با هنر بلاغتش درو می کند سپس با حروف مروارید مانندش اهداف والایش را در قلبها می کارد.

قرآن به وکیل احتیاج ندارد بلکه به آینه نیاز دارد. ﴿ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِن كَانُوا صَادِقِينَ﴾ [3]

---

[1] سوره ی مبارکه ی ملك/ ٥. یعنی: (ما آسمان نزدیك (به شما) را با چراغهایی (به نام ستارگان) آراسته ایم، و آنها را وسیله راندن اهریمنان ساخته ایم، و برای ایشان عذاب آتش سوزانی را آماده کرده ایم).

[2] عقل، علم و عمل/ ج۱/ ص۸۰/ تألیف بابك محمودی

[3] سوره مبارکه طور/٣٤. یعنی: (اگر راست میگویند (که محمد خودش قرآن را از پیش خود ساخته است) سخنی همچون آن را بیاورند و ارائه دهند).

حکیمی از کودکی پرسید: یك عدد پرتقال به تو میدهم تا بگویی خدا کجاست؟ کودك هم با کمال احترام گفت: من هم دو عدد پرتقال به شما می دهم تا بگویی خدا کجا نیست. حکیم از باهوشی آن بچّه تعجّب کرد.

(راست و دروغ)

بزرگی گفت سه پسر دارم اوّلی هر چه میگوید باور می کنم چون راستگوست، دوّمی هر چه میگوید باور نمیکنم چون دروغگوست و سوّمی را خدا مرگش دهد چون مرا سرگردان کرده هم راستگوست و هم دروغگو!

(از دست دادن قرآن)

شخصی با عجله پیش ابن سیرین آدم و گفت: در خواب دیدم دنیا و آخرتم را از دست داده ام سپس شخصی نیز آمد و گفت: در خواب دیدم دنیا و آخرتم را به دست آورده ام! ابن سیرین به اوّلی گفت تو قرآن را گُم کردی و به دوّمی گفت تو قرآن را پیدا کردی.

(زود به پاداش رسیدن)

روزی انوشیروان با همراهانش به شکار می رفت در راه دهقان پیری را دید که درخت گردو می کارد، انوشیروان به او گفت: تو دیگر پیر شده ای و درخت گردو سالها طول می کشد تا بار بیاورد؟ پیرمرد در جواب گفت: بله راست می گویی ولی دیگران کاشته اند ما خورده ایم و اکنون هم ما می کاریم تا دیگران بخورند! انوشیروان از این جمله ی پیرمرد خوشش آمد و به همراهانش دستور داد تا هزار سکّه به او بدهند آنگاه پیرمرد گفت: دیدید کاشتَنَم چه زود ثمر داد.

(بی شرمی در مقابل رزق)

دو برادر بودند که یکی پیش سلطان خدمت می کرد و دیگری با زور بازوانش نان می خورد. روزی برادر ثروتمند به برادر فقیرش گفت: تو هم اگر به خدمت پادشاه درآمده بودی الآن از زحمت کارت خلاص

می شدی! برادر فقیرش به او گفت: تو هم اگر با زحمت و زور بازویت نان می خوردی الآن از ذلّت و بندگی به پادشاه خلاص می شدی!

- به افلاطون فیلسوف گفتند: اگر تو هم مثل ما در درگاه پادشاه خدمت میکردی اکنون مجبور نبودی از شدّت فقر ریشه ی گیاهان را بخوری! افلاطون هم در پاسخ آنها گفت: اگر شما هم مثل من به خوردن ریشه ی گیاهان عادت می کردید الآن هرگز مجبور نبودید مثل سگها نوکری انسان مثل خودتان را بکنید.

يك روز زنبور از بالا، زحمت و کار کردن مورچه ای را دید که چقدر برای کشیدن يك دانه به خانه اش تلاش می کند و انسانها نیز خانه ی او را لِه می کنند. زنبور پیش او رفت و گفت: چقدر خوار زندگی می کنی! ولی من به راحتی و از بهترین غذاها می خورم. زنبور برای مشاهده ی مورچه بعد از کارش او را به همراه خود به مغازه ی قصّابی برد و در بهترین قسمت گوشت نشست و بقدری خورد تا سیر و فربه گشت. ولی قصّاب با عصبانیّت آمد و با چاقویش او را زد و دو نیم کرد و مورچه آمد و جسد دو نیم شده ی او را کشان کشان با خود به خانه اش برد و گفت: هر که آنجا نشیند که خواهد و مرادش بود چنانش کُشند که نخواهد و مُرادش نبود.

(پنج چیز بدون پنج چیز دیگر)

پنج چیز بدون پنج چیز بی فایده است: اوّلی ادّعای ترس از خدا بدون پرهیز از گناه. دوّمی دوست داشتن بهشت بدون عمل صالح، سوّم استغفار بدون ندامت. چهارم عبادت بدون اخلاص و پنجم دُعای بدون نیّت سالم[1].

(سه عامِل هلاک)

سه عامل هلاک کننده است: ۱- کسی که علمش زیاد باشد ولی به آن عمل نکند. ۲- کسی که عمل نیک انجام دهد ولی اخلاص نداشته باشد و ۳- کسی که با عُلما بنشیند ولی قدر آنها را نداند[2].

[1] عقل، علم و عمل/ ج/۳/ ص ۲۰۸/ تألیف بابک محمودی.
[2] عقل، علم و عمل/ ج/۲/ ص ۴۰۹/ تألیف بابک محمودی.

(شش چیز تعجّب آور از شش کس)

شش چیز تعجّب آور از شش شخص!! ۱- شخصی که می گوید بندهٔ خدا هستم ولی از دیگران می ترسد. ۲- شخصی که می گوید روزی دهنده و رزّاق خداست ولی زمانی که بی پول می شود نزدیک است از ترس سکته کند. ۳- شخصی که می گوید آخرت از دنیا بهتر است ولی شب و روز دنبال دنیاست و از آخرتش خبری ندارد. ٤- شخصی که می گوید مرگ حتمی است و حتماً می آید ولی در عمل طوری زندگی می کند که انگار هیچ مرگی در کار نیست. ٥- شخصی که به پدر و مادرش بی حرمتی میکند و حتّی آنها را هر روز کُتک می زند ولی زمانی که پدر و مادرش می میرند، مرتّب به سر و صورتش میزند وتا چهل روز لباس سیاه می پوشد. ٦- شخصی که می گوید خدایا مرا فردا در امتحان موفّق کن ولی هنگام امتحان از دیگران تقلّب می کند و به خدا اعتماد ندارد.

(هفت کیلومتر برای هفت حکمت)

هفت کیلومتر برای هفت سخن با ارزش. دانشمندی برای هفت سؤالش هفت کیلومتر را طی نمود تا آنها را از عالمی بپرسد. ۱- چه چیزی از سنگین تر از آسمان است؟ ۲- چه چیزی از زمین وسیع تر است؟ ۳- چه چیزی از سنگ سخت تر است؟ ٤- چه چیزی از آتش سوزاننده تر است؟ ٥- چه چیزی از زمهریر سردتر است؟ ٦- چه چیزی از دریا عمیق تر است؟ و ۷- چه چیزی از یتیم ضعیفتر و از زهر کشنده تر است؟

عالم جواب داد: ۱- سنگین تر از آسمان تهمت به پاکدامن است. ۲- وسیع تر از زمین سخن حقّ گفتن است. ۳- از سنگ سخت تر قلب کافر است. ٤- از آتش سوزاننده تر، حسد حسود است. ٥- از زمهریر سردتر اخلاق منافقان است. ٦- از دریا عمیق تر دل انسان قانع است و ۷- آشکار شدن سخن چینی از زهر خطرناکتر و خود سخن چین از یتیم بدتر و ضعیف تر است.

(چهار مروارید از میان چهار هزار مروارید)

شقیق بلخی گفت: من از چهار هزار سخن چهارصد تا و از چهار صد تا چهار سخن را برگزیده ام:

۱- گوش به خواهش های زن جاهل نده چون انسان را تا جهنّم می کشاند. ۲- محبت به مال را از دلت بیرون کن چون امروز در دست توست و فردا در دست دیگری است. ۳- از کارهای شک بر انگیز دوری کن چون دل انسان مُفتی است و از حرام می ترسد و با حلال آرامش می یابد و ٤- تا به صحت کاری اطمینان نداری آن را انجام مده.

در چهار چیز قلب انسان می میرد: ۱- سستی و غفلت در عبادت. ۲- گرفتار شدن به غم و اندوه ۳- حرص و طمع به ثروت و ٤- دوری کردن از ذکر و قرآن.

و چهار چیز قلب انسان را سخت می کند: ۱- پرخوری (هر چند از حلال باشد). ۲- مُجالست با بدکاران. ۳- از یاد بردن گناهان گذشته ومرگ آینده و ٤- آرزو و خندیدن زیاد.

و چهار چیز قلب انسان را سالم و منوّر می نماید: ۱- زیاد ذکر کردن و قرآن خواندن ۲- هر شب بیست بار به مرگ فکر کردن ۳- صدقه دادن در پنهانی و ٤- کم خوری و مجالست با عُلما و فُضلا[1].

(چهار حجّت در قیامت برای چهار گروه)

خداوند متعال در قیامت چهار گروه را به چهار کس حجت قرار می دهد

۱- ثروتمندان- وقتیکه ثروتمندی می گوید خداوندا ثروتم نگذاشت که تو را عبادت نمایم خداوند متعال حضرت سلیمان را پیش می آورد و می گویند ما به سلیمان همه ثروتها و قدرتهای دنیا را دادیم پس چرا او باز از ما غفلت ننمود؟ ۲- غُلامان- می گویند پروردگارا ما به خاطر اینکه زیر دست دیگران بودیم نتوانستیم تو را عبادت نماییم خداوند متعال حضرت یوسف را می آورد و می گوید یوسف نیز غلام و برده عزیز مصر بود پس چرا باز از ما اطاعت نمود؟ ۳- فُقرا- می گویند پروردگارا ما به علّت فقر شدیدمان نمی توانستیم تو را عبادت نماییم خداوند متعال حضرت عیسی را پیش می آورد و می گوید در دنیا کسی فقیر تر از عیسی نبود پس چرا ما را بخوبی اطاعت می

[1] تنبیه الغافلین/ ج ۲ به کوشش ابولیث سمرقندی

کرد؟ ٤- بیماران- می گویند پروردگارا ما به علّت بیماریمان نمی توانستیم تو را عبادت نماییم خداوند متعال حضرت ایوب را که قافله سالار صابران است می آورد و می گوید ما به او چنان بیماری عطا کرده بودیم که به کسی در دنیا مثل او بیماری نداده بودیم ولی از ذکر و عبادت ما غافل نبود[1].

(ربا خواری)

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: در شب معراج صدای رعد و برق شدیدی از آسمان می شنیدم و گروهی را مشاهده نمودم که شکم های آنها مانند دیگهای بسیار بزرگ بود و در درون آنها مارها و عقربهای وحشتناکی بود که مرتّباً آنها را از درون نیش می زدند؛ گفتم: سبحان الله اینها چه کسانی هستند؟به من گفته شد رباخواران!اگر در هر شهر ربا خوردن و زنا کردن عام شود، آن شهر نابود می گردد و هر کس بدون علم شرعی وارد معامله گردد به رباخوردن مبتلا می شود. به همین جهت حضرت عُمر d آموختن علم تجارت را برای بازاری ها واجب کرده بود و هر کسی که علم تجارت را نمی دانست از این کار او را محروم می ساخت[2]. رسول گرامی اسلام sدر مورد رباخواران می فرماید: «لَعَنَ اللهُ آكِلَ الرِّبا و كَاتِبَ الرِّبا وَ شَاهِدَ الرِّبا و مُوَكِّلَ الرِّبا». یعنی خداوند خورنده ربا را، دهنده ربا را، نویسنده ربا را و شاهد ربا را و موکل ربا را لعنت کرده است[3].

– ربا سبب بیکارگی می شود و شُعله و شوق تلاش را خاموش می سازد.

برای ربا خوار و ربا دهنده همین بس که حاصل پول های زحمت کشیده شده را به جیب فاسد ترین و اَبله ترین و از همه مهم تر دشمن اسلام می ریزند.

یک درهم ربا از سی و شش بار زنا کردن بدتر است و ربا ٧٣ باب دارد که کوچکترین باب آن مثل این است که شخص در داخل کعبه با مادر و خواهرش عمل

---

[1] کیمیای سعادت/ ج ٢

[2] عقل، علم و عمل/ ج/٣/ ص ٢١٦/ تألیف بابک محمودی.

[3] صحیح ترمذی.

شنیع را انجام می دهد! و آنحضرت sمی فرماید: کسی که به دیگری وام می دهد حتی هدیه از وام گیرنده نگیرد[1].

(نجات دهندگان چهارگانه)

۱- روزه بدون غیبت ۲- نماز بدون غفلت ۳- قلب بدون کینه و ٤- رزق بدون مال حرام.

(شناسایی روح مریض)

- اگر شخصی در مجلس دینی و موعظه خوابش بگیرد و یا در مساجد نسبت به خواندن نماز سستی بورزد ولی هنگام تماشای تلویزیون بی حرکت باشد و آدامس بجود، روح چنین شخصی مریض است و باید مورد معالجه قرار گیرد چون بیشتر به باطل گرایش دارد.

(چهار چیز برنگشتنی)

۱- کلام گفته شده ۲- تیر رها شده ۳- تقدیر جاری شده ٤- و زمان گذشته.

(ناله زمین از چهار چیز)

۱- خواب بین طلوعین ۲- آب غُسل ریخته شده بر روی زناکار ۳- خون به ناحقّ ریخته شده ٤- افترایی که به ناحق به پاکدامنی زده شود.

(دوست داشتنی های سه گانه)

پیامبر اکرمs فرمود: من از دنیای شما چه چیز را دوست می دارم: اوّلی عطر، دوّمی نماز و سوّمی زن صالحه. حضرت ابوبکر ﵁ گفت: راست گفتی من هم سه چیز را دوست دارم: اوّل اینکه دخترم در نکاح توست، دوّم اینکه به روی مبارک تو نگاه کنم و سوّم اینکه مالم را در راه اسلام خرج نمایم. حضرت عُمر ﵁ او را تصدیق کرد و گفت: من هم سه چیز را دوست دارم؛ اوّل امر به معروف، دوّم نهی

[1] تفسیر مشکات/ تفسیر مبارکه سوره حجرات.

از منکر و سوّم لباس کهنه پوشیدن را. حضرت عثمان ﷺ او را تصدیق کرد و گفت: من هم سه چیز را دوست می دارم؛ اوّل اطعام گرسنگان، دوّم پوشاندن یتیمان و سوّم خواندن قرآن. حضرت علی ﷺ او را تصدیق کرد و گفت: من هم سه چیز را دوست دارم؛ اوّل مهمانی کردن، دوّم شمشیر بر بدن دشمنان اسلام زدن و سوّم در گرمای تابستان روزه گرفتن[۱]. حضرت حسن ﷺ گفت: من نیز سه چیز را دوست می دارم؛ اوّلی اطعام فقیر، دوّم نماز شب و سوّم سلام ظاهر. حضرت حسین ﷺ گفت: من هم سه چیز را دوست می دارم؛ اوّل بر حذر کردن مردم از شرّ، دوّم دعوت کردن مردم به سوی خیر و سوّم اجرای حدود الهی روی زمین. جبرئیل ﷺ گفت: من هم سه چیز را دوست می دارم؛ اوّل راهنمایی گمراهان، دوّم پشتیبانی از عبادت کنندگان و سوّم کلام وحی و میکائیل گفت: به تحقیق خداوند متعال نیز سه چیز را بیشتر از هرچیزی دوست دارد؛ اوّل تنی صابر، دوّم قلبی شاکر و سوّم زبانی ذاکر[۲].

(علامت های جنّتی و جهنّمی)

اهل جنّت: ۱. روح ملیح ۲. زبان شیرین ۳. دست سَخی ٤. و قلب رَحیم.

اهل جهنّم: ۱. قلب قَسی ۲. دست بَخیل ۳. روی عبوس ٤. و زبان تلخ.

(انسان های أربعه)

۱. سخی می خورد و عطا می کند ۲. کریم نمی خورد و عطا می کند. ۳. بخیل می خورد و عطا نمی کند ٤. و لئیم نه می خورد و نه عطا می کند.

(اوقات باز شدن درهای رحمت الهی)

۱. موقع نزول باران ۲. هنگام باز شدن در کعبه ۳. هنگام نگاه پر محبت فرزند به روی پدر و مادرش ٤. و هنگام ازدواج کردن.

۱ توشه راه نجات/ تألیف ابن حجر عسقلانی.

۲ عقل، علم و عمل/ ج/۳/ ص ۳۰۰/ تألیف بابک محمودی.

(به نه نفر نباید سلام داد)

۱- نصرانی حرام خوار ۲- یهودی زناکار ۳- مسلمان رباخوار ٤- شخص مشروب خوار ٥- کسی که در حمام است. ٦- کسی که علناً گناه می کند. ۷- کسی که در حال نماز است. ۸- شاعر مذّمت کننده مؤمنین ۹- و شخص مخنّث همجنس باز[1].

(همنشینی)

پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمود: با پنج دسته همنشینی کنید: ۱- کسانی که شما را از شکّ به یقین آورند. ۲- کسانی که شما را از تکبّر به فروتنی بیاورند. ۳- کسانی که شما را از ریا و تظاهر به اخلاص و صدق بکشانند. ٤- کسانی که شما را از خیانت کردن به وفاداری بکشانند. ٥- کسانی که شما را از حبّ مال به بی رغبتی نسبت به دنیا سوق دهند.

و با پنج کس هم نباید همنشین شد:

۱- فاسق- چون حاضر است تو را به خاطر یک لقمه نان بفروشد.
۲- بخیل- چون هنگام ثروتش نفعی به تو نمی رساند.
۳- احمق- چون میخواهد به تو نفع برساند ولی در واقع به تو ضرر می رساند.
٤- دروغگو- چون او مثل سراب یا آب نما است، دور را نزدیک و نزدیک را به تو دور نشان می دهد.
٥- قاطع رحم- چون خداوند متعال در سه موضع از کتابش او را لعنت کرده است.

(عیسی مسیح علیه‌السلام و شیطان)

وقتی حضرت روح الله عیسی (علیه السّلام) ابلیس را دید متوجه شد پنج تا الاغ جلوی اوست و بر روی هر کدام باری بسته است. آنحضرت علیه‌السلام بلافاصله پرسید: این بارها چیستند؟! ابلیس گفت: این بارها تجارت من هستند و اکنون طالب مشتری آنها هستم.

[1] عقل، علم و عمل/ ج/۳/ ص ۱۰۹/ تألیف بابک محمودی.

حضـــرت ﷺپرســـید: چـــه جنســـی اســـت؟ ابلـــیس گفـــت: اوّلـــی بـــار جـــور و ســـتم اســـت.

حضرت ﷺ فرمود: مشتری آن کیست؟ ابلیس گفت: سلاطین و حکّام.

دوّمـــی بـــار حســـد و نفـــاق اســـت و مشـــتری آن مردمـــان بـــی فهـــم اســـت و ســـوّمی بـــار کِبـــر و طَمـــع اســـت و مشـــتری آن عُلمـــا هســـتند. چهـــارمی بـــار خیانـــت اســـت و مشـــتری آن حمّـــال و نوکرانند و پنجمی بار حیله و مکر است و مشتری آن زنان بی ایمان هستند[1].

(عیسی مسیح a و ریاکار)

حضـــرت عیســـی ﷺ هرگـــز آشـــکارا دروغگـــو را ملامـــت نکـــرد، هرگـــز آشـــکارا ســـارق را ملامـــت نکـــرد یـــا قاتـــل را یـــا زانـــی را! امّـــا آشـــکارا نقـــاب زشـــت ریاکـــار را پـــایین افکنـــد و او را رُسوا ساخت.

(غریب)

حضـــرت علـــی (کـــرم الله وجهـــه) مـــی فرمایـــد: ثـــروت در غریبـــی وطـــن اســـت و فقـــر در وطـــن غریبـــی اســـت و بزرگتـــرین غریبـــی آن اســـت کـــه شخصـــی بـــی دوســـت شـــود و حضـــرت امـــام صـــادق رحمه‌الله مـــی فرمایـــد: غریـــب چهـــار گونـــه اســـت: ۱- عـــالمی کـــه مـــردم احـــوال او را نپرســـند. ۲- مســـجدی کـــه خـــالی از مـــردم باشـــد. ۳- اســـیری کـــه در دســـت کفّار بیفتد. ٤- و قرآنی که در خانه بماند و آن را نخوانند.

(حِلم)

۱- چیزی را که دوست نداری نخور، با نام خدا شروع کن و قبل از سیر شدن دست از غذا بکش. ۲- اگر کسی به تو بگوید یکی به من بگویی ده تا به تو بر می گردانم تو بگو اگر ده تا بگویی، یکی نشنوی. ۳- اگر کسی تو را ناسزا بگوید، بگو اگر راست می گویی خدا مرا هدایت

[1] داستان پیامبران به کوشش لطیف راشدی.

کند و بیامرزد و اگر دروغ بگویی خدا تو را هدایت کند و بیامرزد. ٤- و اگر کسی تو را تهدید به مرگ کرد تو او را عفو کن.

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: هر کس چهار عمل را در دنیا حفظ کند، در دنیا و آخرت سرمایه دار و سعادتمند است: ١- بخشش برای کسی که تو را محروم کرده است. ٢- عفو کردن کسی که به تو ظلم نموده است. ٣- صله رحم کردن با کسی که با تو قطع رابطه کرده است. ٤- و ترک کردن دعوا و جدل در حالی که حقّ با تو است و فرمود: برای ترک کننده جدل در بهشت خانه بزرگی عطا خواهد شد[١].

حضرت لقمان حکیم عليه السلام می فرماید: سه کس در سه وقت شناخته می شوند: ١- حلیم در وقت خشم ٢- شجاع در وقت جنگ ٣- و دوست در وقت تنگی و سختی.

حضرت عیسی (علیه السلام) می‌فرماید: اگر کسی به گونه راست تو سیلی بزند تو گونه چپ خود را بگیر تا به آن نیز سیلی بزند, اگر سربازی به تو بگوید یک مایل بُدو تو دو مایل بدو, اگر کسی به تو فحش دهد تو او را تعریف کن, اگر کسی به تو لعنت بفرستد تو برای او دعا کن و اگر کسی از دست تو شکایت کرد تو برایش لباس تازه بخر.

بترس از حضرت عیسی (علیه السلام) پرسید برادری مرا اذیت می‌کند آیا هفت مرتبه او را ببخشم کافی است؟ فرمود: هفت مرتبه! بلکه برادرت را هفتاد مرتبه شایسته است ببخشی.[٢]

(زیادکنندگان عمر)

١-صله رحم ٢-گردش در طبیعت ٣- با آرامش زندگی کردن ۴- خوش اخلاقی ۵- احترام به حیوانات ۶- احسان کردن ٧- احترام به همسایگان ٨- عبادت سر وقت ٩- و صدقه مخفیانه.

---

[١] صحیح مسلم/ ج ٢

[٢] انجیل تفسیری متی.

(زیاد کردن حافظه)

۱- خوانـــدن قـــرآن ۲-حفـــظ کـــردن قـــرآن ۳-حجامـــت کـــردن ۴- عَسَـــل خـــوردن ۵- کـــرفس خـــوردن ۶- روز دوشـــنبه نـــاخن هـــا را گـــرفتن ۷- خـــوردن چغنـــدر ۸- خـــوردن کـــدو ۹- خـــوردن پســـته ۱۰- خـــوردن فنـــدق ۱۱- خـــوردن تُـــرنج ۱۲- خـــوردن ســـرکه طبیعی ۱۳- مسواک کردن ۱۴- و مسافرت کردن.[1]

(زیاد کردن رزق)

۱- خـــوش اخلاقـــی ۲- صـــدقه دادن ۳- زکـــات دادن ۴- احتـــرام بـــه بزرگـــان ۴- عـــدمقطع درختـــان ۶- وره واقعـــه و یـــس را شـــب هـــا خوانـــدن ۷- نمـــاز شـــب ۸- و ذکـــر لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.

(تاریک کنندگان قلب)

۱- پُرخـــوری ۲- پُرحرفـــی ۳- عـــدم ذکـــر ۴- گنـــاه ۵- همنشـــینی بـــا ثروتمنـــدان غافل ۶- چهل روز پشت سرهم گوشت خوردن.[2]

(اجابت کنندگان دعا)

۱- گفـــتن بســـم الله ۲- فرســـتادن صـــلوات ۳- حضـــور قلـــب ۴- توســـل بـــه رحمـــت خـــدا ۵- عـــدم حـــرام بـــودن لبـــاس ۶- عـــدم حـــرام بـــودن غـــذا ۷- عـــدم عـــاق والـــدین ۸- و دیگـــران را در دعا کردن بر خود مقدم نمودن.

(زیادکنندگان فقر)

۱- زنـــا کـــردن ۲- خیانـــت بـــه مســـلمان ۳- دشـــنام دادن ۴- خوابیـــدن مکـــرر میـــان مغـــرب و عشـــاء ۵- خوابیـــدن بعـــداز نمـــاز عصـــر (بایـــد بعـــداز ظهـــر خوابیـــد چـــون ســـنت است و رسول خدا خوابیدن بعد از عصر را منع کرده اند چون دیوانگی می آورد

---

[1] کتاب عقل و علم و عمل ج ۲ / صفحه ۳۵۰/ تألیف بابک محمودی.
[2] کتاب عقل و علم و عمل ج ۲/ صفحه ۲۵۳. تألیف بابک محمودی.

۵- گــدایی. ۶- ربـــا خـــواری. ۷- دروغ گفـــتن. ۸- مـــال حـــرام خـــوردن . ۹- قســـم دروغ.[۱]

(نجات دهندگان ازدوزخ)

۱- روزه گـــرفتن. ۲- گریـــه بخـــاطرترس خـــدا. ۳- دادن لبـــاس بـــه مـــومن فقیـــر ۴- درخلـــوت نمازشـــکرخواندن. ۵- چهـــل روز باجماعـــت نمازخوانـــدن ۶- ذکرکـــردن وقران خواندن . ۷- دفع غیبت ازپشت سرمسلمان.

(امّهات)

پیامبراکرم صل علی وسلم فرمود: مادر به چهار قسم تقسیم میشود :

۱- مادرعبادتهـــا ـــــ کـــم گنـــاهی اســـت. ۲- مـــادر ادبهـــا ـــــ کـــم گـــویی اســـت. ۳- مـــادر آرزوها ـ صبر است. ۴- ومادر داروها ـ کم خوری است.

(وصیّت پیامبر ﷺ ب انس بن مالک)

ازرســـول خـــدا .خواســـتم دانـــاترین مـــردم باشـــم ، فرمود:ازعـــذاب خـــدا بتـــرس . خواســـتم ازمؤمنـــان باشـــم .فرمـــود: پـــس شـــب وروز قـــران بخـــوان. خواســـتم دلـــم روشـــن باشـــد.فرمود: پـــس همیشـــه مـــرگ را ذکـــر کـــن خواســـتم رحمـــت الهـــی شـــامل حـــالم گـــردد .فرمـــود: بـــامردم نیـــک رفتـــارکن. خواســـتم ازدشـــمنی بـــرایم افـــت نرســـد .فرمـــود: بـــه خـــدا توکّـــل نمـــا خواســـتم پـــیش مـــردم خوارنباشـــیم.فرمود: پرهیزکارباش.خواســـتم عمـــرم طـــولانی شـــود .فرمـــود ; صـــلـه رحـــم کـــن . خواســـتم روزیـــم وســـیع باشـــد.فرمود: دائـــم الوضـــوباش ، خواســـتم درآتـــش نســـوزم .فرمـــود: پـــس چشـــم وزبانـــت رامهـــارکن . خواســـتم گناهـــانم بریزنـــد. فرمـــود : پـــس گریـــه وزاری بکـــن. خواســـتم آبـــرویم نـــرود .فرمـــود: پـــس آبـــروی کســـی رامبـــر. خواســـتم ســـنگین تـــرین مـــردم باشـــم .فرمـــود؛ ازکســـی چیـــزی مخـــواه

[۱] کتاب عقل. علم وعمل ./ ج۲. صفحه ۳۸۰. تألیف بابک محمودی

خواستم قبرم تنگ نباشد .فرمود: سوره مُلک را بخوان و خواستم رزقم زیاد باشد ،فرمود : پس هرشب سورة واقعه را بخوان.[1]

(خوابیدن زیاد)

۱- باعث سنگینی بدن میشود. ۲- دل را میمیراند. ۳- عُمر را کوتاه میکند ۴- رنگ را زرد میکند. ۵- بدن را سنگین میکند. ۶- ودرشکم تولید کرم میکند.

(غذاهای داغ)

۱- باعث تولید سرطان مری میشود. ۲- دهان را خشک میکند. ۳- قدرت بدنی را ازبین میبرد. ۴- گوش هارا سنگین میکند. ۵- چشم هارا کم نور میکند. ۶- ذهن را کم هوش میکند. ۷- چهره رازرد میکند. ۸- برکت راز بین میبرد. ۹- صفرارا زیاد وباعث خشم می شود.[2]

(فواید سرکه طبیعی)

۱- شهوت راضعیف میکند. ۲- فقر راازبین می برد. ۳- برکت می اورد ۴- عقل رازیاد میکند.⅔

(بهترینها)

پیامبر اکرم صل علی وسلم میفرماید:بهترین شماکسی است که خیرش به مردم برسد و شرّش به کسی نرسد وهمیشه قُفل شر کلید خیر باشد و حضرت علی میفرماید : بهترین سیاستها عدل است .بهترین جهادها جنگ بانفس است .وبهترین ثروتها عقل است وبدترین فقرها جهل است.

---

[1] صحیح ترمذی .
[2] دکترشفابخش /بخش بیماری های معده/ تألیف بابک محمودی

(مردم شش دسته هستند)

۱- مانند شیر و پلنگ ــ حکام وسلاطینی که مردم رامیکشند ۲- مانند گرگها - تُجّاری که هنگام خرید کالا ان را مذمّت وهنگام فروش کالایشان ان را تعریف میکنند ۳- مانند خوک - عیّاشان وشهوت رانان ۴- مانند سگها - مردمان بدزبان وخشن ۵- مانندروباهان - مکّاران ودورویان ومنافقان ۶- مانند گوسفندان - مؤمنان به راستی مؤمنان مانند گوسفندان هستند که پشمش را میچینند وگوشتش رامی درند واستخوانش را میشکنند.[1]

چندچیز است که ب هرخانه ای وارد شود ان خانه را تبدیل به خرابه ویرانه میکنند۱ - خانه ای که به ان مال دزدیده شده وارد شود.

۲ - خانه ای ک دران طلاق اجباری اتّفاق افتاده باشد .۳ - خانه ای که دران زکات داده نشود.۴ - خانه ای که دران به وصّیت میّت عمل نشود.

۵ -خانه ای که دران شراب وارد شود .۶ - خانه ای که دران به امانت مردم خیانت شود. .۷- خانه ای که دران عمل زنا انجام شود [2]

(چهاربارناله شیطان)

۱- روزی ک لعنت شد .۲- روزی ک ادم به زمین فرستاده شد.

۳- روز مبعوث شدن نبی اکرم صلی علی وسلم .۴- و زمان نزول سورة حمد.

(یازده چیز نابود کننده)

یازده چیز یازده چیز رامیخورد .۱- نیکی بدی را ۲- تکبّرعلم را ۳- توبه گناه را ۴- دروغ رزق را ۵- عدل ظلم را ۶- غَم عمر را ۷- صدقه بلا را ۸-

[1] عقل،علم وعمل ج/ ۲ صفحه ۳۸۱.تألیف بابک محمودی
[2] عقل،علم و عمل ج/ ۲ صفحه ۳۸۱.تألیف بابک محمودی

غضـــب عقـــل را ۹- بخالـــت ســـخاوت را ۱۰- غیبـــت حســـنات را۱۱- وحســـادت خیـــرات را.[1]

(بهتر و بدتر)

رســـول گرامـــی صـــل علـــی وســـلم میفرمایـــد: دوخصـــلت ازهمـــه بهترنـــد؛ اوّلـــی ایمـــان بـــه خـــدای متعـــال ودوّمـــی نفـــع رســـاندن بـــه مـــردم ودوخصـــلت ازهمـــه بدترنـــداوّلی شـــرک ب خدای متعال ودوّمی ضرر رساندن به دیگران و فرمود:

بهتـــــرازاین دو .گـــــوش دادن بـــــه پنـــــد وحکمـــــت علماســـــت چـــــون خداونـــــدمتعال همانگونـــه کـــه زمـــین مـــرده راباـــاب بـــاران زنـــده میکنـــد دلهـــای مـــرده راهـــم بـــاـاب علـــم وحکمت زنده نگه می‌دارد.[2]

(حکمت های دوگانه)

کســـــیکه درجســـــتجوی علـــــم باشـــــد بهشـــــت درجســـــتجوی اومیباشـــــد وکســـــیکه درجستجوی گناه باشد دوزخ درجستجوی اوست.

هرگنـــاهی کـــه مشـــأش شـــهوت باشـــد امیداســـت کـــه بخشـــیده شـــود و هرگنـــاهی منشـــأش کبـــر باشـــد امیـــدی نیســـت کـــه بخشـــیده شـــود چـــون اصـــل گنـــاه شـــیطان کبربـــود وبخشـــیده نشـــد واصل گناه ادم شهوت بودکه بخشیده شد.

کســـیکه گنـــاه کنـــد برترازخداســـت پـــس خداونـــد رانشـــناخته اســـت وکســـیکه تصـــوّرکند دشمنی سخترازنفس وجوددارد پس نفسش را نشناخته است

چـــون شـــهوت پادشـــاه را بـــرده میکنـــد ماننـــد زلیخـــا وصـــبر برشـــهوت بـــرده راپادشـــاه میکند مانندیوسف (ع).

وقتـــی شـــب فـــرا مـــی رســـد زمـــین همـــه رامـــی خوابانـــد تاباماـــاه مناجـــات کنـــد ومـــؤمن زمین رامی خواباند تابالله مناجات کند .

---

[1] عقل،علم و عمل ج/ ۲ صحفه ۳۸۱.تألیف بابک محمودی
[2] صحیح بخاری/ ج ۲

(حکمتهای سه گانه)

کسیکه دنیاراترک کندخداوند دوستش دارد وکسیکه انچه ک دردست مردم است ان را ترک کند مردم دوستش دارند.

بهترین نعمتها اسلام است.کافی ترین شغل ها عبادتست وبزرگترین اندرزهامرگ است.

(منجیّات ومهلکات سه گانه)

منجیات سه گانه ۱- خوف ازخدا درخَفی و جَلی ۲ - اقتصاددر فَقروغَنا ۳- وعدالت درخشم رِضا .

ومهلکات سه گانه ۱- حسادت وبخل شدید ۲- هوا وهوس مداوم ۳- وتکبّروخودپسندی

سه چیز باعث ارتقاء درجه است:اولی ظاهرسلام کردن دومی ب دیگران اطعام کردم وسوّمی نمازشب خواندن درحالی ک مردم درخوابند.

وسه چیز کفّاره گناهان است: اولی وضو درشبهای سرد ک بیشترمردم ازان میترسند دوّمی رفتن ب نمازجماعت درهراذان ک مردم دران سستی میورزند و سوّمی انتظاربرای نماز بعدازهرنماز ک اکثرمردم طاقت صبرندارند.[۱]

سه چیز سبب گشایش شخص ازغم و اندوهش است : اوّلی ذکر خداوند تعالی . دوّمی ملاقات با اولیاء الله .وسوّمی گوش دادن به پندعلما.

ابوسلیمان دارانی درمناجات خود باپروردگارخود اینچنین میگفت؛

خدایا اگرتومرا باگناهانم بخوانی من تورا بارحم ومهربانیت میخوانم واگرتومراباحسادت وبخالتم صداکنی من تورا باکرامت وسخاوتت میخوانم واگرتومرا ب آتش بیندازی برایم فرقی نمیکندولی مطمئن باش چنان درآتش دوزخ

[۱] صحیح مسلم/ج۲.

میگـــویم الله اکبـــر وای خـــدایاتورا دوســـت دارم ک تمـــام آتـــش دوزخ خودبـــه خـــود خـــاموش شود.[1]

خوشا به حال کسیکه دنیاراترک کند قبل از انکه دنیا اورا ترک کند وقبرش راامادہ کند قبل ازانکه وارد ان شود و خدایش راراضی مگه دارد قبل از انکه اورا ملاقات نماید.

حضرت علی فرمود:

سنّت خدارا رعایت نکندچیزی دردست ندارد. پرسیده شد ؛ سنّت خدا چیست؟ فرمود: پنهان داشتن اسرار.کسیکه سنّت پیامبراکرم رانگه ندارد چیزی دردست ندارد! پرسیده شد : سنّت پیامبر چیست؟ فرمود: مُدارا کردن بامردم وباز فرمود : کسیکه سنّت اولیاءالله رانگه ندارد چیزی دردست ندارد.پرسیده شد؛ سنّت اولیاء اولیاءالله چیست؟ فرمود: تحمّل اذیّت مردم. وفرمود: کسیکه اخرتش را اصلاح کند خداوند دنیایش رااصلاح میکندوکسیکه باطن خودرا اصلاح نماید خداوند ظاهرش رااصلاح می‌نماید وکسیکه رابطه اش را باخداوند اصلاح نمایدخداوند رابطه اش رابامردم اصلاح مینماید.

حضرت علی رضّی الله عنه میفرماید:

نزدخداازبزرگترین مردم باش و نزدشیطان ازبدترین مردم باش و نزدمردم مردی ازمردم باش. وفرمود:به هرکس بخشش کنی امیراوگشته ای وازهرکس درخاست کنی اسیراوگشته ای وازهرکس بی نیازشوی نظیراوگشته ای.[2]

حضرت حاتم اصم فرمود:روزی نبود که شیطان ازمن نپرسد چه چیزمی خوری؟درجوابش گفتم :مرگ میخورم.چه می پوشی؟ گفتم کفن میپوشم.وکجازندگی می کنی؟ درجوابش میگفتم :درقبرزندگی می کنم.

رسول خدا ازاصحابش پرسید علامتهای ایمان چیست؟جواب دادند؛دربلاصبرکردن.درآسایش شکرکردن ودرقضاوقدر،راضی شدن.[3]

---

[1] کیمیای سعادت/ ج ۲
[2] کیمیای سعادت جلد/۲/ص۸۰۳
[3] توشه راه نجات ابن حجرعسقلانی

خداوندمتعال بی یکی ازپیامبرانش فرمود:کسی دوستم داشته باشدداخل بهشت مینمایم وکسیکه ازمن بترسد اورا از دوزخ حفظ مینمایم وکسیکه ازمن شرم وحیا نماید گناهانش را ازیاد کراماً کاتبین می‌برم.

حضرت عبدالله ابن مسعود رضّی الله عنه فرمود : واجبات راانجام بده تاعابدترین مردم باشی واز حرام دوری کن تازاهدترین مردم باشی و به رزقت راضی باش تاثروتمندترین مردم باشی .

حضرت علی رض فرمود :

۱ - لا خیر فی علمِ لّیس فیه تفهّم : درعلم که درآن فهم نباشد خیری نیست. ۲ - **لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَيْسَ فِيهِ تَدَبَّرٌ**: درقرائتی که دران تدبّر نباشد خیری نیست.۳ - **لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَقَّهَ**: در عبادتی که دران تفقّه نباشد هیچ خیری نیس.

به ابراهیم أدهم گفتند : زهدرا چگونه دیدی؟ فرمود : قبررا ترسناک دیدم درحالیکه همدمی ندارم . راه راطولانی دیدم درحالیکه توشه ای ندارم . خدا را جبّار دیدم درحالیکه دلیلی ندارم .[۱]

لقمان حکیم به پسرش گفت : ای پسرم وجود انسان سه قسم است :

۱ - قسمتی برای خدا که ان روح است ۲ - قسمتی برای تو که ان عمل است ۳ - وقسمتی برای کرم ها ک ان جَسد است .[۲]

وهب بن منبه گفت : درتورات امده؛ حریص فقیراست هرچند که تمام دنیا هم مال اوباشد وبرای حریص تمام دنیا تنها یک لقمه است ; ازفرمانبردار فرمان برده میشود هرچند که برده باشد وقانع غنی است هرچند ک گرسنه باشد .[۳]

حضرت ابوسلیمان دارانی می فرماید: کلید هر خیری در دنیا وآخرت خوف خداست، کلید دنیا پرستی سیری است. کلید آخرت گرسنگی است عبادت و حرفه، شغل است. دکّان عبادت جای خلوت است،

سرمایه آن پرهیزکاری است وثمره آن بهشت است.[٤]

---

[۱] عقل ، علم و عمل/ ج۲/۱۳۲ تألیف/ بابک محمودی
[۲] عقل .علم وعمل / ج۲/ ۱۳۴/ تألیف / بابک محمودی
[۳] تنبه الغافلین/ ج۲/ تألیف/ ابولیث سمرقندی.
[٤] اخلاق سلف صالح تألیف : عبدالوهاب شعرانی«رح»

وقتـی بـه مـردم مـی گـویی بـرای عبـادت خدابیاییـد درجـواب مـی گوینـدکارداریم! همـه مـردم کاردارندبـه جُـز سـه دسـته! یـک دسـته بچّـه انـد کـه در مهـد خوابیـده انـد دسـته دوّم مـریض هسـتند کـه در بیمارسـتان خوابیـده انـد سـوّم کسـانیکه مـرده انـد کـه در قبرستان خوابیده اند.

حضـرت علـی مـی فرمایـد :گریـه سـه نـوع اسـت : ۱- گریـه از خـوف خـدای بـزرگ ۲- گریـه از تـرس رنـج وعـذاب ۳- گریـه از تـرس جـدایی. گریـه اوّل -کفّـاره گناهـان اسـت. گریـه دوّم - پـاکی عیبهـا اسـت و گریـه سـوّم باعـث رضـایت محبـوب اسـت. و ثمـره کفّـاره گناهـان نجـات از کیفـر آخـرت اسـت ثمـره پـاکی و طهـارت ، درجـات عالی است وثمره دوستی، حسن بشارت از جانب خدای بزرگ است.

(حکمت‌های چهارگانه)

پیـامبر اکـرم صـلی الله علیـه و سـلم بـه ابـوذر غفّـاری فرمـود : کشـتی راتعمیـر کـن دریـا عمیـق اسـت، توشـه راآمـاده کـن سـفر بسـیار دراز اسـت، بـار را سـبک کـن کـه گردنه ها تیز و سخت و عمل را خالص کن که حسابرس بسیاردقیق است.

شـاعرعرب مـی فرمایـد : توبـه بـرای مـردم واجـب اسـت امّـا تـرک گنـاه واجـب تـر، تحمّـل گرفتـاری سـخت اسـت امّـا از دسـت دادن ثـواب سـختر، تحـوّلات زمـان شـگفت انگیزاسـت امّـا غفلـت مـردم شـگفت انگیزتـر و آرزوهـا نزدیـک اسـت ولـی مـرگ نزدیـک تر،

برخـی حکمـا گفتـه انـد: چهـارچیز خـوب اسـت امّـا از چهـارکس نیـک تـر اسـت ۱- شـرم و حیـا از مـردان نیـک اسـت ولـی اززنـان نیکـوتر اسـت ۲- اجـرای عـدالت نیکـو اسـت ولـی از اُمرانیکـوتر ۳- توبـه از پیرمـرد نیکوسـت ولـی از جـوان نیکـوتر اسـت ۴- سخاوت از ثروتمند نیکوست ولی از فقیر نیکوتر است

عبـدالله بـن مبـارک مـی فرمایـد : ۱- کسـیکه هـر روز دوازده رکعـت نمـاز سـنّت بخوانـد حـق نمـاز راادا کـرده اسـت، ۲- کسـیکه هرمـاه سـه روز روزه بگیـرد حـّق روزه

را ادا کـرده اسـت ۳- کسـیکه هـرروز صـد آیـه قـرآن بخوانـد حّـق قـرآن رااداکـرده ۴- وکسیکه هر جمعه صدقه بدهد حّق صدقه را ادا کرده است.

- چهـار دریـاوجود دارد : اوّلـی هـوا و هـوس کـه دریـای **گنـاه** اسـت. دوّمـی نفـس کـه دریـای **شـهوت** اسـت. سـوّمی مـرگ کـه دریـای **عُمـر** اسـت و چهـارمی قبـر اسـت کـه دریای **پشیمانی** است.

چهـار چیـز ظـاهرش فضـیلت ولـی بـاطنش واجـب اسـت. اوّلـی -همنشـین بـا صـالحان ظـاهرش فضـیلت اسـت امّـا پیـروی از آنهـا واجـب اسـت. دوّمـی -تـلاوت قـرآن فضـیلت امّـا عمـل بـه آن واجـب اسـت سـوّمی -زیـارت قبـر فضـیلت امّـا آمـادگی بـرای مـرگ واجـب اسـت و چهـارمی -عبـادت بیمـار فضـیلت امّـا عمـل بـه وصـیت شـرعی آن واجب است.

خداونـد بـه یکـی از انبیـاء بنـی اسـرائیل چنـین وحـی کـرد کـه :دوری از سـخنان بیهـوده نـزد مـن روزه اسـت، محفـوظ نمـودن اعضـاء ودوری از گنـاه نـزد مـن نمـاز اسـت، ناامیـدی از رحمـت مـردم نـزدمن صـدقه اسـت و کوتـاهی از آزار مسـلمین نـزد من جهاد است.[1]

چهـار گـوهر وجـود دارد کـه چهـار چیـز آنهـا را از بـین مـی بـرد :اوّل -گـوهر عقـل کـه خشـم آن را از بـین مـی بـرد دوّم -گـوهر دیـن کـه حسـد نـابودش مـی سـازد سـوّم - گـوهر حیـا کـه طمـع آن را از بـین مـی بـرد وچهـارم -گـوهر عمـل صـالح کـه غیبـت آن را نابود می کند.

از حکیمـی سـوّال شـد چگونـه هسـتی؟ !فرمـود : باخداونـد درحـال موافقـت و بـا شیطان در حال مخالفت و با مردم درحال نصیحت و با دنیا در حال ضرورت.

درکتـاب مقـدّس **زبـور** آمـده : هـرکس از مـردم دور باشـد دردنیـا و آخـرت نجـات می یابد.

[1] توشه راه نجات به کوشش ابن حجرعسقلانی

درکتاب مقدّس **تورات** آمده :قناعت به روزی خدا ثروت است.

درکتاب مقدّس **انجیل** آمده :هرکس شهوتش را نابود سازد در دنیا و آخرت با عزّت زندگی می کند.

در قرآن **مقدّس** آمده :هر کس زبانش را نگه دارد در دنیا و آخرت سالم می ماند.

عبدالله بن مبارک می فرماید :دانشمندی چهل هزار حدیث جمع آوری کرد سپس از چهل هزار تا چهارصد تاحدیث و از آنها هم چهار حدیث را برای مردم انتخاب نمود:

۱-درهیچ شرایطی به زنان نیرنگ باز اعتماد نکن. ۲-در هیچ شرایطی به مال و ثروت مغرور نباش ۳-هیچ موقع زیاد مخور و بی خود معده را سنگین مکن. ۴-علمی که برایت مفید نباشد آن را هرگز نیاموز.

درسوره آل عمران خداوند حضرت یحیی را سیّد نام برده است به این خاطر که او همیشه به چهار چیزش غالب بود :۱-هوا و هوس، ۲-برابلیس، ۳-بر خشم، ۴- و برزبانش.

دنیا برچهار چیز پایدار است :۱- ثروتمندانی که به آنچه دارند بُخل نورزند ۲- علمایی که به آنچه می دانند عمل نمایند ۳- نادانانی که به نادانی خود فخر نورزند ۴- وفقیرانی که آخرتشان را به دنیایشان نفروشند.

چهار غارتگر وجود دارد : ۱- ملک الموت غارتگر روح است ۲- ورثه غارتگر ثروت هستند ۳-کرم ها غارتگر جسد هستند ۴- و حسد و غیبت غارتگر اعمال صالح هستند.[1]

شخصی پیش ابراهیم ادهم (رح) آمد و گفت : مرانصیحتی بکن! فرمود : خودم ازتو به نصیحت کردن محتاج تر هستم. وقتیکه آن مرد اسرار کرد فرمود:

---

[1] عقل و علم و عمل/جلد۲ صفحه ۳۸۳تألیف بابک محمودی

چهارنصیحت برای تو می کنم ۱- روی زمینی راه برو که مُلک خداوند نباشد! گفت همه زمین که ملک خداست فرمود :پس چرا از او غافل هستی؟

۲- نعمتی بخور که خداوند آن را خلق نکرده است! گفت : مگر می شود همه چیز را خداوند خلق نموده است. فرمود: پس چراهنگام غذا خوردن تشکر ازغیر خدا می کنی و غذای خدا را می خوری و فرمان شیطان را می بری.

۳ - برو جایی گناه کن که خدا تو را نبیند! گفت :مگر می شود خدا نبیند چون همه جا حضورش وجود دارد. فرمود : پس چرا پیش مردمی که تو را حساب نخواهند کرد از گناه کردن خجالت می کشی ولی پیش او که حساب را نزد او خواهی برد از گناه کردن خجالت نمی کشی. «**اِنّهُ عَلیمٌ بِذاتِ الصُّدور**»همانا او داننده اسرا قلب هاست.

۴- اگر مرگ بیاید سعی کن فرار کنی. آنمرد گفت : چگونه می شود از چنگال مرگ فرار کرد در حالیکه خداوند متعال در قرآن فرموده است.

﴿ قُل لَّكم مِّيعَادُ يَومٍ لَّا تَستَأخِرُونَ عَنهُ سَاعَةً و لَاتَستَقدِمُونَ ﴾[1]

پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمود : روز قیامت همه اعمال را به ترازوی میزان می‌گذارند. نماز را به میزان روزه را به میزان. صدقه را به میزان ولی پرونده صاحبان بلا ومصیبت را باز نمی کنند چون پاداش آنها بدون حساب است. [2]

(حکمت‌های پنج گانه)

- هر پنج چیز را خوار کند پنج چیز را از دست می دهد.

اوّل - کسیکه همسایگان خود را مسخره نماید منفعت را از دست می دهد دوّم - هر کس علماء را مسخره نماید دین خود را از دست می دهد سّوم -هرکس

---

[1] سوره سباء/۳۰ یعنی: بگو وعده شما روز مشخصی است که نه ساعتی از آن پس می‌گیرد و نه ساعتی از آن پیشی می‌گیرد و عقل ،علم و عمل ج۳ ص۲۰۷ تألیف بابک محمودی

[2] صحیح ترمذیصحیح بخاری / ج ۳

خویشـــاوندان خـــود را مســـخره محبّـــت را از دســـت مـــی دهـــد. چهـــارم - کســـیکه خـــانواده خـــود را مســـخره کنـــد زنـــدگی را از دســـت مـــی دهـــد. پـــنجم وهـــر کـــس اُمـــرا را مســـخره کنـــد دنیایش را از دست می دهد.[1]

- پیـامبر اکـرم صـلی الله علیـه و سـلم فرمـود :زمـانی بـرامّتم فـرا مـیرسـد کـه پـنج چیـز را درسـت مـی دارنـد وپـنج چیـز را از دسـت مـی دهنـد ۱- دنیـا را دوسـت مـیدارنـد و آخـــرت را از دســـت مـــی دهنـــد ۲ -مـــال و ثـــروت را دوســـت مـــی دارنـــد و حســـاب و کتــاب را فرامــوش مــی کننــد ۳ - زن و بچــه را دوســت مــی دارنــد و حــور هــای بهشــتی را از یـاد مـی برنـد ۴ - خـود را بیشـتر از همـه دوسـت مـی دارنـد و خـدا را فرامـوش مـی کننــد ۵ - ســاختمانهای بلنــد را مــی ســازند و آنــرا دوســت مــی دارنــد و قبــر خــود را فراموش می کنند.[2]

پنج تاریکی وجود دارد و دنبال آن نیز پنج روشنایی وجود دارد :

۱ - محبّــت بــه دنیــا تــاریکی اســت و تقــوا چــراغ آن اســت ۲ - گنــاه ظلمــت اســت وتوبــه، چــراغ آن اســت ۳ - قبــر تاریــک اســت و ذکــر لا الــه الا الله چــراغ آن اســت ۴ - پُــل صــراط تاریــک اســت و یقــین چــراغ آن اســت ۵ - آخــرت تاریــک اســت و عمــل صــالح چراغ آن است.[3]

قــدرپنج چیــز را قبــل از پــنج چیــز بدانیــد اوّل - قــدر جــوانی را قبــل از پیــری دوّم - قــدر ســلامتی را قبــل از بیمــاری ســوّم - قــدر ثــروت قبــل از فقیــری چهــارم - قــدرفراغت قبــل از مشــغولیت و پــنجم - قــدر زنــدگانی قبــل از مــرگ.[4] وهــر کــس مــی خواهــد قدرقــدرت خــود را بدانــد بایــد انــدک مــدتی پــیش فقیــران زنــدگی کنــد، هــرکس مــی خواهــد قــدر جــوانی خــود را بدانــد بایــد بــا پیرمــردان هــم صــحبت شــود، هــر کــس مــی خواهــد قــدر ســلامتی خــود را بدانــد بایــد بــه ســری بزنــد هــر کــس مــی خواهــد قــدر زنــدگی خــود را بدانــد

[1] عقل و علم و عمل ج۲ ص ۲۰۷ تألیفبابک محمودی
[2] عقل علم و عمل/ ج ۲ ص ۲۵۱ تآلیف بابک محمودی
[3] توشه راه نجات ابن حجر عسقلانی
[4] صحیح بخاری ج/۳

باید به قبرستانها سری بزند و هر کس می خواهد از وقتش درست استفاده کند باید پیش کارگرها برود.

حضرت یحیی بن معاذ جبل رضی الله عنه می فرماید : کسیکه سیر باشد بسیار پر گوشت است و کسیکه پر گوشت باشد شهواتش زیاد است و کسیکه آرزوهایش زیاد باشد گناهانش فراوان است و کسیکه زیاد گناه کند قلبش قسی است و کسیکه قلبش بمیرد دنبال جواهر وزینت دنیا می رود.

عبدالله انطاکی فرمود : پنج چیز داروی قلب است : ۱ -همنشینی باعُلما و صُلحا ۲- تلاوت قرآن ۳- کم خوری ۴- شب زنده داری ۵- ودعا وتضّرع در هنگام سحر خیزی.

پیامبراکرم صلی الله علیه و سلم فرمود : پنج چیز از پنج چیز محافظت می نماید :۱- نجوا کردن از اسرار ۲- صدقه دادن از ثروت ۳- نیت کردن از عمل پاک ۴- مشورت کردن از رای وعقیده ۵- و صداقت از سخن گفتن.

حضرت حاتم اصم فرمود : عجله از شیطان است جُز در پنج مورد : ۱- غذا دادن به مهمان ۲- تجهیز جنازه ۳- به ازدواج درآوردن دختر ۴- ادای دین قبل از موعد مقرر ۵- توبه از گناه قبل از غلبه آن.

حضرت شفیق بلخی فرمود :پنج چیز را همیشه جستجو می کردیم که آنها را در پنج چیز یافتیم :۱- نور قبر می یافتیم که آن را در نماز شب یافتیم ۲- سایه عرش را می یافتیم که آن را در صدقه دادن یافتیم ۳- عبور از پل صراط را می یافتیم که آن را در تلاوت قرآن یافتیم ۴- به

رفتن را می خواستیم که آن را در روزه گرفتن یافتیم ۵-رهایی از عذاب دوزخ را می یافتیم که آن را در ذکر و نماز خواندن یافتیم.

قال رسول الله صلی الله علیه و سلم ۱- **مَن تَرَکَ صَّلاه الصُبح فَلیسَ فی وَجهه نورا ۲- مَن تَرَکَ صَّلاه الظُّهر فَلیسَ فی طَعامه بَرکَهً ۳- مَن تَرَکَ صَّلاه العَصر**

فَلیسَ فی جِسمِه طاقه ٤-مَن تَرَکَ صَّلاه المَغرِب فَلیسَ فِی أُولادهِ ثَمَرَه ٥- مَن تَرَکَ صَّلاه العِشاء فَلیسَ فِی نَومِه راحَه. [1]

حضرت علی رضی الله عنه می فرماید :پنج نصیحت را از من یاد بگیرید :۱- مراقب افکارتان باشید که تبدیل به گفتار می شود. ۲- مراقب گفتارمان باشیم که تبدیل به رفتارتان می شود. ۳- مراقب رفتارتان باشید که تبدیل به عادت می شود. ۴- مراقب عادتان باشید که تبدیل به شخصّیت می شود. ۵- مراقب شخصّیتتان باشید که تبدیل به سرنوشت می‌شود.

(حکمت‌های شش گانه)

۱-حاکمی که عدالت ندارد مانند ابری است که باران ندارد ۲- فقیری که صبر ندارد مانند چراغی است که نورندارد ۳- عالمی که عمل ندارد مانند زنبوری است که عسل ندارد ۴ - ثروتمندی که سخاوت ندارد مانند زمین پهناوری است که گیاه ندارد ۵- جوانی که توبه ندارد مانند جویی است که آب ندارد ۶- زنی که حیا ندارد مانند غذایی است که نمک ندارد.

رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود : شش چیز در شش محل غریبند :۱- مسجد در جایی که در آن نماز نمی خوانند ۲- قرآن در خانه ای که آن را تلاوت نمی کنند ۳- قرآنی که در حافظه شخص فاسق است ۴- زن صالحی که در خانه مرد ستمکار قرار دارد ۵- مرد صالحی که در دست زن بداخلاق قرار دارد ٦- عالمی که در میان مردمان جاهل قرار دارد.از عالمی پرسیدند: چرا گریه می کنی.؟ فرمود : به خاطر آنکه کسی نیست از من سوال نماید.

پیامبراکرم صلی الله علیه و سلم فرمود : شیطان در جلوی انسان ایستاده و او را به خود دعوت می دهد اگر دعوت اورا بپذیرد دینش را از دست می دهد، نفس در طرف راست ایستاده و او را به معصیت دعوت می دهد اگر دعوت او را بپذیرد

---

[1] صحیح ترمذی / یعنی: هرکس نماز صبح را ترک کند نور چهره اش از بین می‌رود. هرکس نماز ظهر را ترک کند برکت طعامش از بین می‌رود . هرکس نماز عصر را ترک کند نیروی جسمانیش از بین می‌رود. هرکس نماز مغرب را ترک کند ثمره اولاش از بین می‌رود و هرکس نماز عشاراترک کند احساس راحتی در خوابیدنش را از دست می‌دهد

روح خـود را از دسـت مـی دهـد، مـال وآرزوهـا در طـرف چـپ انسـان ایسـتاده انـد و او را دعـوت مـی دهنـد اگـر دعـوت او را بپـذیرد عقـل خـود را از دسـت مـی دهـد، دنیـا در پشـت سـر انسـان ایسـتاده و او را دعـوت مـی دهـد اگـر دعـوت او را بپـذیرد آخـرت خـود را از دسـت مـی دهـد. جـوارح انسـان در اطـرافش ایسـتاده و او را بـه گنـاه دعـوت مـی دهنـد. اگـر دعـوت آنهـا را بپـذیرد بهشـت را از دسـت مـی دهـد، قـدرت خـدا بـالای سـر انسـان اسـت و او را بـه خـود دعـوت مـی دهـد اگـر دعـوت اورا بپـذیرد جهـنّم و گناهـان را از دست می دهد.

خداونـد شـش چیـز را در شـش چیـز مخفـی کـرده اسـت ۱- وظـایفش را در عبـادتش ۲- خشـمش را در معاصـی ۳-اسـم اعظمـش را در قـرآن ۴- لیلـة قـدر را در رمضـان ۵- صـلاة الوسـطی را در میـان نمازهـا ۶- وروز قیامـت را در میـان روزهـا. ۷- انسـان مـومن از شـش چیـز مـی ترسـد: ۱- تـرس از خـدا بـه خـاطر گـرفتن ایمـانش ۲- تـرس از فرشـتگان بـه خـاطر نوشـتن گناهـانش ۳- تـرس از شـیطان بـه خـاطر فریـب دادنـش ۴- تـرس از قیامـت بـه خـاطر رسـواییش ۵- تـرس از ملـک المـوت بـه خـاطر مـرگ ناگهـانیش ٦- تـرس ازدنیـا وزن و بچـه اش بـه خـاطر فـریبش و بـازداری از ذکـر خداوند متعال .

حضـرت علـی رضـی الله عنـه مـی فرماید:شـش چیـز را بشناسـید و بـه آنهـا عمـل نماییـد: ۱- خـدارا بشناسـید و بـا او موافقـت نماییـد ۲- شـیطان را بشناسـید و بـا او مخالفـت نماییـد ۳- حّـق را بشناسـید و از آن پیـروی نماییـد ۴- باطـل را بشناسـید و از آن دوری نماییـد ۵- دنیـا را بشناسـید و آن را پشـت سـر خـود بیندازیـد ۶- و آخـرت را بشناسید و دنبال آن بشتابید.

حضـرت حسـن بصـری مـی فرمایـد: ۱-اگـر اوتـاد نبـود دنیـا و آنچـه در آن بـود نـابود مـی گشـت ۲- اگـر صـالحان نبـود غیرصـالحان نـابود مـی گشـتند ۳- اگـر عُلمـا نبودنـد مـردم حیـوان مـی ماندنـد٤- اگـر حکومـت نبـودمردم همـدیگر را مـی خوردنـد ۵- اگـر حُکمـا نبـود دنیـا خـراب مـی شـد ٦- و اگـر بـاد نبـود همـه چیـز مـتعفّن مـی گشـت. و فرمـود: فسـاد دلهـا شـش چیـز اسـت: ۱- بـه خـدا امیـدوار بـودن و توبـه نکـردن ۲- علـم

داشتن و عمل نکردن ۳- کار خیر کردن و اخلاص نداشتن ٤- روزی خدا خوردن و از او تشکّر نکردن ٥- رزق خدا به دست آوردن و به آن قانع نشدن ٦- مرده ها را دفن کردن وعبرت نگرفتن

حضرت احنف بن قیس می فرماید: ۱- حسود راحتی ندارد ۲- دروغگو حافظه و مردانگی ندارد ۳- بخیلان راه نجات ندارند ٤- پادشاهان وفا ندارند ٥- بد اخلاق آسودگی ندارد ٦- و قضا و قدر برگشت ندارد. به احنف بن قیس گفتند:بهترین چیز برای انسان چیست؟ فرمود: عقل! گفتند: اگر نبود؟ فرمود:ادب!گفتند: اگر نبود؟ فرمود: دوست موافق! گفتند: اگر نبود؟ فرمود: قلب پرهیزکار! گفتند: اگر نبود؟ فرمود: سکوت طولانی! گفتند: اگر نبود؟ فرمود: مرگ فوری!

- یک فیلسوف اروپایی می گوید: تنها چیزی که برای همه ی انسان ها مسلّم است و حتماً می آید مرگ است و باز می گوید پایانی که با تلخی تمام شود بهتر از تلخی بی پایان است.

(حکمت های هفت گانه)

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که آن حضرت فرمود: هفت کس در روز قیامت زیر سایه عرش خداوند متعال هستند: ۱- امام عادل ۲- جوان عابد ۳- خائف گریه کننده ٤- مردی که قلبش با مسجد پیوند خورده است ٥- کسی که صدقه پنهانی داده است ٦- مردی که زنی زیبا او را به زنا دعوت دهد و او بگوید من از خداوند متعال می ترسم ۷- دو نفری که همدیگر را به خاطر خداوند دوست داشته باشند حتی اگر یکی در مغرب و دیگری در مشرق باشد[1]

حضرت عمر(رضی الله عنه) می فرماید: ۱- کسی که زیاد بخندد بی هیبت می شود ۲- کسی که مردم را خوار کند خودش نیز خوار می شود ۳- کسی که عملی را زیاد انجام دهد با آن مشهور می شود ٤- کسی که زیاد حرف بزند شخصیّتش پایین می

۱.صحیح ترمذی رواه ابوهریره(رضی الله عنه)

آیـد ٥- کسـی کـه بـی شخصـیّت شـود بـی حیـا مـی شـود ٦- کسـی کـه ورع را از دسـت دهد قلبش می میرد ٧- کسی که زیاد سکوت کند با هیبت می شود.

١- دنیـا خانـه کسـی اسـت کـه خانـه نـدارد٢- ثـروت کسـی اسـت کـه ثـروت نـدارد٣- آرزوهـای شـیطانی، ذهـن کسـی اسـت کـه عقـل نـدارد٤- شـهوات،لذت کسـی هسـت کـه فهـم نـدارد٥- تـاریکی دردنیـا بـرای کسـانی اسـت کـه علـم نـدارد ٦- حسـد در دنیـا بـرای کسـانی است که خرد ندارند ٧- و تلاش در دنیا برای کسانی است که یقین ندارند.

از حضـرت جـابر (رضـی الله عنـه) روایـت اسـت کـه رسـول خـدا صـلّ الله علیـه وسـلّم فرمـود: ١- جبرئیـل بـه قـدری در مـورد همسـایگان مـرا سـفارش مـی کـرد کـه گمـان مـی کـردم آن هـا نیـز ارث مـی برنـد ٢- بـه قـدری در مـورد زنـان مـرا سـفارش مـی کـرد کـه گمـان مـی کـردم نبایـد آن هـا را طـلاق داد ٣- بـه قـدری در مـورد بـرده هـا سـفارش مـی کـرد کـه گمـان مـی کـردم بایـد همـه آن هـا را آزاد کـرد ٤- بـه قـدری در مـورد مسـواک زدن سـفارش مـی کـرد کـه گمـان مـی کـردم بایـد واجـب شـود ٥- بـه قـدری در مـورد نمـاز هـای جماعـت سـفارش مـی کـرد کـه گمـان مـی کـردم نمـاز هـای بـدون جماعـت قبـول نیسـتند ٦- بـه قـدری در مـورد نمـاز شـب توصـیه مـی کـرد کـه گمـان مـی کـردم کـه شـب هـا نبایـد بخـوابیم ٧- بـه قـدری در مـورد ذکـر کـردن سـفارش مـی کـرد کـه گمـان مـی کـردم نبایـد صـحبت نمـاییم و فرمـود: خداونـد در روز قیامـت بـه هفـت گـروه بـا نظـر رحمـت نگـاه نمـی کنـد: ١- همجـنس بـازان فاعـل و مفعـول ٢- بـه کسـی کـه اسـتمناء مـی کنـد ٣- بـه جمـاع کننـدگان بـا حیـوان ٤- بـه کسـی کـه بـا زنـش از راه عقـب نزدیکـی کنـد ٥- بـه زنـا کننـده بـا دختـر همسـایه اش ٦- بـه آزار دهنـده همسـایه ٧- و بـا کسـی کـه همزمـان بـا زن و دختری ازدواج کند

(هفت فتنه و هفت نعمت)

رسـول خـدا(ص) فرمـود: قـدر هفـت نعمـت را قبـل از هفـت فتنـه بدانیـد: ١- قـدر وقـت قبـل از مشغولیت

٢- ثـروت قبـل از فقـر ٣- سـلامتی قبـل از بیمـاری ٤- جـوانی قبـل از پیـری ٥- زنـدگی قبل از مرگ ٦- دجّال قبل از خروجش ٧- قیامت قبل از آمدنش[1]

(حکمت های هشت گانه)

هشـت چیـز از هشـت چیـز سـیر نمـی شـود: ١- چشـم از نظـر بـازی ٢- زن فاحشـه از مـرد ٣- زمـین خشـک از بـاران ٤- عـالم از تحصـیل علـم ٥- سـائل از سـوال ٦- حریص از جمع آوری مال ٧- دریا از آب ٨- آتش از هیزم.

١- کسـی کـه پُـر حرفـی را تـرک کنـد بـه او حکمـت داده مـی شـود ٢- کسـی کـه نظـر بـازی را تـرک کنـد بـه او قلـب بـا خضـوع داده مـی شـود ٣- کسـی کـه پُرخـوری را تـرک کنـد بـه لـذت عبـادت دسـت پیـدا مـی کنـد ٤- کسـی کـه خندیـدن را تـرک نمایـد بـه او هیبـت داده مـی شـود ٥- کسـی کـه شـوخی را تـرک نمایـد بـه او قـدر و قیمـت داده مـی شـود ٦- کسـی کـه محبـت دنیـا را تـرک نمایـد بـه او محبـت آخـرت داده مـی شـود ٧- کسـی کـه عیـب هـای دیگـران را نگویـد توفیـق اصـلاح عیـب هـایش را بـه او مـی دهنـد ٨- کسـی کـه از جسـتجوی کیفیـت ذات خداونـد متعـال دوری نمایـد از نفـاق و کینـه دور مـی مانـد عرفـا هشـت علامـت دارنـد: ١- قلبشـان همیشـه در حـال خـوف و حـال اسـت ٢- زبانشـان همیشـه در حـال ذکـر و ثنـا اسـت ٣- چشمانشـان همیشـه در حـال حیـا و گریـان اسـت ٤- دستانشـان همیشـه در حـال تـرک دنیـا و جلـب رضـایت خداسـت ٥- فکرشـان همیشـه در حـال تفکـر و تعقّـل اسـت ٦- شکمشـان همیشـه خـالی از حـرام اسـت ٧- اطرافشـان خـالی از حسودان است ٨- ونظرشان خالی از حسادت است.

و ابـن عبـاس (رضـی الله عنـه) مـی فرمایـد: هشـت چیـز بـدون هشـت چیـز برکـت نـدارد: ١- نمـاز بـدون خشـوع ٢- روزه بـدون ذکـر ٣- خوانـدن قـرآن بـدون تامّـل ٤- علـم بـدون تقـوا ٥- ثـروت بـدون سـخا ٦- نعمـت بـدون بقـا ٧- دوسـت بـدون حیـا ٨- و عبـادت بدون اخلاص.

---

[1] صحیح ترمذی/ج ١

(حکمت های نه گانه)

رسول خدا (صلّ الله علیه وسلّم) فرمود: وحی شد اساس تمام بدی ها سه چیز است :۱- کبر و غرور۲- بخل و حسد۳- حرص و طمع.بدین وسیله از این سه چیز شش چیز به وجود می آید که در مجموع نُه چیز می شود: ۱- سیری و پر خوری ۲- راحتی ۳- حُبّ دنیا ٤- حُبّ تعریف ٥- حُبّ ریاست و مقام ٦- حُبّ شهوت ۷- خیانت ۸- دوری از دیانت ۹- و فراموشی قیامت[1]

فرزندان شیطان نه تا هستند

۱- زلیتون – رئیس بازار ها که مردم را وادار به خوردن قسم های دروغ می نماید ۲- وثین – رئیس بلا و مصیبت ها که مردم را دعوت به هلاکت و مصیبت می نماید ۳- اعوان – که رئیس پادشاهان و حکّام است که باعث می شود به مردم ظلم نمایند ٤- هفاف – رئیس مشروب خواران است که جوانان را تشویق به نوشیدن شراب و مستی می نماید ٥- مرّه – رئیس ترانه سراها و آوازخوانان که آن ها را مجبور به پایکوبی و بازی می نماید ٦- لُقُوس – رئیس آتش پرستان است و می توان گفت مردم را در چهارشنبه سوری ها دعوت به روشن کردن آتش و ترقه بازی می نماید ۷- مسوّط – رئیس اخبار و شایعات که در زبان مردم می افتد و یک کلاغ را چهل کلاغ می کند و کاه را کوه می نماید ۸- داسم – رئیس خانه ها که بالای درها می ایستند و سلام دادن به اهل خانه را از یاد آن کس که داخل خانه می شود می برند ۹- لَهان – رئیس وضو و نماز که ذکر و ثنای خداوند متعال را از ذهن وضو گیرنده و حواس را از ذهن نماز خوانان می برد[2].

کسی که فرائض را انجام دهد خداوند متعال در نه مورد اکرامش می نماید: ۱- بدنش سالم نگه می دارد ۲- همیشه دوستش می دارد ۳- فرشتگان را محافظ او می

---

[1] .صحیح ترمذی
[2] .ابن حبّان به روایت عمربن خطاب(رضی الله عنه)

گرداند ٤- به خانه اش برکت وارد می شود ٥- مثل برق از پل صراط عبور می کند ٦- از آتش دوزخ نجات می یابد

٧- قلبش مهربان می شود ٨- سیمای صالحان به او داده می شود ٩- و قرار دادن او در جوار اولیاء الله که نه می ترسند و نه ناراحت هستند.

(حکمت های ده گانه)

پیامبر اکرم صلّ الله علیه و سلّم فرمود: مسواک بر شما لازم است زیرا ده خصلت دارد: اوّل: دهان را خوش بو می کند دوم: خدا را راضی می کند سوم:شیاطین را خشمگین می کند چهارم: ملائکه او را دوست می دارند پنجم : لثه ها را محکم می کند ششم: باعث از بین رفتن خلط سینه می شود هفتم:نفس را عطراگین می کند هشتم: تلخی دهان را از بین می برد نهم:چشم را روشن می نماید و دهم: ثواب نماز را تا هفتاد برابر بیشتر می کند.[۱]

(مسواک کردن هفتاد فایده دارد که بزرگترین فایده آن آوردن کلمه شهادت بر زبان هنگام سکرات مرگ است. برعکس تریاک که هفتاد ضرر دارد که بزرگترین ضرر آن این است که هنگام سکرات مرگ کلمه شهادت را از یاد انسان می برد)[۲]

از حضرت انس بن مالک روایت است که آن حضرت صلّ الله علیه وسلّم فرمود: زمین هر روز یازده بار فریاد می زند : ١- ای کسی که بر پشت من کوشش می کنی ولی نمی دانی سرانجامت درون من است ٢- بر پشت من گناه می کنی ولی نمی دانی که در درون من عذاب می بینی . ٣- بر پشت من می خندی ولی نمی دانی که در درون من گریه می کنی ٤- بر پشت من لذت و تفریح می کنی در حالی که نمی دانی در درون من غمگین و بی بازی می شوی ٥- بر پشت من جمع آوری می کنی در حالی که نمی دانی در درون من پشیمان می شوی ٦- بر پشت من حرام می خوری در حالی که نمی دانی در درون من کرم ها تو را می خورند ٧- بر پشت

[۱] .توشه راه نجات (ابن حجر عسقلانی)
[۲] .دکتر شفا بخش/بخش دندان /تالیف بابک محمودی

من با تکبر و غرور راه می روی درحالی که نمی دانی در درون من ذلیل و خوار می شوی ۸- بر پشت من شادمانی درحالی که نمی دانی در درون من ناراحتی ۹- پشت من در روشنایی و نور هستی ولی نمی دانی که در درون من در تاریکی و ظلمت قرار میگیری ۱۰- بر پشت من با جمع راه می روی در حالی که نمی دانی دردرون من تنها می شوی ۱۱- بر پشت من در فراخی راه می روی در حالی که نمی دانی در درون من سینه و پشتت به هم می چسبد.**«صحیح ترمذی»به روایت انس بن مالک.**

و باز فرمود :هر کس زیاد و با قهقهه بخندد به ده عقوبت دچار می شود : ۱- قلبش می میرد ۲- آبرویش پایمال میشود ۳- شیطان خوشحال می شود ٤- خداوند از او خشمگین است ٥- مورد ستیز مردم قرار می گیرد ٦- پیامبر از او روی بر می گرداند ۷- ملائکه نفرینش می کنند ۸- اهل آسمان از او متنفر می شوند ۹- همه چیز را فراموش می کند ۱۰- و روز قیامت میان همه مفتضح و ضایع می گردد.

حضرت ابن عباس رضی الله عنه از رسول گرامی اسلام روایت می کند که فرمود : ده نفر لعنت شده هستند:

۱- قلاع – سوال شد او چه کسی است ؟ فرمود: کسی که دروغگو و فتنه گری را رواج دهد.

۲- جیوف - سوال شد او چه کسی است ؟ فرمود: کسی که نبش قبر نماید.

۳- القتات - سوال شد او چه کسی است ؟ فرمود:کسی که سخن چینی نماید

٤- دبوب- سوال شد او چه کسی است ؟فرمود زنانی که برای زنا در خانه ای نگه داری می شوند.

٥- دیّوث- سوال شد او چه کسی است ؟ فرمود: کسی که برای ناموس خود غیرت نداشته باشد.

٦- صاحبان عربطه- سوال شد آنها کیستند؟ فرمود: کسانی که طبل می زنند .

۷- کوبه- سوال شد آن ها چه کسانی هستند ؟ فرمود: کسانی که تنبور می زنند.

۸- عُتـُل- سوال شد آن ها کسیتند ؟ فرمود: کسانی که از مردم عذر خواهی و پوزش نمی پذیرند.

۹- زنیم- سوال شد او چه کسی است ؟ فرمود : کسی که از راه زنا متولد شده باشد و غیبت نماید.

۱۰- عاق - سوال شد او چه کسی است ؟ فرمود: کسی که مورد عاق و لعنت والدینش قرار بگیرد[۱]

و فرمود: خدا از ده نفر نماز قبول نمی کند: ۱- کسی که زکات ندهد ۲- کسی که با ریاکاری نماز بخواند ۳- امام جماعتی که مردم از او ناراضی باشند ٤- مردی که در تملّک دیگری باشد و فرار نماید ٥- زنی که شوهرش را ناراحت نماید ٦- زنی که چادر و حجاب نداشته باشد ۷- ربا خوار ۸- رهبر ظالم ۹- مردی که نمازش او را از فحشا دور ننماید ۱۰- و کسی که همیشه در وسایلش غِش نماید .

ابن عباس می فرماید: روزی ابلیس پیش رسول خدا آمد و رسول خدا از او پرسید ای ابلیس دوستانت در امت من چند نفر هستند؟ ابلیس گفت: ده نفر هستند: ۱- رهبر و پادشاه ظالم ۲- انسان مغرور ۳- ثروتمند بی توجه ٤- عالم زیر فرمان ستمکاران ٥- مُحتکر(کسی که ما یحتاج مردم را انبار و موقع گرانی به قیمت گزاف می فروشد) ٦- زناکار ۷- ربا خوار ۹- شراب خوار ۱۰- غیبت کننده[۲]

فرمود: پس دشمنانت چند نفر هستند؟ گفت:بیست نفر هستند. ۱- عالم عمل کننده ۲- عابد جوان ۳- حافظ قرآن ٤- ادا کننده فرائض ٥- محبّان یتیمان واسیران ٦- قلب مهربانان ۷- متواضعان ۸- آکلان مال حلال ۹- دو جوانی که همدیگر را به خاطر خدا دوست می دارند ۱۰- کسانی که بر نمازهای جماعت حریص هستند ۱۱- کسانی که نماز می خوانند در حالی که مردم در خوابند ۱۲- کسانی که از حرام

---

[۱] .الموطا .(امام مالک رحمه الله).
[۲] عقل،علم و عمل/ج۲/ص ۳۱٤/تالیف بابک محمودی

دوری می کنند ۱۳- کسی که برای دیگران دعا نماید ۱٤- کسی که دائم الوضو باشد ۱۵- کسی که سخاوت داشته باشد ۱٦- کسی که خوش اخلاق باشد ۱۷- کسی که به بیوه زنان کمک نماید ۱۸- کسی که برای مردن آمادگی داشته باشد ۱۹- کسی که امانت دار باشد۲۰- و کسانی که در گفتار صادق باشد[1]

۱- اگر خدا کفیل روزی هست غصه چرا؟ ۲- اگر رزق تقسیم شده است حرص چرا ؟ ۳- اگر قیامتی هست خیانت چرا؟ ٤- اگر جهنم حق است این همه ناحق چرا؟ ٥- اگر دنیا فریبنده است اعتماد به آن چرا؟ ٦- اگر بهشت حق است تظاهر به ایمان چرا؟ ۷- اگر حساب حق است جمع آوری مال حرام چرا؟ ۸- اگر قبر حق است ساختمان های مستحکم چرا؟ ۹- اگر شیطان دشمن انسان هاست پیروی از او چرا؟ ۱۰- اگر خداوند دوست همه است دوری از او چرا؟

لقمان حکیم به پسرش ۱۳ حکمت گوهر بار یاد می دهد که هرکس به آن ها عمل کند سعادت دنیا و آخرتش را به دست می آورد:

۱- ای پسرم عمرت را به دنیا مشغول مساز ۲- ای پسرم آن اندازه ای که در آخرت خواهی ماند برای آخرت جمع آوری کن ،جاییکه خدا نباشد گناه کن پس همه جا خدا است پس هیچ جا گناه نکن ۴- به عیوب دیگران قبل از عیب خود متوجه مشو.۵- تا زمانیکه از آتش دوزخ رها نشدی برای رهاییت توبه نما.۶- به اندازه ای که می توانی عذاب را تحمل گناه کن.۷- دو چیز را فراموش کن اولی خوبی تو به مردم و دومی بدی مردم به تو.۸- و دو چیز را فراموش نکن اولی خداوند و دومی مرگ.۹- هنگام داخل شدن به مجلسی زبانت را نگه دار.۱۰-هنگام وارد شدن به منزلی چشمت را نگه دار.۱۱-هنگام نشستن روی سفره شکمت را نگه دار.۱۲-هنگام نماز قلبت را نگه دار.۱۳- و ای پسرم بدانکه وجودت سه قسمت است روحت مخصوص خداست و اعمالت مخصوص خودت است و جسمت مخصوص کرم هاست پس مواظب باش که شکم خودت را هرگز بیهوده برای کرم ها سیر نکنی.

---

[1] .مستدرک حاکم

(اصلاح و غفلت)

هر کس از اصلاح خود ناتوان باشد از اصلاح دیگران ناتوان تر است.روزی کسی از شیخ سعید می پرسد نماز چیست جز اینکه وقت انسان را تلف می کند؟شیخ در قلب خود گفت:این گفته برای نفسم خوش آمد و آنرا تکرار کردم.

سرانجام شیخ گفت:چرا هر روز غذا می خوری.آب می نوشی و هوا تنفس می کنی برایت تکراری و ملال آور نیست،حتی باعث تجدید قوا و موجب لذت می شود پس نماز هم غذای روح و آب جسم است و لذت دارد.

(زینت)

-زینت زن برای شوهرش نشانه حیای اوست و زینت زن برای دیگران نشانه بی حیایی اوست و باحیاترین زنان،زنانی هستند که در پیش شوهرانشان بی حیاترین باشند.

زینت بیرون قبر نشانه بدعت و غفلت است و زینت درون قبر(منظور اعمال صالح)نشانه ایمان و پیروی از سنت است.[۱]

۱- زینت دنیا سه چیز است:۱-ثروت ۲-فرزند ۳-زن.

۲- زینت آخرت سه چیز است:۱-علم ۲- تقوا ۳- صدقه.

۳- زینت بدن سه چیز است:۱-کم خوری ۲-کم خوابی ۳- کم گویی.

۴- زینت دل سه چیز است:۱-سکوت ۲- صبر ۳- شکر.

---

[۱] عقل،علم و عمل/ج۲/ص۱۱۱/تالیف بابک محمودی

(رمزهای خوشبختی)

خوشبختی مانند مرواریدی است که در درون انسانها یافت می شود ولی متاسفانه آنها آنرا در بیرون خود جستجو می کنند:یکی نگران بود چرا کفش ندارد،دیگری نگران بود که چرا ماشین ندارد،دیگری نگران بود که چرا پا ندارد و اما دیگری از این نگران بود که چرا جان می دهد.

- صد هزار تومانی که با زحمت و زور بازو بدست آید بهتر از پانصد هزار تومانی است که بدون زحمت پیدا شود.

گرسنه خوابیدن بهتر از خواستن آن ناا هل است.پیاده روی با فکر آرام بهتر از راندن ماشین با نگرانی و فکر به قرض و وام و قسط ماشین است.

داشتن با بودن بسیار متفاوت است.خوشابه حال چوپانی که در دره همراه گوسفندان خوابیده و شیر آنها را دوشیده و از آن می خورد و بدا به حال ثروتمندی که در ساختمان چهارده طبقه نشسته ولی هر روز با همسرش دعوا می کند و دکتر به او گفته که گوشت نخور و میوه نباید مصرف کنی.

راهکارهای خوشبختی:

زمانیکه به تو بدی می کنند سعی کن آن را فراموش کنی،چیزی را که دوست می داری سعی کن آن را بدست بیاوری و الا ناچار خواهی بود که چیزهایی که در دست داری دوست بداری.با احمق همنشین مشو چون از او تاثیر می پذیری و از او دستور می گیری.

با آدم های باادب بنشین و به آنها دستور مده،اگر بد اخلاق باشی کسی با تو دوست نمی شود و زمانیکه به دنیا آمدی همه خوشحال بودند ولی تو گریه می کردی و در دنیا چنان زندگی کن که وقتی تو را در قبر می گذارند دیگران گریه کنند و تو بخندی.هر کس می خواهد بدبخت شود دارایی خود را با دیگران مقایسه نماید و هر کس می خواهد خوشبخت باشد اخلاق خود را با دیگران مقایسه نماید. یک نفر مرتب از خدا می خواست تا به او ثروت هنگفت بدهد،ویلای زیبا ببخشد و یک زن

زیبـــارو و یـــک بـــاغ پـــر میـــوه،ولی آن مـــرد هـــر روز و هـــر روز بعـــد از دعـــا ســـختی مـــی دیـــد و بـــه قـــدری فقیـــر شـــد کـــه همـــه چیـــز را از دســـت داد حتـــی ســـلامتی بـــدنش را،و بـــه حـــدی رســـید کـــه بـــدنش بـــه جســـد متحـــرک تبـــدیل شـــد.روزی خـــدا بـــه خـــوابش آمـــد،او گفت:خـــدایا مـــن از تـــو بســـیار نـــاراحتم!چرا بـــه جـــای بخشـــش از مـــن گرفتی؟خداونـــد فرمود:چیزهـــای زیبـــایی از مـــن مـــی خـــواهی و همـــه خوبنـــد ولـــی مـــن نمـــی خواســـتم بـــا لـــذت هـــای کوچـــک ونـــاچیز لـــذتهای بـــزرگ را از دســـت بـــدهی بـــه همـــین جهـــت هـــر روز تـــو را بیچـــاره و بـــدبخت و فقیـــر نمـــودم تـــا در آخرت،تـــو را بـــه خوشـــبختی برســـانم و همـــه چیـــز را کـــه مـــی خواســـتی از بهتـــرین هـــایش بـــه تـــو بـــدهم و ایـــن را بـــدان دنیـــا خانـــه کســـی است کـــه منزل ندارد ولی خواسته های تو ابدی خواهند بود.

حضـــــرت روح الله عیســـــی(علیه الســـــلام)فرمود:گنج هـــــا و طلاهایتـــــان را زیـــــرزمین مخفـــی نکنیـــد چـــون کرمهـــا آن را مـــی خورنـــد و زنـــگ مـــی زننـــد و خـــراب مـــی شـــوند و یـــا دزدان آنـــرا مـــی رباینـــد،گنج هـــای خـــود را در آســـمانها مخفـــی نماییـــد(در راه خـــدا خـــرج نماییـــد)چون آنجـــا کســـی بـــه طلاهایتـــان دســـت بـــرد نمـــی زنـــد و ایـــن را بدانیـــد هـــر جـــا کـــه انســـان ســـرمایه خـــود را مخفـــی نمایـــد دلـــش همانجـــا مـــی مانـــد،اگر در بـــالای درخـــت مخفـــی نماییـــد دلتـــان بـــالای درخـــت مـــی مانـــد،اگر در کوههـــا مخفـــی کنیـــد دلتـــان در کـــوه مـــی مانـــد ولـــی اگـــر گنجتـــان را پـــیش خـــدا مخفـــی نماییـــد دل و حواســـتان پـــیش خـــدا مـــی مانـــد و هـــیچ سعادتی بالاتر از این یافت نمی شود که دل انسان پیش خدا بماند.[۱]

- نـــه غصـــه غـــذا را بخوریـــد و نـــه غصـــه لبـــاس و فقـــط بـــه فکـــر زنـــدگیتان باشـــید چـــون ایـــن از هـــر دوی آنهـــا مهـــم تـــر اســـت.به پرنـــدگانی کـــه بـــالای ســـرتان پـــرواز مـــی کننـــد بنگریـــد کـــه نـــه کـــار مـــی کننـــد و نـــه درو مـــی کننـــد و نـــه طـــلا دارنـــد و نـــه انبـــار مـــی کننـــد و نـــه پـــس انـــداز مـــی نماینـــد،اما خـــدایمان نمـــی گـــذارد آنهـــا حتـــی یـــک لحظـــه هـــم گرســـنه بماننـــد و تشـــنه بخوابنـــد؛ حتـــی ســـلیمان بـــا آن همـــه عظمـــت و ثـــروت و فرمـــانروایش بـــاز پیـــراهن ساده می پوشید و جز کفن با خود چیز دیگری نبرد.

[۱] انجیل متی/فصل اول صفحه۲۴.

آیا می بینید چگونه گیاهان وحشی امروز می رویند و فردا در تنور نانوایی می سوزند.آیا نمی بینید خداوند چگونه به گل های سوسن لباس تازه و رنگارنگ می پوشاند در حالیکه سلیمان با هنه تخت وتاجش هیچ وقت لباس به آن زیبایی نتوانست بپوشد؛پس خدایی که اینقدر به فکر گلی است که امروز می روید و فردا از بین می رود چگونه به فکر انسانها نباشد که اینقدر مقامشان در پیشگاه او بزرگند و حتی خداوند به قدری به انسانها ارزش قائل است که به جای فرشتگان معصوم و پاکش انسانها را به عنوان جانشین خود بر روی زمین معرفی کرده است.ولی افسوس که برخی انسانها هستند که خود را از حیوان هم بدتر کرده اند؟![1]

اگر بتوانید خود را برای سه روز زندانی یا حبس کنید که نه نور دارد و نه صدا وارد آن می شود حتما به خوشبختی دست می یابید و تازه می فهمید که چقدر ثروتمند بودید.

انگار کور بودید و حالا بینا شدید،مثل اینکه کر بودید و حالا شنوا شدید و مثل اینکه مرده بودید و حالا زنده شدید و حالا می فهمید که چقدر در درون ثروتها جای گرفته بودید ولی هیچ کدام را نمی دانستید و مثل کسی بودید که در اتاقی پر از ثروت زندگی می کردید ولی چشمانتان آنها را نمی دید و یا مانند کوری بودید در میان طلاها.

همیشه در باطن هر اتفاق شری،خیری نهفته است،روزی حضرت عیسی(علیه السلام)با یارانش از جایی گذر می کرد که چشمشان به لانه سگی افتاد که مرده بود و بوی بد آن تمام اطراف را گرفته بود،آنها بینی خود را گرفتند و گفتند:ای معلم بزرگ!تو که گفتی در هر چیزی یک زیبایی نهفته است پس به ما بگو که زیبایی این لاشه کجاست؟

فرمود:دندانهایش را نگاه کنید که چقدر می درخشند،آیا نگاه ما به خودمان و زندگیمان بعد از این لاسه خوشحالی و خوشبختی نیست؟!

---

[1] انجیل متی فصل اول ص/۲۶.

باید به شما گوشزد نمایم که این افکار ماست که زندگی را خراب و تار می سازد!چگونه انتظار دارید که کودکی که هر روز در زندگی خود فحش،غیبت و تهمت می شنود، یاد بگیرد که چیزهای خوبی هم در زندگی و اطرافش وجود دارند!؟

انسانها تنها چیزی را می توانند به دیگران ببخشند که در درون آنها وجود دارد،چطور کسی که در درونش بدی هست می تواند به بیرون چیزهای خوبی تحویل دهد و چطور ممکن است از کسیکه در درون او مار وجود دارد برایت ماهی بدهد؟

(حقیقت دنیا از زبان پیامبرﷺ)

رسول خدا صلی الله علیه وسلم می فرماید:حقیقت دنیا سرسبز و شیرین است؛خداوند شما را در آن نماینده خود قرار داد تا ببیند که چگونه رفتار می نمایید!از زنان پرهیز نمایید چون اولین آزمایشی بود برای بنی اسرائیل که در آن شکست خوردند.

بیدار باشید که مردم گوناگون آفریده شده اند!برخی از آنها کافر به دنیا می آیند و کافر از دنیا می روند.برخی مومن به دنیا می آیند و مومن از دنیا می روند و برخی هم مومن به دنیا می آیند و مومنانه زندگی می کنند و در آخر کافر از دنیا می روند.[1]

خشم مانند آتش است در درون انسانها آیا نمی بینید که هنگام خشمگین شدن انسان چگونه صورتش قرمز می شود و چشمانش سرخ می گردد!هر گاه خشمگین شدید بنشینید و اگر توانستید وضو بگیرید چون خشم از شیطان است و شیطان از آتش و آتش جز با آب با چیز دیگری خاموش نمی شود.

---

[1] صحیح بخاری/ج۲/رواه عن ابی هریره رضی الله عنه.

بهترین شخص آن است دیر خشمگین شود و زود رضایت دهد و بدترین شخص آن است که زود خشمگین شود و دیر رضایت دهد هر کس از شما دیر خشمگین شود و دیر رضایت دهدبا هر کس که زود خشمگین شود و زود رضایت دهد عملش مانند دو کفه ترازو مساوی است.زشتی با زشتی و خوبی با خوبی برابر است.بهترین

تاجر،خوش اخلاق ترین تاجر است و بدترین تاجر بداخلاق ترین تاجر است.هرگز به کسی ظلم نکنید چون ظلم از ظلمات قیامت است و همیشه از حق دفاع نمایید چون عمری که از شما باقی مانده مانند عمریست که شما آنرا گذرانده اید.[1] وحکیمی گفت:دنیا سه روز است امروز که دوام ندارد و دیروز که گذشت و فردا که معلوم نیست بیاید!

حضرت علی (کرم الله وجه)می فرماید: دنیا و آخرت مانند مشرق و مغرب است هر چه به طرف مشرق بروی از مغرب دور می شوی و هر چه به طرف مغرب بروی از مشرق دور می شوی و تلخی دنیا شیرینی آخرت و شیرینی دنیا تلخی آخرت می باشد.[2]

(خواب)

خواب های خوب نعمتی است از جانب پروردگار متعال و خواب های آشفته و احلام هدیه ای است از جانب شیطان.

خوابها به سه نوع تقسیم می شوند:۱- محکمات ۲- متشابهات ۳- و احلام واضغاث.

حکما خوابها را به سه نوع تقسیم کرده اند:۱- خوابهای طبیعی ۲- خوابهای غیر طبیعی ۳- و خوابهای عینه.

عامل خوابهای غیر طبیعی سه نوع است:۱- فساد مزاج روح و اندام ها؛۲-زیاد شدن آمیزش خون و صفرا و بلغم و سودا؛۳-خوردن غذاهای پر چرب و غلیظ.

---

[1] صحیح بخاری/ج۲.
[2] نهج البلاغه/ص۱۳۲.

حضرت علی(کرم الله وجه)می فرماید:چهار گونه خوابیدن وجود دارد:

۱- کسانیکه بر پشت می خوابند پیامبرانند که منتظر وحی هستند.

۲- کسانیکه بر طرف راست می خوابند مومنانی هستند که برایشان الهام می شود.

۳- کسانیکه بر طرف چپ خود می خوابند فرزندان پادشاه هستند که می خواهند غذاهایی که خورده اند راحت تر هضم شود.

۴- و کسانیکه بر روی شکم خود می خوابند برادران شیطان هستند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید:**« النوم اخو الموت »**:یعنی خواب برادر مرگ است به عبارت دیگر خواب مرگ موقتی است.

خداوند متعال در سوره های فرقان/۴۷ و نبا/۹ و روم/۲۳ از خواب صحبت کرده است ویکی از منهیات پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نخوابیدن جلوی نور خورشید می باشد چون این کار باعث بیماری(کرامپ عضلانی) انقباض و درد عضلات می شود.

(شیطان)

شیطان یا همان ابلیس به عزت خداوند متعال قسم یاد کرده است که تمام بندگان را از راه راست منحرف خواهد کرد مگر عباد المخلصین یعنی به جز بندگان مخلص.

﴿إلاَّ عِبَادَکَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ﴾

ما خوابیم شیطان بیدار،ما بیداریم شیطان بیدارتر،ما سر کار هستیم شیطان فعال،ما بیکاریم شیطان مشغول،ما دوریم ولی شیطان نزدیکتر،ما او را نمی بینیم ولی او ما را می بیندو ما با او دوستیم ولی او با ما دشمن است.

حضرت آدم تواضع کرد و توبه نمود ولی شیطان تکبر نمود و نافرمانی کرد،حضرت آدم به گناه خود اعتراف کرد ولی شیطان به گناهش اعتراف

نکرد،حضـــرت آدم پشـــیمان شـــد ولـــی شـــیطان خوشـــحال شد،حضـــرت آدم نفـــس خـــود را ملامـــت کـــرد ولـــی شـــیطان بـــه کـــارش افتخـــار نمـــود و حضـــرت آدم از رحـــم خـــدا ناامیـــد نشـــد ولی شیطان فورا ناامید شد.

روزی شـــیطان در گردنـــه افیـــق بیـــت المقـــدس بـــر ســـر راه عیســـی(علیه الســـلام) آمـــد و خواست با پرسشهایی آن حضرت را گمراه نماید.

اول:پرســـید:ای عیســـی!بزرگی و عظمـــت تـــو بـــه جـــایی رســـیده اســـت کـــه از گـــل پرنـــــدگانی مـــــی ســـــازی و روح را در آن میـــــدمی و بـــــه پـــــرواز در مـــــی آوری! فرمود:عظمـــت و بزرگـــی مخصـــوص خـــدایی اســـت کـــه اگـــر مـــی خواســـت روح مـــرا هـــم قبض می کرد.

دوم:پرســـید:ای عیســـی عظمـــت و بزرگـــی تـــو بـــه جـــایی رســـیده اســـت کـــه بـــه بیمـــاران شـــفا مـــی دهـــی! فرمود:عظمـــت و بزرگـــی از آن خـــدایی اســـت کـــه اگـــر مـــی خواســـت مـــرا هم بیمار می کرد.

سوم:پرســـید:ای عیســـی!عظمت و بزرگـــی تـــو بـــه جـــایی رســـیده اســـت کـــه در گهـــواره ســـخن گفتـــی! فرمود:عظمـــت و بزرگـــی مخصـــوص خـــدایی اســـت کـــه اگـــر مـــی خواســـت مـــرا لال به دنیا می آورد.

چهارم:پرســـید:ای عیســـی!عظمت و بزرگـــی تـــو بـــه جـــایی رســـیده اســـت کـــه بـــدون پـــدر بـــه دنیـــا آمـــدی! فرمود:عظمـــت و بزرگـــی مخصـــوص خـــدایی اســـت کـــه مـــن را بـــدون پدر ولی آدم را بدون پدر ومادر به دنیا آورد.

پنجم:پرســـید:ای عیســـی!عظمت و بزرگـــواری تـــو بـــه جـــایی رســـیده اســـت کـــه روی آب و دریاهـــا راه مـــی روی بـــدون اینکـــه در آنهـــا غـــرق شـــوی! فرمود:عظمـــت و بزرگـــواری مخصـــوص خـــدایی اســـت کـــه اگـــر مـــی خواســـت فلجـــم مـــی کـــرد و حتـــی نمـــی گذاشت روی زمین هم راه بروم.[۱]

[۱] داستان پیامبران/پیامبری عیسی(علیه السلام) به کوشش لطیف راشدی.

شیطان به خداوند گفت:ای خدا تو خانه داری پس خانه من کجاست؟

خداوند فرمود:خانه تو حمام هاست.شیطان گفت:تو قرآن داری پس قرآن من چیست؟ خداوند فرمود:قرآن تو شعرهای مبتذل است.

شیطان گفت:تو کتابهای متفاوتی داری پس کتاب من چیست؟فرمود:خال کوبی. شیطان گفت:تو اذان داری پس اذان من چیست؟فرمود: موسیقی.شیطان گفت:تو پیامبرانی داری پس پیامبران من کیستند؟ فرمود:جادوگران.گفت:پیشبازان من کیستند:فرمود:فال گیرها. گفت:برادران من کیستند؟فرمود:اسراف کاران.گفت:مساجد من کجاست؟فرمود:بازارها.گفت:غذای من چیست؟فرمود:لقمه بدون بسم الله.گفت:شکار من چیست؟فرمود:آنان که به نامحرم نگاه می کنند. گفت:همبستر من کیست؟فرمود:مشروب خواران.گفت:همسفران من کیستند؟فرمود:رباخواران. گفت:هم صحبت های من کیستند؟فرمود:زناکاران. گفت:جایگاه من هنگام وزش بادها کجاست؟فرمود:زیر ناخن های دراز.

شیطان روزی به خداوند گفت:تو مرا به دوزخ خوهی انداخت ولی من تو را شش هزار سال عبادت کرده ام پس لااقل عوض عبادتهای من را بده؟خداوند فرمود:هر دعایی که از من بخواهی مستجاب می کنم.

۱-شیطان گفت:عمر مرا تا روز قیامت زیاد کن!خداوند قبول کرد. ۲- شیطان گفت: به انسانی که فرزندی می دهی به من نیزفرزندی عطا کن تا در دوش فرزندان انسان بگذارم و تا لحظه مرگ آنها را وسوسه نمایم! خداوند قبول کرد.[۱] ۳ - شیطان گفت: جادّه و راه رفت و آمد من را در انسانها رگهای آنها قرار بده تا مثل خون آنها در بدنشان به گردش در آیم! خداوند قبول کرد. ۴ ـ شیطان گفت: کاری کن من انسانها را ببینم ولی آنها مرا نبینند! خداوند قبول کرد. ۵ ـ شیطان گفت جایگاه دستور و فرمان دادن مرا در قلب و فکر انسانها قرار بده تا هر لحظه به آنها دستور بدهم! خداوند قبول کرد. ۶ ـ شیطان گفت: کاری کن خودم را به هر شکلی که خواستم در بیاورم، انسان، حیوات، جانور و خزنده! خداوند قبول کرد. ۷ ـ و خدایا کاری کن زمانیکه عزرائیل برای گرفتن جان بندگانت می آید من نیز در کنار او

---

[۱] سوره زخرف / ۳۶ (وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَٰنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِين) یعنی هر کس از یاد خدا غافل و روگردان شود، اهریمنی را مأمور او می سازیم، و چنین اهریمنی همواره همدم وی می گردد (و گمراه و سرگشته اش می سازد).

حضـور یـابم و کسـانی را کـه رنـج سـکرات گرفتـار شـده انـد بـا وعـدهء سـیری از تشـنگی و گرسـنگی بـه طـرف خـود متمایـل سـازم! ایـن را نیـز خداونـد قبـول کـرد. ماننـد لحظـه فـوت حضـرت امـام احمـد بـن حنبـل، زمانیکـه حضـرت امـام احمـد بـن حنبـل در سـکرات قـرار گرفتـه بـود، بـه او کلمـهء شـهادتین را تلقـین مـی کردنـد ولـی او بـه جـای تکـرار کلمـات مـی گفـت هنـوز نـه! و تمـام حاضـرین از ایـن گفتـهء احمـد بـن حنبـل نگـران شـده بودنـد کـه چـرا انسـانی بزرگـی مثـل او بـه جـای شـهادتین ایـن کلمـات را بـه زبـان مـی آورد؟ بعـد از فـوتش بـه خـواب پسـرش آمـد و پسـرش از او پرسـید: ای پـدر بزرگـوارم چـرا هنگـام تلقـین برسـرت مـی گفتـی: هنـوز نـه! هنـوز نـه! فرمـود: ای پسـرم در آن لحظـه شـیطان همـراه عزرائیـل کنـارم حاضـر شـده بـود و مرتّـب مـی گفـت: ای احمـد پسـر حنبل بالاخره از دستم خلاص شدی! ولی من می گفتم هنوز نه!

(جایگاه زن در اسلام)

هـیچ مکتبـی ماننـد اسـلام جایگـاه والایـی بـرای زن تعریـف نکـرده و اگـر زنـان مـی دانسـتند کـه خداونـد متعـال چـه مقـامی در دنیـا و آخـرت بـرای آنهـا در نظـر گرفتـه حتمـأ از خوشـحالی از زن بـودن خـود افتخـار مـی کننـد و اکثـر مکاتـب دنیـا زن را بـه عنـوان کـالا مـی بیننـد یـا ماننـد برخـی شـرکتها، عکـس زن را بـرای فـروش بیشـتر روی کالایشـان مـی چسـبانند و برخـی مـذاهب هنـدو ماننـد بهاواگاگیتـا، زن را حیـوان معرّفـی کـرده انـد در حالیکـه هـیچ موجـودی ماننـد زنـان هنگـام زایمـان فشـار تحمّـل نمـی کننـد و فشـاری کـه در موقـع زایمـان بـرای زن وارد مـی شـود مسـاوی ۵۷ نـات اسـت کـه فشـار هـر نـات مسـاوی شکسـته شـدن(۴۵) اسـتخوان اسـت کـه ایـن فشـار اگـر بـه مـرد داده شـود بـه حالـت اغمـا مـی رود بـه همـین علّـت رسـول خـدا (صـل الله علیـه وسـلم) تحمّـل ایـن درد را بـرای زنـان کفّـارهء گناهـان محسـوب کـرده و اگـر زن مـوءمنی در آن لحظـه بمیـرد شهید محسوب می شود.

در دیـن مسـیحیّت دلیـل خـروج آدم (ع) از بهشـت را زن را مـی داننـد در حالیکـه قرآن کریم هر دو را مقصّر می داند.

در دین یهودیّت و مسیحیّت زن حقّ ندارد وارد کلیسا شود و حقّ سؤال کردن از راهب ها را هم ندارد در حالیکه در عهد پیامبر زنی بنام خوله وارد مسجد می شود و بقدری در مورد ظهار شوهرش با رسول الله (صل الله علیه وسلم) مجادله کرد که سوره ای کامل بنام مجادله نازل شد که آیات اوّلیش در مورد احکام ظهار بحث و بررّسی می کند.

(دوست و دشمن)

دوستانت سه دسته اند: ـ دوستت ۲ ـ دوست دوستت ۳ ـ دشمن دشمنت. و دشمنانت سه دسته اند:

۱ ـ دشمنت ۲ ـ دوست دشمنت ۳ ـ و دشمن دوستت.

بهترین دوست کسی است که عیبت را بازگو نماید و بدترین دوست کسی است که همیشه تو را تعریف نماید و تو بخاطرش به زحمت بیفتی.

شاعر عرب می گوید: « **إحْذَر عَدُوَکَ مَرّةً وَ إحْذَر حَبیبَک ألْفَ مَرَّةً** ». - یعنی از دشمنت یک مرتبه و از دوستت هزار مرتبه بترس.[1]

دوست در سه مورد شناخته می شود: اوّل در مشکلات، دوّم در پول خواستن و سوّم در شوخی و اذیّت کردن و کسیکه دوست خود را شرمنده یا عصبانی نماید از او جدا می شود و یا او را می شناسد و بهترین دوست کسی است که پشت دوستش نیز بهترین باشد.

هرگز با احمق همنشین مشو چون عملش را برای تو مزیّن می نماید و فردا تو هم مثل او می شوی!

ریاکاری شرک است و همنشینی با هوا پرستان فراموشی ایمان را به دنبال دارد ، از دروغگو دوری کن چون از ایمان دور است و به یکدیگر حسد نورزید چون حسد ایمان را می خورد همچنانکه آتش هیزوم را می سوزاند.

---

[1] عقل، علم و عمل / ج / ۱ / ص / ۱۳ / تالیف بابک محمودی.

از حضرت عیسی (علیه السلام) پرسیدند: با چه کسی باید دوست شویم؟ فرمود: با کسیکه این سه خصلت در او باشد: اوّل زمانیکه او را می بینید خدا بیادتان بیاید دوّم زمانیکه رفتار می کند قیامت به خاطرتان بیاید و سوّم زمانیکه حرف می زند به علم شما افزوده شود.

دوست خودتان را با اعتدال دوست بدارید چون ممکن است روزی دشمنتان گردد و همیشه دوستتان را با نیکی کردن سرزنش نمایید و شرّش را با بخشش از خود دور نمایید. حسادت ورزیدن دوست نشان عیب داشتن اوست. و حضرت علی می فرماید: **«خَليلُ الْمَرءِ دَليلُ عَقْلِهِ»**.[1]

بی اعتنایی تو به کسی که به تو علاقه دارد بهره ات را از او کم می کند و اعتنای تو به کسی که به تو بی اعتناست ذلّت تو را نشان می دهد.

به ارسطو گفتند: چرا همیشه با استادت افلاطون مخالفت می کنی؟ گفت: من او را دوست دارم ولی علم را از او بیشتر دوست دارم.

در انتخاب همسر باید یک پلّه از لحاظ علمی و سنّی پایین تر را انتخاب نمایی ولی در انتخاب دوستت باید چند پلّه از لحاظ سنّی و علمی بالاتر از خودت را انتخاب نمایی.

(نفس)

پیامبر اکرم (صل الله علیه وسلم) فرمود: **«مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَد عَرَف رَبَّهُ»** - یعنی: هرکس خود را بشناسد همانا خدای خود را شناخته است. اگر نفس خود را نشناسی ظاهرت انسان ولی باطنت شیطان است.

اگر جهاد در راه خدا به اندازهء قطره ای فضیلت داشته باشد جهاد با نفس به اندازهء دریا فضیلت دارد و رسول گرامی اسلام روزی از جنگ با کفّار بر می گشتند که فرمود: « **رَجَعْنا مِنْ جِهادِ الاَصْغَرِ إلی الجِهادِ الاکْبَر** »: یعنی از جنگ

[1] نهج الباغه / ص۳۲.

کوچـک و بـه سـوی جنـگ بزرگتـر برگشـتیم! صـحابه بـا تعجّـب گفتنـد: مگـر مـا دشـمن را نـابود نکـردیم؟ فرمـود: دشـمنی اسـت کـه هـر کسـی یـارای مقابلـه بـا او نیسـت و آن نفس انسان است.

حضـرت علـی بـه کمیـل بـن زیـاد در شناسـاندن نفـس مـی فرمایـد: ای کمیـل نفـس چهـار طبقـه اسـت: **اوّل ـ نفـس نامیّـهء نباتیـه ۲ ـ نفـس حسّـیهء حیوانیـه ۳ ـ نفـس ناطقهء قُدسیه ٤ ـ نفس کلیهء الهیه.**

و از آنهـا پـنج قـوا و دو خاصـیّت بوجـود مـی آیـد: بـرای نفـس نامیـهء نباتیـه پـنج قـوا است:

اوّل: ماسـکه ، دوّم: جاذبـه ، سـوّم: هاضـمه ، چهـارم: دافعـه ، پـنجم: مُربّیـه و دو خاصیّت آن زیادت و نقصان است که از کبد بر می خیزد.

دوّم ـ نفـس حسـیّهء حیوانیـه کـه بـه پـنج قـوّه تقسـیم مـی شـود: اوّل ـ سـمع، دوم ـ بصـر، سـوّم ـ شـمّ، ـ چهـارم ـ ذوق و پـنجم ـ لمـس. و دوخاصـیّت آن رضـا و غضـب است. و این پنج قوّه از قلب برانگیخته می شوند.

سـوّم: نفس ناطقـهء قدسـیه ـ دارای پـنج هـواس اسـت: ۱ ـ فکـر ۲ ـ ذکـر ۳ ـ علـم ٤ ـ حلم ٥ ـ نباهه یا زیرکی. و دوخاصیّتش نزاهت و حکمت است.

چهـارم: .نفـس کلیّـه الهیـه کـه دارای پـنج قواسـت ۱ ـ بقـا در فنـا ۲ ـ نعـیم در شـقا ۳ ـ عـزّت در ذلّـت ٤ ـ فقـر در غنـا و ٥ ـ فقـر در فنـا و دو خاصـیّتش رضـا و تسـلیم است.[1]

پیـامبر اکـرم (صـل الله علیـه وسـلم) مـی فرمایـد: **« اللّهُـمَّ طَهِّرْنـی مِـنْ خَطایـا بِالمـاءِ وَ الـثَّلَجِ وَالبَـرِدِ »**[2] : یعنـی خداونـدا بـه وسـیلهء آب و بـرف و تگـرگ سـرد مـرا پـاک بفرما.

[1] عقل،علم و عمل / ج/ ۳ / ص / ٤۰۰ / تألیف بابک محمودی.
[2] طبّ القلوب / ابن قیّم جوزی.

یـک نفـر از شـیخ الاسـلام ابـن تیمیـه پرسـید: چـرا بایـد خطاهـای انسـان بـا آب سـرد شسـته شـود حـال آنکـه آب گـرم از آب سـرد پـاک کننـده تـر اسـت؟! فرمـود: خطـا و گنـاه کـردن باعـث بوجـود آمـدن حـرارت و گرمـی در بـدن مـی شـود و موجـب ضـعف اعصـاب مـی گـردد و سسـتی ایجـاد مـی کنـد و از طـرف دیگـر آتـش شـهوت را شـعله ور مـی سـازد و گناهـان انسـان نیـز مثـل هیـزوم هسـتند کـه باعـث بیشـتر سـوختن آن مـی گـردد بنـابراین قلـب انسـان بسـیار داغ مـی شـود، چنانکـه آب آتـش را اطفـاء مـی کنـد وضـو بـا آب سـرد نیـز باعـث تسـکین قلـب مـی شـود و آن را بـه حالـت اوّلـش بـاز مـی گردانـد و باعـث از بـین رفـتن خطاهـا مـی شـود. (حمـام کـردن بـا آب گـرم بـرای نظافـت اسـت و بـا آب سرد برای طراوت است).

نـبض رگهـا و عـروق جـوانی، مشـتاق رفـتن بسـوی احساسـات و هـوی و هـوس اسـت، بـیش از آنکـه بـه نـدای عقـل و خـدا جـواب دهـد بـه صـدای نفـس و هـوی، لبّیـک مـی گوید.

(صِله رحم)

صـله رحـم سـنّتی اسـت فرامـوش شـده و روشـی اسـت از یـاد رفتـه شـده، خداونـد متعـال مـی فرمایـد: مـن رحمـانم و صـلهء رحـم را از رحـم خـود جـدا نمـوده ام، هـرکس آن را بجـا آورد مـن بـا او هسـتم و از او محافظـت مـی نمـایم و هـرکس آن را تـرک نماید من نیز او را ترک می نمایم.

صـلهء رحـم یعنـی اینکـه بـدون هـیچ ادّعـایی بـه فامیـل هـا و دوسـتانت سـر بزنـی و از احـوال آنهـا بپرسـی و آنهـا را بـا سـخن هـای شـیرین و بـا فایـده ات سـیر کنـی نـه اینکـه بـه خانـهء آنهـا بـروی بعـداً معلـوم شـود کـه بـه خـاطر پـیچ کوشـتی، ارّه، پـول و یـا چیزهـای بی ارزش دیگر رفته بودی.

پیـامبر اکـرم (صـل الله علیـه وسـلم) فرمـود: صـلهء رحـم افضـل تـر از هـر عبـادت و بزرگتـر از صـدقه اسـت و پـاداش هـیچ حسـنه ای ماننـد صـلهء رحـم زود داده نمـی شود.

حضرت میمون بن مهران میفرماید: پاداش سه چیز برای کافر و مسلمان برابر است:

۱- صله رحم که هم باید کفّار و هم باید مسلمین انجام دهند ۲- باید با خویشاوندان خوش رفتاری کرد که هم مسلمانان و هم کافران این کار را انجام می دهند ۳- بازگرداندن امانت که کافران و مسلمانان مجبورند در این مورد نیز باهم مساوی باشند.[۱]

یازده تا فایده از یازده هزار فایدهء صلهء رحم:

۱ ـ خوشحال کردن خود و دیگران ۲ـ شاد شدن خانواده ۳ـ تمجید مسلمانان از آن شخص ٤ـ افزایش عُمر ٥ـ برکت در زندگی ٦ـ افزایش رزق ۷ـ رضایت خداوند ۸ـ شاد شدن فرشتگان ۹ـ زیاد شدن تعامل و همکاری ۱۰ـ جاری شدن پاداش حتّی پس از مرگ ۱۱ـ زدوده شدن انواع و اقسام بیماریهای ناعلاج و صعب العلاج مثل کینه و بغض و آرتروز مفصلی.

پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله وسلّم) فرمود: دو قدم در نزد خدا بسیار محبوب و دوست داشتنی هستند: اوّلی قدمی که به طرف نماز انداخته می شود و دوّمی قدمی که به طرف صلهء رحم برداشته می شود.

پنج چیز نیکی ها را مانند کوه بزرگ می کنند: ۱ ـ عادت به دادن صدقه ۲ ـ ادامه دادن صلهء رحم ۳ ـ جهاد در راه خدا ٤ ـ عادت به وضوی همیشگی ٥ ـ و اطاعت همیشگی از پدر و مادر.

حضرت علی (کرم الله وجه) از رسول گرامی اسلام می فرماید: هرکس شامگاه به عیادت مریض برود هفتاد هزار فرشته به او طلب استغفار می کنند و هر

---

[۱] اخلاق سلف / تألیف عبدالوهاب شعرانی.

کس صبحگاه به عیادت مریض برود هفتاد هزار فرشته تا شامگاه به او طلب استغفار می نمایند.

پیامبر گرامی اسلام به حضرت ابوذر هفت چیز را وصیّت کرد: ۱ ـ نزدیکی با فقرا و مساکین ۲ ـ توجّه به افراد پایین تر از خود ۳ ـ صلهء رحم در همهء احوال ٤ ـ گدایی نکردن ٥ ـ ترسیدن از خدا ٦ ـ حقّ گفتن حتّی اگر بسیار تلخ باشد ۷ ـ و گفتن مداوم کلمهء زیبای **« لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلَّا بِاللَّهِ العَلی العَظیم »**. چرا اکنون در کشورهای اروپایی به انواع بیماریهای افسردگی مبتلا شده اند که حتّی با قرص و آمپول هم بهبود نمی یابند به خاطر عدم صلهء رحم است که امروزه این بیماریها در مسلمانان نیز بوجود آمده چون صلهء رحم را کم کم از یاد می برند.

حضرت علی در مورد صلهء رحم می فرماید: کسیکه در امری ظامن یک چیز شود من در صلهء رحم کردن، ظامن چهار چیز می شوم: هرکس که صلهء رحم می کند: ۱ ـ عُمرش دراز می شود ۲ ـ رزقش افزایش می یابد ۳ ـ محبّت خویشاوندانش به او زیادتر می گردد ۴ ـ داخل جنّت می شود.

(ایمان)

انسان می تواند دور روز بدون آب، دو دقیقه بدون هوا و دو هفته بدون غذا و یک عُمر بدون پول زندگی کند امّا نمی تواند یک لحظه بدون ایمان زندگی کند.

در کتاب (الله محراب الایمان) آمده که تنها راه نجات انسان از غم و اندوه، ایمان به خدای متعال می باشد. چند تن از نویسندگان برجستهء غربی مانند کرسی مریسون و دیلکارنگی اعتراف کرده اند که تنها راه نجات غرب مادّی گرا از وضعیّت وخیم، ایمان به خدای متعال می باشد.

روزنامهء الشرق الاوسط در تاریخ ۲۱/۴/۱۳۱۵ هجری قمری به نقل از همسر جورج بوش نوشته است که او بیش از صد بار قصد خودکشی با ماشین در لب پرتگاه را کرده است.[۱]

ایمان باعث می شود همه چیزت را فقط از خدا بخواهی. به خدا گفتم بیا دنیا را تقسیم کنیم! آسمان مال من و زمین مال تو! ابرها مال من و باران مال تو! خورشید مال من و مهتاب مال تو! خداوند مهربان فرمود: تو بندگی من را بُکن، همهء دنیا مال تو باشد من هم مال تو می شوم.

(غرور و مغرور)

ـــ در تعجّبم از کسی که مغرور است در حالیکه دیروزش نطفه و فردایش لاشهء گندیده است. در تعجّبم از کسی که عرقش او را می گنداند و پیاز او را می گریاند و پشه او را به ناله در می آورد و دندان درد سر او را می زند و آب در گلویش گیر و خفه می شود.[۲]

علّت غرور نادانی و نشناختن خود است چون کسی که خود را بشناسد به کوچکی خود اعتراف می کند. باید در مقابل مغرور، مغرور شد تا غرورش از بین برود چون احترام به مغرور غرورش را بیشتر می کند و غرور در مقابل مغرور عین تواضع است.

سه چیز غرور انسانها را از بین می برد و اگر این سه چیز نبودند انسانها دنیا را نابود می کردند: اوّلی: بیماری ـ دوّمی: فقر و سومی: مرگ است.

سه کس مستحق عذابند و خداوند بنا به فرموده‌ء رسول گرامی اسلام در روز قیامت به روی این سه نفر حتّی نگاه هم نمی کند. ۱ ـ پیرمرد زناکار، ۲ ـ فقیر مغرور ۳ ـ و پادشاه دروغگو.[۳] چون زنا کردن برای جوان از جهاتی قابل توجیه است ولی از پیری که نیروهای جِنسییش از کار افتاده بسیار بعید است. غرور از

---

[۱] لا تحزن / تألیف دکتر عائض القرنی.
[۲] عقل، علم و عمل / ج / ۱ / ص / ۴۳ / تألیف بابک محمودی.
[۳] صحیح بخاری به روایت ابو هریره

ثروتمند از جهاتی قابل توجیه است چون ثروت و قدرت دارد ولی از فقیر اصلاً جایز نیست چون او که دستش از دنیا کوتاه است بنابراین دلیلی برای غرور در او دیده نمی شود. و دروغ از مردم عادّی به نظر می رسد چون می خواهند با این کار خود را از خطرها یا بلاها دور نمایند یا جلب منفعت یا دفع ضرر کنند ولی اینکار از پادشاه اصلاً پسندیده نیست چون او صاحب قدرت و ثروت است دیگر نیاز و ترسی برای گفتن دروغ ندارد.

سه گروه در نزد خداوند متعال مبغوض هستند:

۱ ـ فاسق بد است ولی فاسق پیر به مراتب بدتر است ۲ ـ بخالت بد است ولی ثروتمند بخیل بدتر است ۳ ـ تکبّر زشت است ولی فقیر متکبّر زشت تر است.

۱-هرگز به نسب افتخار نکن چون عجم بر عرب و سفید بر سیاهی ارجحیتی ندارد و این بزرگی فقط در تقوا است

﴿ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ﴾.[۱]

۲-به جمال و قیافه ات مناز که زنان فاسق نیز به قیافه خود افتخار می کنند و چهره ها زود چروکیده می شوند و مرگ آمدنی است.

۳-به پاکی و تمیزی خود فخر مکن چون تنها اگر سه روز دست و صورت خود را با آب و صابون نشویی از آشغالهای کوچه نیز بدبوتر و زشت تر می شوی.

۴-به فرزندانت افتخار مکن چون تا دیروز در دو پهلویت نطفه بودند و از نطفه نجس تر چیزی نیست.

۵-به اجدادت فخر مکن چون آنها اکنون در قبر تبدیل به خاک شده اند از خاک چیز پست تری وجود ندارد.

---

[۱] سوره مبارکه حجرات/۱۳.یعنی:بی گمان گرامی ترین شما در نزد خدا متقی ترین شماست.

۶-به ثروتت تفاخر مکن چون ثروت مانند لباس است امروز تو آن را می پوشی و فردا یکی بهتر یا بدتر از تو آن را خواهد پوشید و این تنها آزمایش خداوند است که چگونه با ثروت رفتار خواهی کرد

﴿كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ ۞ وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ ۞﴾

ضمنا اگر ثروتت را از راه حلال بدست بیاوری در روز قیامت مورد بازجویی قرار می گیری و اگر از راه حرام بدست بیاوری آتش دوزخ تو را خواهد سوزاند و اگر باور نداری به آیه ۳۴ توبه مراجعه نمایی.

۷-اگر به عِلمت فخر کنی باید این را بدانی که انسان عالم بی عمل مانند زنبور بی عسل است و هرگز وارد بهشت نخواهد شد و به قول رسول گرامی اسلام آنها زغالهای دوزخ هستند.

۸-اگر به هیکل و اندام پرورش یافته ات فخر کنی باید این را بدانی که فیل از همه حیوانات بزرگتر و قویتر است اما از موش کوچک می ترسد و پهلوان حقیقی آن کسی است که خشمش را مهار نماید.

بسیار هستند کسانی که به باشگاه های پرورش اندام می روند و با مصرف کراتین و کربن و پروتئین های مختلف سعی بر آن دارند که بازوهای خود را بارزتر و بزرگتر سازند ولی بازوی بزرگی که صاحبش بزدل است و بازوی برجسته ای که ظلمی را دفع نخواهد کرد چه فایده برای انسان،اسلام و جامعه دارد در حالیکه حضرت بلال حبشی با آنکه بازوهایی ۳۰سانتیمتری و کوچکی داشت باز با آن ضعیفی در مقابل ظلمهایی که به او و مسلمانان می کردند و او را در زیر آفتاب سوزان دراز کرده بودند باز ندای یکتا پرستی خود را ترک نمی کرد صدای احد احد و صمد صمد تا صد متری شنیده می شد.

۹-اگر به قدرتت فخر کنی باید بگوییم که دروغ می گویی چون وقتی که سوزنی در دستت یا خاری در پایت فرو می رود صدایت به آسمانها می رسد در حالیکه گاوها و گوسفندان هر روز با گله دسته جمعی خود به صحراها و کوه ها می

روند و روزانه هزاران خار به پایشان فرو می رود ولی هیچ کدام از آنها حتی به رویش هم نمی آورد.

﴿وَ لاَ تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحاً إِنَّکَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولاً﴾ [1]

هرگز روی زمین با فخر راه مرو چرا که تو هرگز نمی توانی زمین را بشکافی و قدت را نمی توانی به کوهها برسانی.

حکیمی می گوید:ثمره صبر راحتی و ثمره تواضع محبت است و افتخار مومن پروردگارش و عزتش تواضع اوست و افتخار منافق نسب اوست و عزتش مال اوست.

[1] سوره مبارکه اسراء/آیه کریمه۳۷

(فضیلت تواضع)

تواضع نعمتی است که هر کسی لیاقت داشتن آن را ندارد و باید بگوییم تکبر یادگار ظالمانی همچون فرعون،نمرود و قارون می باشد و تواضع یادگار و میراث پیامبرانی مانند موسی،عیسی و حضرت محمد صلی الله علیه وسلم می باشد.

۱- تقوا خوب است ولی از جوان خوب تر است. ۲- سخاوت خوب است و آن از فقیر زیباتر است. ۳- و تواضع خوب است ولی از ثروتمند زیباتر است.

روزی حضرت علی بن ابی طالب با غلامش به بازار رفت و دو پیراهن خرید یکی به قیمت یک درهم برای خود و دیگری به قیمت سه درهم برای غلامش.

بعد از خرید لباس برای خود آستین آن را با قیچی کوتاه کرد و برای سخن رانی تشریف برد تا هیچ تکبری را برای خود باقی نگذارد.

و هر کس بمیرد و این سه خصلت در او باشد وارد بهشت نمی شود:

۱- تکبر ۲- خیانت ۳- بدهی.

روزی حضرت عیسی(علیه السلام)به شاگردانش فرمود:برای کاری آماده شوید!گفتند:آن کار چیست؟فرمود:

کفشهایتان را درآورید،زمانی که کفشهایشان را در آوردند با تشتی که در دستش داشت پاهای آنها را شست آنها ناراحت شدند و گفتند:ای روح الله ما برای این کار از تو شایسته تر هستیم چرا ما را پیش خود شرمنده می سازی؟! فرمود:سزاوارترین مردم به فروتنی و تواضع،عالم است و من این کار را با شما انجام دادم تا شما هم بعد از من این کار را با مردم انجام بدهید.واین را همیشه بدانید که بنای حکمت و علم با تواضع شروع می شود نه با تکبر!چون زراعت در زمینی ممکن است که صاف و هموار باشد نه در کوه و جاهای بلند و خطرناک.

روزی حضرت عیسی با یکی از حواریونش که کوتاه قد بود به راه افتاد و به رودخانه ای رسیدند،آن حضرت گفت:بسم الله و بدون آنکه در آب فرو رود روی آب

راه رفـت ناگهـان در دل خـود عجـب و غـرور آورد و بـا خـود گفـت:من از عیسـی چـه چیـزی کـم دارم مـن نیـز مثـل او روی آب قرارگـرفتم وفـرو نرفتم.ناگهـان در آب فـرو رفـت و نزدیـک بـود کـه غـرق شـود آن حضـرت دسـت او را گرفـت و او را بیـرون کشـید وفرمـود : ای کـم ایمـان مگـر پـیش خـود چـه گفتـی کـه در آب فـرو رفتـی ؟گفـت : ای عیسـی زمانیکـه پشـت سـرتو قـرار گـرفتم بـا خـود گفـتم تـو بـا عیسـی هـیچ فرقـی نـداری!فرمود : ای نـادان چـرا خـود را در مقـامی قـرار مـی دهـی کـه خـدا تـو را قـرار نداده است؟توبه کن تا خدا نسبت به تو خشمگین نشود.

(مرگ)

تعجـب کنیـد از کسـانیکه موجـودات را مـی بیننـد و خـدا را فرامـوش مـی کننـد و تولـد هـا را مـی بیننـد و قیامـت را از یـاد مـی برنـد و پدرانشـان را دفـن مـی کننـدو مـرگ خود را از یاد می برند.

سـه چیـز در دنیـا بـی فایـده اسـت : ۱- بـی فایـده اسـت امیـد بسـتن بـه دنیـا در حالیکـه مـرگ آمـدنی اسـت. ۲- بـی فایـده اسـت خـوش بینـی بـه دنیـا در حالیکـه قیامـت آمـدنی اسـت . ۳- و بـی فایـده اسـت قهقهـه و خندیـدن در حالیکـه نمـی دانـی خـدا از تـو راضی است یانه!؟

هـرکس مـرگ را یـاد کنـد سـه چیـز بـه او مـی دهنـد : ۱- توفیـق توبـه. ۲- قناعـت کردن . ۳- شیرینی عبادت.

زمانیکـه پـدر عبـدالله بـن عمـرو عـاص در حـال مـرگ قـرار گرفت،عبـدالله بـه او گفـت : پـدرم ،شـما همیشـه بـه کسـی کـه در حـال سـکرات مـرگ قـرار مـی گرفـت تعجـب مـی کردیـد و مـی گفتیـد چـرا نمـی توانـد حـرف بزنـد! حـال شـما بـرایم در مـورد ایـن لحظـه بگوییـد. عمـرو عـاص گفـت : ای پسـرم بـه خـدا قسـم احسـاس مـی کـنم کـوه بزرگـی را روی شـانه هـایم گذاشـته انـد و تمـام پشـتم را پـر از خـار کـرده انـد و روحـم را از سـوراخ سوزنی خارج می کنند و زمین و آسمان به هم چسبیده اند.

شخصی به حضرت عیسی(علیه السلام) فرمود:ای عیسی شما همیشه مرده تازه را زنده می کنی اگه می توانی این بار مرده دیرینه ای را زنده کن. حضرت عیسی سام فرزند نوح را زنده کرد و وقتی او از قبر بلند شد موهای سرش سفید شده بود!حضرت عیسی پرسید:ای سام این سفیدی به خاطر چیست؟گفت:ای عیسی در هنگام مرگ صدایی شنیدم که گمان کردم صدای قیامت است،وبه خاطر این است که موهایم سفید شده است.حضرت پرسید:چند وقت است که وفات کرده ای؟گفت:ای روح الله سه هزار سال است و هنوز هم تلخی مرگ را به یاد دارم.

حضرت یحیی عليه‌السلام از پیامبران عصر حضرت عیسی عليه‌السلام است،وقتی که حضرت یحیی از دنیا رفت،حضرت عیسی کنار قبرش ایستاد و از خدا خواست که او را زنده کند.دعایش مستجاب شد و وقتی یحیی از قبر بلند شد گفت:از من چه می خواهی؟فرمود:می خواهم همانگونه که در دنیا با من مانوس و همدم بودی آنگونه نیز زنده شوی و با هم دوست شویم!حضرت یحیی فرمود:هنوز هم طعم تلخی مرگ از بدنم نرفته است و تو می خواهی زنده شوم و باز تلخی مرگ را در زندگی تجربه نمایم.

چهار چیز است که هرکس برای خود از الان آماده نماید از گروه غافلین نوشته نمی شود:

۱- کسیکه از الان کفنی برای خود آماده کند. ۲- کسیکه از الان وصیتی برای خود بنویسد. ۳- کسیکه هر شب بیست بار مرگ خود را برای خود یادآور شود. ۴- و هر کس که دائما زبانش در حال ذکر کردن باشد. [۱]

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود:من از میان شما می روم ولی دو چیز را در میان شما به جا می گذارم که اولی آشکار است و آن خواندن قرآن است و دومی مخفی است و آن یاد مرگ است.

[۱] تنبیه الغافلین/ج۲به کوشش ابولیث سمرقندی.

و فرمود:همانگونه که آهن آلات زنگ می زنند دلهای شما هم زنگ می زند پس آن را با قرآن خواندن و یاد مرگ جلا دهید.

زمانی که به عروسی دعوت می شوید با گام های آهسته به آن بروید تا یاد دنیا به قلبتان نیفتد و زمانی که به تششیع جنازه می روید با عجله بروید تا به یاد آخرت بیفتید و این را بدانید هر کسی را که وارد قبر می کنند نه برایش پولی است که خرج نماید و نه دوستی است که با او هم صحبت شود و نه فرشی است که روی آن قدم های خود را بردارد.

۱- اگر لباس کسی از ابریشم خالص باشد آخرین لباسش تنها کفن است.

۲- اگر کسی خانه اش قصر طلایی باشد آخرین خانه اش تنها لحد است.

۳- و اگر کسی اسمش پادشاه یا رییس جمهور باشد آخرین اسمش تنها جسد است.

چیزهایی که انسان را از عذاب قبر نجات می دهند: ۱- نماز خواندن با خشوع.۲- قرآن خواندن با تمرکز. ۳- حفظ لباس از ادرار و نجاست. ۴- حفظ زبان از غیبت و تهمت.

حضرت علی(کرم الله وجه) موعظه ای تاثیرگذار در مورد مرگ بیان می نماید و در این مورد می فرماید:زمانی که شخصی در حالت مرگ قرار می گیرد تمام مردم بر سرش حاضر می شوند.

۱- چشم به آنها می دوزد و با آزمندی به آنها نگاه می کند و عرق از پیشانیش فرو می ریزد.

۲- بینیش تیغ،ناله اش آرام و نفسش به شماره می افتد و همسرش برای مفارقت او گریه می کند.

۳- گورش آماده، فرزندانش یتیم،همسرش بیوه، و دوست و دشمنش از هم جدا می شوند.

۴- کفنش آماده می گردد، اموالش تقسیم می شود و دیگر گوش و چشمانش نمی بیند و نمی شنود.

۵- رو به قبله گذاشته می شود دستانش تهی می گردد و برایش غسل داده می شود.

۶- در قبر گذاشته می شود،خاک بر رویش ریخته می شود و کرم ها بدنش را می خورند.

۷- کفنش خشک می شود،کفنش پوسیده می شود و بدنش به خاک تبدیل می شود و روز قیامت از قبر برانگیخته می شود.

۸- به دهانش مهر می زنند چشمانش به آنچه دیده گواهی می دهند، گوشهایش به آنچه شنیده اعتراف می کنند و دستانش به هر جا دراز شده شهادت می دهند.

حضرت برا بن عازب می گوید: همراه رسول خدا به تشییع جنازه ای رفتیم آن حضرت قبری را دیدند و نشستند و سرش را پایین انداختند و سه بار گفتند: بار الهی از عذاب قبر به تو پناه می بریم.

(زبان)

زبان در بدن عضوی است که بدون استخوان خلق شده است و تمام اعضاء از بیرون می گیرند و به داخل می دهند مانند گوش ها با شنیدن، چشم ها با دیدن ولی زبان تنها عضوی است که از داخل اطلاعات را می گیرد و به بیرون می دهد به همین دلیل حضرت علی می فرماید:

« الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ ».

یعنی: شخص زیر زبانش مخفی است. هرکس زیاد حرف بزند زیاد اشتباه می کند، هرکس زیاد خطا کند حیایش کم می شود، هرکس حیایش کم شود ایمانش می ریزد و آنکس که ایمان نداشته باشد قلبش می میرد و جای قلب مرده داخل آتش است.

زبــان در ســر نصــف انســان اســت اگــر آنــرا بگیــری و کنتــرلش نمــایی ارزشــت دو برابــر مــی شــود و اگــر رهــایش نمــایی تــو را مــی درد. وقتــی عقــل انســان کامــل مــی شــود کــم صــحبت مــی کنــد و اگــر نــادان صــحبت نکنــد همــه او را عاقــل مــی پندارنــد و تــا زمانیکــه بــا طــرف مقابلــت حــرف نزنــی او در اختیــار توســت امــا زمانیکــه حــرف زدی دیگــر تــو در اختیــار او هســتی پــس زبانــت را نگــه دار همانگونــه کــه طــلا و نقــره را مخفی می کنی!

اگــر کســی نمــی دانــم (لا أدری)را کنــار بگــذارد بــه قتــل گــاه هــایش مــی رســد (نمــی دانــم راحــت جــانم).وقتی در مــورد کســی در پشــت ســرش حــرف مــی زنــی چیــزی در مــوردش بگــو کــه اگــر بشــنود ناراحــت نشــود و تــو نیــز شــرمنده نشوی.نصــف عظمــت انســان قلــب و نصــف عظمــتش زبــانش اســت و بقیــه ی بــدن جــز گوشــت وخــون چیــز دیگــری نیســت. بــرای اگــاه شــدن بپــرس بــرای ایــراد گیــری نپــرس چــون جاهــل آموزنــده مانند عالم گمراه و عالم گمراه مانند جاهل اموزنده می باشد.

- ایــن را بدانکــه اگــر صــحبت کــردن از نقــره باشــد ســکوت کــردن از طــلا مــی باشد.

- چــه کســی نــادان است؟بیشــتر علامتهــای نــادان از طریــق زبــانش دیــده مــی شود :

۱- زیــاد حــرف مــی زنــد. ۲- درمــورد آنچــه نمــی دانــد دخالــت مــی کنــد. ۳- قبــل از آنکــه بفهمــد پاســخ مــی دهــد. ۴- درچیــزی کــه بــه او مربــوط نیســت داوری مــی کنــد. ۵- درجاییکــه بایــد خــاموش باشــد حــرف مــی زنــد ودر جاییکــه بایــد حــرف بزنــد خــاموش مــی شود.همیشــه مفــرط (تنــدرو)یا مفــرط (کندرو)اســت.قبل از فــراهم امــدن وســایل بــی تــابی مــی کنــد و بعــد از رســیدن وســایل لجبــازی مــی کنــد و خــود را از همــه کــس دانــاترمی بیند.

قلــب احمــق پشــت زبــان و زبــان عاقــل پشــت دلــش مــی باشــد و هــرکس بــا ســخن گفتــنش ســنجیده مــی شــود و بــا رفتــارش ارزیــابی مــی شــود پــس چیــزی بگــو کــه وزنــش سنگین باشد و رفتاری از خود نشان بده که برازندهٔ تو باشد.

شخص احمق از هدر رفتن عمرش ترسی ندارد و از حرفهای بیهوده سیر نمی شود. در حضور حضرت علی شخصی سخنی گفت که برای مثل او بسیار بزرگ بود! فرمود: قبل از آنکه پردرآوری پرواز کردی و قبل از آنکه شتر شوی فریاد زدی.

حضرت علی رضی الله عنه می گوید: **« قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ وَ لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ »**

یعنی :قلب (فکر)احمق پشت زبانش است وزبان عاقل پشت عقلش است.

یعنی شخص احمق بدون فکر سخن می گوید وشخص عاقل بدون فکر کردن سخن نمی گوید.

به سه کس راز تان را نگو یید: اول - احمق ساده لوح. دوم - شخص پر حرف وسوم - دوست نز دیک.

بزرگی گفت:سه پسر دارم اولی هر چه بگو يد باور می کنم چون راست گوست.دومی هر چه بگويد باور نمی کنم چون دروغگوست وسومی خدامرگش دهدچون مرا سرگردان می کند هم راست گوست وهم دروغ گوست.

(غیبت)

سؤال چرا در این زمان بوی بد غیبت احساس نمی شود ولی در زمان پیامبر این بوی بد احساس می شد!؟چون بقدری غیبت عام شده که بوی بدش احساس نمی شود مثل همانکس که اگر همیشه در کار تخلیه چاه باشد بوی بد را احساس نمی کند همانگونه نیز اگر انسان زیاد غیبت و معصیت نماید دیگر اثر آن را درك نمی نماید.

شخصی پیش ابراهیم ادهم آمد و گفت : شخصی پشت سر شما غیبت می کرد آنحضرت بشقابی را پر از خرما کرد به آن شخص فرستاد و فرمود: از اینکه نتوانستم تمام حسناتت را نسبت به خودم جبران نمایم عذر میخواهم چون تو دیروز حسناتت رابا غیبت کردن برای من فرستادی!

روزی حضرت ابراهیم ادهم را به مهماني دعوت کردندو در سر سفره از شخصي غيبت کردند،آنحضرت فرمود: در گذشته اول نان می خوردند سپس گوشت ولی حالا گوشت می خورند سپس نان. و فرمود : چرا در امور دنيا سخی نيستيد ولي نسبت به امور آخرت سخی هستيد بهترين شخص آن است برای دوستانش سخی و برای دشمنانش بخيل باشد.[1]

سه چيز رحمت را از مجلس دور می نمايد: اول - صحبت کردن از دنيا دوم - خنده سوم - غيبت.

يحيي بن معاذ بن جبل می فرمايد: اگر نتوانستی برای کسی مفيد نباشی ، مضر نباش و اگر نتوانستی کسی را خوشحال نمايی، ناراحتش نکن و اگر نتوانستی از کسی تعريف نمايي غيبتش را مکن همانگونه که غيبت کردن از لباس ابريشم پوشيدن بدتر است سخن چينی هم از غيبت کردن بدتر است و حضرت ابراهيم ادهم می فرمايد: اگر کسی سخن کسی را به تو می آورد يقين بدان که سخن تو را هم به او خواهد برد.

روزی شخصی به عمر بن عبدالعزيز گفت: شخصی پشت سر شما غيبت کرده است! فرمود : اگر راست گفته باشی مصداق آيه:

﴿ إِنْ جاءَكُمْ فاسِقٌ بِنَبَإٍ﴾ [2]

است و اگر دروغ بگويی آيه ﴿هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ ﴾ [3] شامل حالت ميشود و اگر توبه نکنی مجازاتت می کنم و اگر توبه کنی عفو می شوی!گفت يا اميرالمؤمنين توبه کردم!

حضرت موسی (عليه السلام) با قومش سه بار به طلب باران رفتند ولی هيچ بارانی نباريد وقتی که علت را از خدای متعال پرسيد فرمود: ای موسی در قومت

---

[1] معالجه اخلاق /چاپ دوم/١٣٩٢/تأليف بابك محمودى.

[2] سوره مباركه حجرات /٦ يعني: كسانى كه ايمان آورده ايد !اگر شخص فاسقى خبرى را به شما رسانيد درباره آن تحقيق كنيد، مبادا به گروهى -بدون(آگاهى از حال و احوالشان و شناخت راستين ايشان-)آسيب برسانيد، و از كرده خود پشيمان شويد.

[3] سوره قلم/١١ يعنى: بسيار عيبجوئى كه دائماً سخن چينى مى كند.

یك سخن چین وجود دارد! حضرت موسی گفت: پروردگارا او را برایم معرفی کن تا سرش را با شمشیر بزنم خداوند فرمود: من از سخن چيني بيزارم و حال تو از من میخواهی برایت سخن چيني نمایم فقط بگو قومت توبه نماید و زمانیکه قومش توبه کردند و آن سخن چین نیز از عملش پشیمان شد و دانست که خداوند عیب او را میان همگان مخفی کرده خداوند بارانش را فرستاد.

حضرت ابودرداء می فرماید: اگر عذاب قبر را به سه قسمت تقسیم نماییم دو سوم آن مربوط زبان است و تنها يك سومش مربوط به كارهاي خلاف ديگر است .

هشت چیز باعث عذاب قبر میشود: ۱-هدر دادن نعمت ۲-اسراف ۳- بی اعتنایی به نماز ٤-غیبت ٥- سخن چینی ٦- ترشحات ادرار ٧- دروغ گفتن ٨- بداخلاقی.

حکیمی فرمود: اگر قادربه انجام سه کار نیستید حتما سه کار دیگر را نیز انجام ندهید ! اول- اگر نمی توانی به کسی نیکی کنی از بدي كردن به او پرهیز کن.دوم- اگر نفعت به مردم نمی رسد کاری کن که مردم از شرت در امان باشند و سوم- اگر نمی توانی روزه بگیری پس گوشت برادر مرده ات را نخور (یعنی غیبت نکن).

ده چیز ده چیز را می خورد: ١- نیکی بدی را ٢- تکبر علم را ٣- دروغ رزق را ٤- عدل ظلم را ٥- غم عمر را ٦- صدقه بلا را ٧- غضب عقل را ٨- پشیمانی سخاوت را ٩- غیبت حسنات را و حسادت سلامتی را.

سفیان ثوری می فرماید : گناهي از من سر زد که به خاطر آن پنج ماه فقط نماز خواندم! گفتند: آن گناهت چی بود : فرمود: روزی کسی گریه میکرد در ذهنم گفتم که او ریاکار است.

ابراهیم نخعی می فرماید: هرکس می خواهد زینت مجلس را تماشا کند به کسی نگاه کند که سکوت کرده است؛ زیرا سکوت زینت عالم است و پرده جاهل.

امــام شــافعی مــی فرمایــد : حــرف زدن ماننــد تیــر اســت اگــر رهــا شــود دیگــر در اختیــار تــو نیســت بلکــه در اختیــار دیگــران میباشــد پــس مواظــب بــاش چــه میگــويي و آن را پیش چه کسانی می گویی!؟[1]

حضــرت عیســی (علیــه الســلام) بــه حواريّــون فرمــود : چــه مــی گوییــد در مــورد کسیکه خوابیده و تو بروی لباس او را در بیاوری و بدنش را لخت نمایی؟!

گفتنــد: یــا روح الله مگــر چــه کســي ایــن کــار را مــی کنــد!؟ فرمــود: کســیکه غیبــت مــی کنددرست همین عمل را انجام میدهد.[2]

حضــرت عمــر بــن احنــف بــن قــیس فرمــود: کســیکه زیــاد شــوخی کنــد هیبــتش کــم مــی شود، کسیکه زیاد بخندد حقیر می شود و کسیکه زیاد حرف بزند ذلیل می شود.[3]

(نظر چهر پادشاه جهان در مورد زبان)

۱- پادشــاه چــین: تــا زمــانی کــه مــن حــرف نــزنم مالــك آنــم ولــی هنگــام حــرف زدن دیگران مالك آنند.

۲- پادشـــاه روم: برحرفـــی کـــه نـــزده ام بیشـــتر مســـلطم ولـــی قـــادر بـــه برگردانـــدن حرف زده شده نیستم.

۳- پادشــاه هنــد: تعجــب کنیــد از کســیکه بــا عجلــه حــرف مــی زنــد کــه اگــر حــرفش پخش شود برایش ضرردارد و اگر ضرر هم نداشته باشد منفعتی برایش ندارد.

٤- پادشــاه ایــران: هرگــز بــه خــاطر ســکوت پشــیمان نشــده ام بلکــه همیشــه بــه خــاطر حرف زدن پشیمان شده ام.

پیــامبر اکــرم ﷺ در صــحیح ترمــذي مــي فرمایــد : اگــر بــا اینکــه حــق هســتید از جــدل کردن پرهیز نمایید در بهشت خانه ای برای شما آماده می کنند.

---

[1] زندگی نامه امام شافعی
[2] عقل، علم و عمل / ج۱ / ص/۱٤۰ / تألیف بابك محمودی.
[3] احیاء العلوم الدین /ج۲

حضرت عیسی علیه السلام فرمود: تحمل يك حرف بد ده حسنه دارد.

حضرت علی رضی الله عنه می فرماید: هنگام شنیدن حرف بد آن را نشنیده بگیرید.

مالك بن دینار فرمود: هنگام خشم خود را مانند الاغ با گریه خالی نکنید چون سکوت تو از هر چیزی برای طرف مقابل بدتر است.

حضرت موسی علیه السلام فرمود:پروردگارا کاری کن تا زبان مردم پشت سر من بسته شود و پشت سر من حرف بد نزنند!خداوند فرمود: ای موسی من این کار را در مورد خود انجام نداده ام چطور انتظار داری برای

تو انجام دهم چون هر روز به من فحش می دهند من صبر می کنم و برای من شرك قرار می دهند ولی من برای آنها باران می فرستم.

شخصی به امام حسین رضی الله عنه فحش داد، او در جواب فرمود :اگر من آنم که تو مي گويي خدا مرا اصلاح فرماید و اگر آن نباشم که تو می گويي خدا تو را اصلاح فرماید.

حضرت علی (کرم الله وجه)می فرماید: **«حُمُوضاتُ الطَّعام خَيرُ مِن حُمُوضاتِ الكَلام »** سم های غذا بهتر از زخم های زبان است. و باز فرمود: سَلامَة الإنسانِ فی حَبْس اِلّسان- سلامتی انسان در گرو زبانش است.

و باز می فرماید: **« بَلاءُ الإنسانِ مِن اِلّسانِ و ضَربُ اِلّسانِ اشَدُّ مِن طعنِ الان»** - یعنی بدبختی های آدمی از زبانش است و زخم زبان بدتر از زخم تیغ است.

امام محمد غزالي فرموده :همانگونه که درست نیست پیش دیگری از کسی با زبانت غیبت کنی، درست نیست از دیگری با ذهنت پیش خودت غیبت کنی[1] (منظور سوء ظن) !

[1] در محضر امام محمد غزالی.

مـؤمن کسـی اسـت کـه پـیش رویـت از تـو انتقـاد کنـد و پشـت سـرت از تـو تعریـف نمایـد منـافق کسـی اسـت کـه پیش رویـت تـو را تعریـف کنـد و پشـت سـرت از تـو بـد گـويي نماید.

گـر انسـان بـا درد سـرطان از دنیـا بـرود بهتـر اسـت چـون ممکـن اسـت بـه خـاطر درد کشـیدنش از شـهید نـوع دوّم محسـوب شـود ولـی اگـر بـا مـرض تـوهین بـه صـحابه از دنیا برود عاقبتش را خدا می داند.

_روزی از پـیش گروهـی گـذر مـی کـردم کـه بـا تعجّـب حـرف مـی زدنـد وقتـی علّـت را جويـا شـدم بـه مـن گفتنـد امشـب اخبـار اعـلام کـرده کـه در آمریکـا یـک نفـر گوشـت سـرخ کـردۀ انسـان راخـورده! در قلـبم گفـتم اینکـه تعجّـب آور نیسـت چـون ایـن عـادت خیلـی وقـت اسـت کـه در انسـانها رشـد کـرده مگـر آیـۀ ۱۳ سـورۀ حجـرات را نخوانـده ایـد: ﴿لايَغْتَـب بَعْضُـكُم بَعْضـاً اَيُحِـبُ اَحَـدكُم اَنْ يـاْ كُـلَ لَحْـمَ اَخيـهِ مَيتـا﴾ کسـانیکه غیبـت مـی کننـد گوشـت مـردۀ بـرادر خـود را مـی خورنـد و گوشـت معنـوی بـدتر از گوشت مادی است.[۱]

(دروغ در نظم مورچه ها)

شیخ ابن تیمیه (رحمهُ الله) (مجدّد دین) می فرماید: روزی نشستم به نظم مورچه ها دقّت کردم ،مورچه ای را دیدم که مگسی را پیدا کرده ولی نمی تواند آن را بردارد و برای کمک گرفتن رفت چند مورچه ٔدیگر را صدا زد قبل از آنکه آن مورچه ها بیایند من مگس را برداشتم،آنها برگشتند دوباره مگس را زمین گذاشتم دوباره مورچۀ کارگر آمد و نتوانست آن را بردارد ،رفت باز همان نیروهای کمکی را آورد ولی قبل از آنکه آنها بیایند من مگس را برداشتم ، تا سه بار این کار را ادامه دادم دیدم مورچه هاي سرباز آن مورچه مُخبِر را به نیت اینکه دروغ گفته تکه تکه کردند؛ از آنجا دانستم که مورچه ها علي رغم جانور بودنشان دشمن دروغ هستند و شرافتشان از برخي انسانها بیشتر است.

دانشـمند فرانسـوي بـود کـه چهـارده سـال از عمـر خـود را بـراي مطالعـه در مـورد مورچـه هـا گذاشـته بـود و بعـد از مـرگش بـه دختـرش وصـیت کـرد تـا راه او را ادامـه

[۱] عقل، علم و عمل /ج۳/ ۳۰٤/تألیف بابك محمودی.

دهـد. ايـن نـوع تحقيـق مـذموم اسـت چـون هرگـز خـدا راضـي نميشـود کـه ايـن همـه عمـر را فقـط وقـف تفکـر وتحقيـق در مـورد مورچـه هـا گذاشـت و از طرفـي مسـلماني هـم هسـت کـه از کنـار اجتمـاع مورچـه گـان بـدون توجـه رد ميشـود کـه اينکـار نيـز مـذموم اسـت بهتـر آن اسـت کـه متعـادل باشـد نـه آن همـه وقـت بـراي مورچـه گـان گذاشـته شـود کـه از چيزهـاي ديگـر غافـل گشـت و نـه ماننـد مسـلمان جاهـل بـدون تفکـر رد شـد و هيچگونه تفکر در نظام خلقت نکرد.

مورچـه هـا بـر اسـاس برنامـه ريـزي يـا همـان هـدايت تکـويني کـه خداونـد متعـادل برايشـان مقـرر کـرده زنـدگي ميکننـد. بـراي مورچـه هـا مارکسـيتي وجـود نـدارد کـه برايشـان تفکـر اقتصـادي بدهـد، نيچـه اي نيسـت کـه از تفکـر قـدرت صـحبت نمايـد و فُريـدي وجـود نـدارد کـه بـراي امـور جنسـي و شـهرت آنهـا تصـميم گيـري نمايـد. آنهـا دکتـري ندارنـد کـه مـريض هايشـان را معالجـه نمايـد، مهندسـي ندارندکـه برايشـان سـاختمانهاي آسـمان خـراش طراحـي کنـد، وکيلـي ندارنـد تـا از گناهـان و جرمشـان دفـاع نمايـد، قاضـي ندارنـد تـا بـه شکايتشـان رسـيدگي کنـد و مدرسـه اي ندارنـد کـه در آنجـا تحصيل کنند.

امـا انسـان پُـر اِدّعـا کـه خداونـد متعـال اينقـدر بـرای او ارزش قائـل اسـت و او را جانشـين خـود معرّفـی مـی کنـد چـه مـی کنـد ؟ جُـز خرابـی، فسـاد،گناه و تخريـب طبيعـت بـرای حـرص و طمـع مـادّی هـيچ دسـتاوردی نـدارد. بـرای کـاهش گناهـان و جـرم انسـان هـا ، هـر روز مـادّه و قـانون تبصـره اضـافه مـی شـود امـا وضعيّتشـان هـر روز بـد و بـد تر می شود و به جای اصلاح وحشی تر می شوند.

(فقر و بخل)

از بخيلـی کـه از فقـر فـرار کـرده ولـی بـه سـوی آن مـی شـتابد تعجّـب مـی کـنم و از ثروتـی کـه جسـتجو مـی کنـد و از دسـت مـی دهـد و در نتيجـه در دنيـا فقيـر بيچـاره زنـدگی

مـی کنـد و در آخـرت در صـف ثروتمنـدان محاسـبه مـی شـود مانـده ام ! و از کسـیکه بـه وجـود خـدا شـک دارد ولـی موجـودات را مـی بینـد در شـگفت مانـده ام و از کسـیکه تولّـد موجـودات را مـی بینـد ولـی منکـر قیامـت اسـت و مرگهـا را مـی بینـد ولـی مـرگش را فراموش میکند و دنیایش را آباد و خانهٔ ابدیش را تاریک و ویران می سازد متعجّبم!

مـؤمن بـه فکـر کـردن و عبـرت گـرفتن مشـغول است ولـی منـافق بـه جمـع کـردن و آرزو نمـودن مشـغول اسـت، مـؤمن از همـه کـس ایمـن اسـت جُـز خداونـد ومنـافق از همـه کـس در بـیم اسـت جُـز خداونـد، مـؤمن از همـه کـس ناامیـد اسـت جُـز خـدا و منـافق بـه همـه کـس امیـدوار اسـت جُـز خـدا،مؤمن مـالش را فـدای دیـن مـی کنـد ولـی منـافق دیـن خـود را فدای مالش می کند،

مـؤمن دینـار را بـه دیـن مـی فروشـد ولـی منـافق دیـن خـود را بـه دینـار مـی فروشـد، مـؤمن عبـادت میکنـد بـاز مـی گریـد منـافق گنـاه مـی کنـد ولـی بـاز مـی خنـدد، مـؤمن مـی کـارد و زحمـت مـی کشـد ولـی بـاز مـی ترسـد کـه نرویـد و منـافق نمـی کـارد ولـی بـاز امیـدوار اسـت کـه درو نمیـاد. مـؤمن دشـمن دروغ و ریـاو قلـبش انـدوهناک و صـورتش خنـدان اسـت ولـی منـافق دلـش کـذّاب و ریاکـار و دلـش خنـدان و صـورتش عبـوس مـی باشـد، مسجد بـه مـؤمن روحیـه میدهـد همانگونـه کـه آب دریـا بـه مـاهی زنـدگی مـی دهـد ولـی منـافق را فشـار مـی دهـد همانگونـه کـه قفـس پرنـده را بـه تنـگ مـی آورد، مـؤمن از فقـر نمـی ترسـد و سـخی اسـت ولـی منـافق بیشـتر از آتـش جهـنّم از فقـر مـی ترسـد و دشـمن سـخاوت و دوسـتار بخـل و محـبّ جمـع آوری پـول مـی باشـد، مـؤمن هنگـام دسـت یـابی بـه ثـروت شـکرگذار مـی شـود، منـافق هنگـام دسـت یـابی بـه ثـروت خـدا را فرامـوش مـی کنـد، مـؤمن در سـختی هـا صـبر مـی کنـد ولـی منـافق در مشـکلات فریـادش بـه آسمان‌ها می رسد.

حضـرت حسـن بـن علـی مـی فرمایـد: رغبـت و میـل بـه دنیـا غـم وانـدوه را زیـادتر مـی کنـد وبـی تـوجهی بـه دنیـا دل را آرامـش مـی دهـد، مـن از تنگدسـتی نمـی ترسـم ولـی آنقـدر از ثروتمنـد شـدن شـما مـی ترسـم کـه مبـادا ماننـداقوام گذشـته دنیـا پـیش شـماگرانقدر

شــود ســپس بــا عــذابی هــلاک شــوید، دیــن اســلام اصــلاح اوّلــش بــا زهــد و یقــین بــود و آخرش نیز با بخل و امیدهای طولانی نابود می شود.

فقــراي أمــت از فقــر شــان بــه رســول خــدا شــكايت كردنــد وگفتنــد : ثروتمنــدان از مــا جلــو افتادنــد، حــج ميكننــد زكــات مــي پردازنــد وصــدقه مــي دهنــد! رســول خــدا (صــلي الله عليــه وآلــه وســلم) فرمــود : انعــام مخصــوص فقراســت وبــراى ثروتمنــدان نيســت ، قصــري در بهشــت اســت كــه از يــاقوت ســرخ اســت وبقيــه بهشــتيان بــا تعجــب بــه آن مــي نگرنــد ، نــه مــال شــهيدان اســت ونــه مــال مجاهــدان؛ فقــط مخصــوص فقيــران صــابر اســت . وفقــراي أمــت مــن پانصــد ســال زودتــر از ثروتمنــدان وارد بهشــت مــي شــوند ويــك حمــد فقيــر از صــد حمــد ثروتمنــد همــراه بــا ده هــزار درهــم صــدقه أفضــل تــر اســت . وقتــي فقــرا اين حرف را شنيدند گفتند : **« رَضَينا يا ربّنا ».**[1] يعني : پروردگارا راضي شديم .

حضــرت حســن بصــري مــي فرمايــد : روز قيامــت خداونــد متعــال از فقــرا عــذر خــواهي ميكنــد وايــن افتخــار نــه نصــيب پيــامبران مــي شــود ونــه نصــيب شــهيدان، مــي فرمايــد : از شــما عــذر مــي خــواهم كــه در دنيــا فقيــر تــان كــردم ، مــن ايــن كــار را فقــط بــراي دســت يــابي بــه عزتتــان كــردم والآن بــه شــما اجــازه دادم برويــد هــركس را از دنيــا كه به شما كمك كرده يا دست شما را گرفته وارد بهشت سازيد .

فقيــر پــنج خصوصــيت دارد: اوّل - بــه فقــرا ثــواب هــر عملــي بيشــتر از غنــي داده ميشــود هــر چنــد كــم يــا مســاوي باشــند ٢- فقيــر در دنيــا بــه آرزوهــايش نمــي رســد وايــن نيــز پــاداش دارد ٣-فقيــر از غنــي پانصــد ســال زودتــر وارد بهشــت مــي شــود ٤-در روزقيامــت حســاب فقيــر از غنــي آســان تــر خواهــد اســت واز زكــات و حــج ســوال نمــي كننــد و٥- در قيامت شرمندگي فقير نسبت به ثروتمند كمتر است.[2]

رســول خــدا در صــحيح ترمــذي ميفرمايــد: گــاهي اوقــات يــك درهــم صــدقه بيشــتر از صــدهزار درهــم اســت! صــحابه بــا تعجــب ســوال كردنــد ايــن چــه زمــاني اســت؟ فرمــود: يــك درهم فقير در راه خدا از صد هزار درهم غني با ارزش تر است.

---

[1] صحيح مسلم .
[2] تنبيه الغافلين/ج ٢.ابوليث سمرقندي

اگـر انســان گــاهي بخــاطر بــي پــولي نتوانــد بــه چيــزي برســد اگــر در مقابــل آن صــبر نمايد به او پاداش صبر خواهند داد.

حضــرت ضــحاك مــی فرمايــد: اگــر كســي بــه بــازار بــرود و دلــش بخواهــد كــه آن چيــز را بخــرد ولــي بــه علــت بــي پــولي نتوانــد بــه آن برســد اگــر بخــاطر آن صــبر كنــد و عجز از خود نشان ندهد براي او از انفاق كردن صد هزار درهم بهتر است.

در آيــه ﴿ وَ آقيمــوا الصَّــلاة وَ آتــو الزَّكــاة وَ اطيعوُالرَّســو ل﴾ نمــاز بــه پــا داريــد و زكات بپردازيد و از رسول اطاعت نماييد از سه وظيفه دو وظيفه براي فقير است.

حضــرت ابــن عبــاس مــی فرمايــد: هــركس غنــي را بخــاطر پــول عزيــز و فقيــر را بخاطر نداري حقير نمايد در پيشگاه خدا ملعون است.

مبــتلا شــده انــد و هــر چــه مــی گوينــد در زبــان و شــعار اســت و در قلــب و عمــل سرمايه ای ندارند .

آقــای دكتــر (ن) (...) رئــيس بانــک مركــزی كُــلِ كشــور بــود و هميشــه روی پــول هــا بــود و وام هــا و مبــالغ هنگفــت بــا امضــای او داده مــی شــد ولــی در ســنّ ٤٥ ســالگی بــه بيمــاری ســكته قلبــی مبــتلا شــد و درگذشــت ! بلــی زنــدگی در دنيــای مجــازی نيــز چنــين است !

در اروپــا مــردم چهــره هايشــان در ظــاهر شــاد اســت ولــی همــۀ آنهــا بــه بيمــاری خطرنــاک افســردگی دچــار شــده انــد . و بــرای رفــع ايــن كمبــود بــزرگ خــود وقتشــان را بــا چيزهای بيهوده از جمله تماشا به كُشتی كج و سيرک ها تَلَف ميكنند .

در حاليكــه مســلمانان واقعــی هنگــام خــروج از مســجد بعــد از ادای نمــاز جمــاعتش تمــام ســلول هــايش پــر از انــرژی هــای مثبــت مــی شــود كــه ايــن حالــت در هــيچ بــازی و سرگرمی يافت نمی شود .

شخصـــی در اروپـــا ، پـــیش یـــک روانشـــناس رفـــت و از افســـردگی خـــود بـــه او شـــکایت کـــرد و او آدرس یـــک دلقـــک را بـــه او داد و او ســـرش را تکـــان داد و گفـــت آن دلقک من هستم .

(ارزش وقت)

ارزش وقــت بقــدری زیــاد اســت کــه انیشــتین ایــن دانشــمند بــزرگ گفتــه اســت : مــن از کفــش بنــد دار بــدم مــی آیــد چــون در فاصــلۀ بســتن بنــدهایم وقــت بــا ارزشــم تلــف مــی شود .

حضـــرت علـــی (کـــرم الله وجـــه) فرمـــوده اســـت : فرصـــت هـــای شایســـته را از دســـت ندهیـــد چـــون فرصـــت هـــا ماننـــد ابـــر درحـــال گذشـــتن هســـتند و جاهـــل از حرفهـــای بیهـــوده سیر نمی شود و ازتلف شدن اوقاتش ترس ندارد .

ــ ابــن عقیــل دانشــمند بزرگــی اســت کــه کتــاب قطــوری بــه نــام فنــون دارد کــه مشــتمل بــر هشــتاد جلــد کتــاب اســت و خــود او مــی گویــد : وقتــی نــان مــی خــوردم روی نــان آب می ریختم و به سرعت آن را می خوردم تا وقتم تلف نشود .

امـــام نـــووی مؤلّـــف کتـــاب ریـــاض الصّـــاحین از دنیـــا رفـــت و حتـــی فرصـــت ازدواج کـــردن هـــم پیـــدا نکـــرد . او در زنـــدگیش ۵۰ جلـــد کتـــاب نوشـــت و خـــود او مـــی گویـــد : ســـوگند بـــه خـــدا تـــا گرســـنگی و تشـــنگی و خـــواب مـــرا از پـــای در نمـــی آورد تســـلیم نمـــی شدم .

روزی مـــادرش را صـــدا زد و گفـــت : غـــذا کجاســـت؟ مـــادرش گفـــت : تـــازه آن را بــه تــو خورانــدم ، او مــی گویــد بــه قــدری مشــغول تحصــیل علــم بــودم کــه حتّــی متوجّــه غــذا خوردنم نشدم.

ــ ابــو یوســف شــاگرد گرانقــدر حضــرت ابوحنیفــه هنگــام ســکرات مــرگ مرتّــب بیهــوش مــی شــد و بــه هــوش مــی آمــد و بــه شــاگردانش مــی گفــت بیاییــد روی یــک مسـئله بــا هــم بحــث کنــیم کــه در ســؤالش بــه شــاگردانش میگفــت : بــه نظرتــان بــا پــای پیــاده پــاداش بــه حــج رفــتن بیشــتر اســت یــا ســوار بــر مرکــب؟! شــاگردانش میگفتنــد : اســتاد ایــن چــه وقــت

سؤال کردن است که این مطلب نشان از ارزش جستجوی علم در هر زمان است و در همهٔ امور علم شاگرد را شبیه استاد می دانند در حالیکه در مورد ابویوسف مردم میگفتند : ابوحنیفه در علم مثل شاگردش ابویوسف است .[1] علّامه ندوی در ٤٦ سالگی وفات کرد ، او به خاطر علم و خدمت به اسلام ازدواج نکرد و گفت اگر سنّت ازدواج را رعایت کنم بسیاری از فرضّیّات را از دست می دهم و شبها اتاقش همیشه با شمع روشن بود و او مطالعه می کرد .

ابو رجب می گوید : من با همین انگشت هایم بیش از دو هزار کتاب را بازنویسی و تألیف کرده ام ! بعد از مرگ این عالم تألیفاتش را بر عُمرش تقسیم کردند دیدند روزانه نُه مقاله را تمام می کرد .

حضرت ابوریحان بیرونی هنگام سکرات مرگش از استادش در مورد شرایط طلاق سؤال می کرد استادش با تعجّب به او می گفت : این چه وقت سؤال کردن است؟ ولی او می فرمود : آیا بدانم بمیرم بهتر است ؟ یا ندانسته بمیرم ؟

ولی اکنون چه، عزیزان ؟؟؟ آیا ما نیز مثل آنها هستیم ؟ آیا سرگرم شدن به آرایش ، غذاهای متنوّع ، تفریح ، بازی با موبایل و وقت خود را با فیلم های بیهوده تلف کردن این فرصت را به ما می دهد تا خود را اصلاح کنیم ؟

دنیا خانهٔ عبور است نه محل توقّف ! مردم در آن دو دسته اند : دستهٔ اول خود را فروخته اند و بردهٔ دنیا شده اند و دستهٔ دوم خود را خریده اند و همیشه آزادند .

دنیا انسان را برای گناه تحریک می کند و به وسیلهٔ آن قلب را تاریک می گرداند ، پس بگذرید و بگذارید و دل به آن نسپارید .

ظلم از ظلمات قیامت است ، آگاه باشید که ظلم ظالم شما را از ادای کلمهٔ حق باز ندارد چون عمری که گذرانده اید مانند روزهایی است که در آن زندگی می کنید .

---

[1] طبّ القلوب /تألیف ابن قیّم جوزی.

حکیمی می گوید : دنیا سه روز است دیروز که گذشت و بر نمی گردد امروز که دوام ندارد و فردا که آمدنش معلوم نیست .

ــ هراکلیتوس دانشمند یونانی می گوید : گذر وقت مثل آن است که پایت را در آب رودخانه کنی بعد پایت را خارج کنی و دوباره وارد آن کنی مطمئنّا جای پای اوّلی رفته است .

نگویید به اندازهٔ کافی وقت نداریم ! شما در طی شبانه روز به اندازهٔ هلن کلر ، لویی پاستور ،میکل آنژ ، مادر ترزا ، لئوناردو داوینچی ، جفر سون ، ادیسون و آلبرت انیشتین وقت دارید .

یکی از حالات روانی و شیطانی که باعث اتلاف وقت و نابودی بدن انسان می شود حسادت کردن می باشد چون شخص حسود از چاقی دیگران لاغر می شود .

ــ زمستان برای مؤمن غنیمت است چون شبهایش برای عبادت طولانی و روزه گرفتن کوتاه است .روز روشن است پس آن را با گناه کردنتان تاریک نگردانید و با عبادت خود شب تاریک را روشن کنید .

در کودکی بازی ، در جوانی ، مستی ، در پیری سُستی ، پس کی خدا را می پرستی؟

(گرسنگی معده)

بدانید که معده حوض تن است و نیروی آن بعد از هضم غذا به هفت قسمت بدن تقسیم می شود و غالبترین شهوتی که در بدن است آن شهوت معده است ، این شهوت اصل شهوتهای دیگر بدن است ، هنگام قوّت گرفتن معده ، نیروی شهوت جنسی جُنبیدن می گیرد و آن نیرو را جز با ازدواج نمی توان با چیز دیگر اطفاء نمود و وسایل ازدواج جز با جمع آوری پول با چیز دیگر امکان ندارد و این مقدّمهٔ ورود به دنیا طلبی است و دنیا را برخی انسانها با بُغض ، کینه و عداوت بدست می

آورنـد و ایـن عمـل باعـث سـیاهی دل مـی شـود پـس معـده را خـوار کـردن درواقـع آزاد کردن دل از بندگی نفس می باشد .

ـــ برخـی انسـانها را لـذّت خـوردن ، کـور کـرده بـرای چنـین انسـانها بایـد گفـت تـو اگـر نـان خشـک یـا کبـاب بریـان بخـوری بـه یـک معـده مـی رونـد و تنهـا فـرق آنهـا ایـن اسـت کـه لـذّت **کبـاب تنهـا ۱۵ سـانتی متـری دهانـت ، برایـت لـذّت مـی دهـد** و نهایتـاً بـه معـدۀ تاریـک وارد مـی شـود پـس نبایـد بـه خـاطر لـذّت ۱۵ سـانتی متـری خـود را بـه زحمت انداخت و خدا را از یاد برد

هـر کـس اگـر تـا چهـل روز پشـت سـر هـم گوشـت بخـورد قلـبش سـخت مـی شـود بـه همـان دلیـل اسـت کـه اکثـر قصّـابها سـنگدل هسـتند و مـذموم تـرین شـغلها از نظـر اسـلام قصّـابی و صـرّافی اسـت و دلیـل صـرّافی هـم بـه خـاطر آن اسـت کـه باعـث غـرور و تکبّـر مـی شـود و برخـی طـلا فروشـان حتّـی حاضـر نیسـتند بـا افـراد دیگـر دسـت بدهنـد ، چـون باعـث کسـر شـأن آنهـا مـی شـود و شـغل کفّاشـی بـرای شکسـتن غـرور خیلـی خـوب است و بزّازی برای پوشاندن مسلمانان و تواضع بهتر می باشد .

و هـر کـس اگـر تـا ٤٠ روز گوشـت نخـورد انسـان بـدخو مـی شـود و معتـدل ان است که در هفته چند وعده گوشت خورد و هر چه کمتر باشد بهتر است .

دل انسـان از چهـار جوبیـار آبیـاری مـی شـود ، اوّلـی جوبیـار چشـم و دوّمـی جوبیـار گـوش سـوّمی جوبیـار زبـان و چهـارمی جوبیـار ذهـن کـه اگـر ایـن رودهـای طبیعی بدن با گناه آلوده شوند دل سیاه و باطن انسان کثیف می شود.

یحیـی بـن معـاذ مـی فرمایـد : هـر کسـی گرسـنه بمانـد آرزوهـایش کوتـاه میگـردد و قلبش روشن می شود و شیطان در قلبش جایی برای خود نمی یابد.

روزی ابلـیس پـیش یحـی بـن زکریـا آمـد ، زکریـا فرمـود : آیـا تـا کنـون بـر مـن وارد شـده ای؟ ابلـیس گفـت : آری ! روزی برایـت غـذاهای مختلـف آمـاده کردنـد و مـن اشـتهایت را بـرای خـوردن زیـادتر نمـودم و تـو خیلـی از غـذاها خـوردی تـا سـیر شـدی و به خواب رفتی و از عبادت هایت غافل ماندی !

یحیی علیه السلام فرمود : قسم میخورم از این به بعد دیگر پرخوری نکنم و ابلیس هم گفت : من هم قول میدهم دیگر کسی را این چنین نصیحت نکنم .

حضرت عایشه می گوید : اوّلین بدعتی که بعد از رسول خدا بوجود آمد سیری بود .

ـ سیری شمشیری است برای شیطان علیه مؤمن و گرسنگی شمشیری است برای مؤمن علیه شیطان .

حضرت علی می فرماید : **« بَطنُ المَرءِ عَدُوُّهُ ـ شکم مرد دشمن اوست ».**[1]

هر چه غذای انسان لذّت بخش تر باشد به همان اندازه هم مدفوع انسان را متعفّن تر می کند . و لذّت خوردن بعد از گذر از ۱۵سانتی متر از دهان به گلو دیگر طعمی ندارد .

اگر کاسهٔ زرّین برای خوردن آب نباشد با دو کف دست هم میتوان آب را خوردو اگر نتوان مسافت ۱۰۰ کیلومتری را با ماشین بنز طی کرد میتوان آن را با یک دو چرخه هم طی نمود و اگر نتوان با غذاهای خوشمزّه معده را پر کرد می توان آن را با غذاهای ساده و معمولی نیز پُر نمود و معده را راضی نگه داشت و هدف از خوردن قوی کردن پشت برای عبادت است نه چیز دیگر . ابراهیم شیبانی (رحمة الله) می گوید : چهل سال است که به خاطر شهوت غذا نخورده ام .

(وصیّت)

در بنی اسرائیل عابد فقیر بود که به مردم آب میداد و با این کار زندگی خود را می گذراند ، هنگام رسیدن مرگش وصیّت کرد که در دنیا تنها یک مشک دارم و تحمّل حمل ان را در روز قیامت ندارم پس آنرا ببرید و به پادشاه بدهید تا انرا هم همراه بقیهٔ اموالش حمل نماید وقتی این سخن را به پادشاه گفتند بقدری در او اثر کرد که تمام تاج وتخت خود را رها کرد و او هم مثل عابد مشک کشی کرد.

[1] عقل ،علم و عمل /ج۲/ص/۲۰۰تالیف بابك محمودي

- حضرت علی بن ابی طالب زمانیکه در حال احتضار قرار داشت به فرزندش حضرت حسن چند نصیحت کرد وفرمود : اگر اینها را رعایت کنی به ثروت ابدی دست می یابی و اگر اینها را رها نکنی به فقر ابدی می رسی !

۱- هیچ ثروتی بهتر از عقل نیست ۲- هیچ فقری بدتر از جهل نیست ۳- هیچ دشمنی مثل عُجب نیست ٤- وهیچ دوستی مثل خوش رفتاری نیست .

- حضرت ابو علی سینا می فرماید : انسان باید معلّم نفس و شاگرد وجدانش باشد .

(إخلاص)

- جُنید بغدادی می گوید : اخلاص رازی است میان خدا و بنده اش که نه فرشته ای از آن باخبر است که آن را بنویسد و نه شیطان از آن خبردار است که آنرا تباه کند.

اگر بنده ای به اندازه چهل شبانه روز در خود اخلاص را توسعه دهد چشمه های حکمت در چهره و زبانش آشکار می گردد . خداوند متعال در قرآن کریم میفرماید :

﴿وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۖ نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِن بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَّبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِّلشَّارِبِينَ[۱]﴾

- بی گمان در وجود چهار پایان برای شما عبرتی است ، از برخی چیزهایی که در بدن آنهاست شیر خالص و گوارایی به شما می نوشانیم که میان تُفاله و خون شیر بیرون می آید و نوشندگان را خوش می آید.

خداوند می فرماید : در چهارپایان برای شما عبرتی است. چه عبرتی وجوددارد؟ شیر چهارپایان از کجا می آید ؟ از دو قسمت بسیار عجیب که از خون و سرگین است خداوند شیر زلال وپاکی را برای نوشندگان تولید می کند . آیا تا به حال دیده اید که در مدفوع یا ادرار حیوان شیری بیرون آید ؟ نه . یا در شیر حیوان

---

[۱] سوره مبارکه نحل /٦٦

قطـره ای ادرار یـا مـدفوع باشـد ؟ هرگـز ! در چهارپایـان بـرای شـما عبـرت اسـت ! چـه عبرتی؟بایـد اخـلاص خـود را در اعمالتـان بـا شـیر حیـوان بِسـنجیم و مواظـب باشـیم کـه آلـوده ریـا (ادرار روح) یـا آلـوده مـدفوع (غـرور نفـس) نشـود . چـون خداونـد پـاک اسـت و چیـز پـاک را دوسـت دارد و کسـی کـه بـه عملـش ذرّه ای ریـا آلـوده کنـد مثـل ایـن اسـت روی پارچـه سـفید کمـی ادرار یـا خـون را مـی چسـباند و بـه خـدا مـی دهـد و خـدا هرگـز عمـل او را قبـول نمـی کنـد . بـه عمـر بـن خطّـاب بشـارت بهشـت داده شـده بـود فقـط گریـه مـی کـرد ومـی گفـت : کـاش عمـر بـدنیا نمـی آمـد و یـا ای کـاش مـویی در سـینهٔ ابـوبکر بـودم . او مـی ترسـید کـه اعمـالش بـا ریـا مخلـوط شـوند و بـه پیشـگاه خـدا نرسـد . اگـر مـا انسـانها اخـلاص را در خـود برویـانیم دریـای موسـی بـر مـا گشـاده مـی شـود ، صـلیب عیسـی از دسـتانمان بـاز مـی شـود ، زنـدان یوسـف بـر مـا تمـام مـی شـود ،بیمـاری ایّـوب از مـا مـی رود ،شـکم نهنـگ یوسـف بـرای مـا خلوتگـاه مـی شـود ، چـاقوی ابـراهیم بـر گلـوی اسـمائیل ؛ سـر مـا را نمـی بُـرد و اگـر مـارا دسـتگیر کننـد ماننـد موسـی بـه آغـوش و سـینه مادرمـان برگردانـده مـی شـویم و ماننـد پیـامبر اکـرم (صـلّ الله علیـه و آلـه و سـلم) دشـمنانمان یکـی پـس از دیگـری تسـلیم اسـلام مـی شـوند و قلبهایشـان بـا اسـلام فـتح مـی شوند .

(تفسیر علمی سفر معراج)

- یکـی از بزرگتـرین فیزیـک دانـان بنـام ویرژیـل گیـو گیـو مـی گویـد : معـراج محمّـد در برابـر علـم امـروزی غیرقابـل قبـول اسـت . (یعنـی چطـور یـک انسـان سـاده مـی تواند بدون هیچ اکسیژن و غذا و فضاپیما بتواند به هفت آسمان سفر کند) !؟

در حـدیث صـحیح آمـده کـه : (پیـامبر اکـرم صـلّ الله علیـه و آلـه و سـلم) از هفـت آسـمان گذشـت و بـه دورتـرین نقـاط کـه هـیچ بشـری تـا بـه حـال و تـا هـیچ وقـت دیگـر نیـز نمی تواند سفر کند رفته است .

اگـر داخـل منظومـه ی شمسـی باشـد از سـیّارهٔ نپتـون نیـز گذشـته اسـت و اگـر داخـل کهکشان راه شیری باشد از نزدیک کهکشانهای بزرگتر دیگر جهان

کـه نزدیکتـرین کهکشـان بـه منظومـهٔ شمسـی مـا کهکشـان آندرومِـدا یـا بـه عربـی اِمـرَأة المُسلسَلة یـا بـه فارسـی از زن بـه زنجیـر کشـیده شـده هـم گذشـته اسـت . ایـن عقـل نـاقص برخـی دانشـمندان متفکّـر اسـت کـه متأسـفانه همـه چیـز را بـا فکـر کوچـک خـدادادی مقایسـه مـی کننـد چـون تنهـا بـه عقـل متّکـی شـدن کـار مغـروران اسـت کـه وحـی را نیـز انکـار مـی کننـد و اتّکـا بـه حـدیث نیـز کـار جـاهلان اسـت کـه جـاهلان امـروزی از هیچ یک از گروه ها خالی و عاری نیست !

بـرای قبـول ایـن سـفر ، قبـول قـدرت بـی نهایـت خـدا بـر هـر کـاری لازم و ضـروری اسـت بـرای برخـی کـه خـدا را اگـر بـا چشـم سـر نبیننـد قـدرتش را نیـز بـه سـختی قبـول مـی کننـد کـار بسـیار سـختی اسـت کـه امثـال معـراج و الهـام و وحـی را بـه راحتـی قبول نمایند .

﴿ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا ۚ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴾سورهٔ اسراء/۱

تسـبیح و تقـدیس خـدایی را سزاسـت کـه بنـده خـود (محمّـد پسـر عبـدالله) را در شـبی از مسـجدالحرام (مکّـه) بـه مسـجد الاقصـی (بیـت المقـدّس) بـرد ، آنجـا کـه دور و بـر آن را پربرکـت (از اقـوات مـادی و معنـوی) سـاخته ایـم . تـا (در ایـن کـوچ یـک شـبه زمینـی و آسـمانی) برخـی از نشـانه هـای (عظمـت و قـدرت خداونـدی) خـود را بـدو بنمایـانیم (و بـا نشـان دادن فراخـی گسـتره جهـان و بخشـی از شـگفتیهای آن ، او را از بنـد دردهـا و رنجهـای زمینیـان برهـانیم و بـا دل و جـرأت بیشـتر بـه میـدان مبـارزه حـق و باطـل روانـه گـردانیم). بـی گمـان خداونـد بـس شـنوا و بینـا اسـت . (نـه سـخنی از او پنهـان و نـه کـاری از او نهان می ماند)

(چگـونگی عـدم برخـورد رسـول خـدا (صـلّ الله علیـه و آلـه و سـلم) بـا شـهاب سنگ در مسیر راه)

قـدرت الکتریکـی بـرق آنقـدر زیـاد اسـت کـه سـنگها را نیـز مـی توانـد ذوب نمایـد و امواج برای پیمودن فاصله ها مطلقاً نیازمند زمان نمی باشد .

در حـدیث صـحیح وارد شـده کـه پیـامبر اکـرم (صـلّ الله علیـه و آلـه و سـلم) فرمـود : مـن خوابیـده بـودم کـه یـک نفـر مـرا بیدار کـرد و بـه مـن گفـت : سـوار اسـب بُـرّاق شـو ! اسـم ایـن اسـب در اکثـر روایـات بُـرّاق آمـده اسـت کـه صـفت مشـبّه اسـت و از نظـر برخـی عُلمـا بَـرّاق اسـت بـر وزن فعّـال کـه از نـوع صـیغهٔ مبالغـه اسـت و از فعـل بَـرَقَ مـأخوذ شـده اسـت . سـرعت بُـرّاق بسـیار فـوق العـاده و سـریع السّـیر بـود و بـا طرفـهٔ العینـی از مکـانی بـه مکـان دیگـر حرکـت مـی کـرد و مشـکل برخـورد و بـارش شـهاب سـنگ ، گرمـای بـالاتر از جـوّ ، کمبـود اکسـیژن و سـایر مشـکلات و محـدودیتهای فضـایی بـا امـواج بـرق بُـرّاق ازبـین رفتـه بـود و پیـامبر عظـیم الشّـأن توانسـت بـا ایـن امکانـات پیشرفته ولی در ظاهر ساده به دورترین نقاط جهان ماوَراء سفر نماید .

ناصـر سـبحانی در ایـن مـورد مـی گویـد : امـروزه اگـر از کسـی بپرسـی هواپیمـای مسـافربری چـه فرقـی بـا فضـا پیمـا دارد در جـواب پاسـخ مـی دهـد امکانـات فضـا پیمـا نسـبت بـه هواپیمـا بیشـتر و سـاختمانش پیچیـده تـر اسـت واگـر از کسـی بپرسـی آمـازیش لـویی پاسـتور بـا آزمـایش زکریـای رازی چـه فرقـی دارد در جـواب مـی گویـد لـویی پاسـتور نسـبت بـه زکریـای رازی پیشـرفته تـر اسـت و اگـر از کسـی در مـورد سـفر انسـان بـه کـره مـاه بـا سـفر تـو بـه فضـا در قرنهـای آینـده چگونـه اسـت در جـواب پاسـخ مـی دهـد کـه مطمینـا سـفرهای آینـده از سـفرهای امـروز بسـیار پیچیـده و مجهـز تـر خواهـد بـود پـس حـالا خودتـان چـه دانشـمند یـا چـه عـامی باشـید سفر امـروزی بـه بـالاتر از جـو را بـا سـفر پیـامبر (صـلی الله علیـه و الـه و سـلم) مقایسـه کنیـد در خواهیـد یافـت فرقـی نـدارد چـون هـر دو خـارج شـدن از جـو اسـت ولـی سـفر پیـامبر پـر سـرعت تـر ، مجهـز تـر ، ایمنی تر و بهتر و بالاتر از سرعت ۳۰۰۰۰۰ کیلومتری نور در ثانیه بود .

رسـول اکـرم (صـلّی الله علیـه و آلـه و سـلم) بعـد از فراغـت از امـور مـردم و خوانـدن نمـاز عشـا در منـزل اُمِّ هـانی ، وقتـی متوجـه شـد کـه سـپیده دم صـبح نزدیـک شـده برخواسـت تـا وضـو بگیـرد ، سـپس امّ هـانی را صـدا زد و گفـت : ای امّ هـانی همانگونـه

که دیدی نماز عشا را با شما در این مکان با شما خواندم سپس به بیت المقدس برده شدم و نماز صبح را قبل از شما خواندم سپس برگردانده شدم و این فضیلتی است از جانب پروردگار متعال که قبل از من و بعد از من هم به کسی داده نخواهد شد .

امّ هانی زن با ایمانی بود که به گفته های پیغمبر ذره ای شک نمی کرد و تنها از این می ترسید که مبادا این حرف ها را به قریشی ها بگوید و آنها او را مورد استهزاء قرار دهند خیلی سعی کرد که جلوی او را بگیرد امّا پیامبر صاحب رسالت بود نباید چیزی را از مردم مخفی می کرد وقتی ابوجهل این سخن را از پیامبر شنید او را مسخره کرد و گفت تو که الآن اینجا هستی چطور بیت المقدّس رفته بودی ؟ ابوجهل برای استهزاء بیشتر مردم را جمع کرد و گفت اکنون حرفهایی که به من گفته بودی به مردم بگو ! فرمود : ای مردم امشب مرا به بیت المقدّس برده بودند و گروهی از پیامبران را مثل موسی و عیسی و ابراهیم را دیدم و با آنها سخن گفتم و برای آنها نماز خواندم ! ابوجهل گفت : آنها را همانگونه که دیده بودی توصیف کن برای ما ! فرمود : عیسی بلند قد نبود او میانه اندام بود و سرخ روی بود انگار از محاسنش قطره های مروارید می بارید ولی موسی تنومند و درشت اندام بود و بلند قد بود و امّا ابراهیم که هیچ کس را مثل او به خودم شبیه نمی دانم . سپس قریشی ها از او خواستند دلایلی برای صحت ادّعایش بیاورند . فرمود : در فلان منطقه به قبیله ای برخورد کردم و صدای حیوانی شتر آنها را ترساند و من شتری را که در میان آنها بود رم کردم و پس از بازگشت در منطقه ضجنان به کاروان قبیله ای برخورد کردم و قوم آنها را خوابیده دیدم و ظرفی پر از آب داشتند سر پوشش را برداشتم و کمی از آبش را خوردم و نشانه های آن کاروان این است که اکنون به سمت گردنه تنعیم البیضاء در حرکتند و شتر خاکستری جلوی کاروان حرکت می کرد و روی آن دو کیسه بزرگ گذاشته بودند یکی از کیسه ها سیاه بود و دیگری براق و سفید بود با شنیدن این حرفها : قوم به سرعت به طرف گردنه حرکت کردند و کاروان را همانگونه که پیامبر توصیف کرده بود یافتند سپس قریشی ها از روی عناد گفتند این چیزهایی که می گفتی مسایل ساده بودند حالا برای ما بگو که چطور ممکن است این همه مسافت را یک شبه طی کنی ؟ سوگند

بــه لات و عــزّی حرفهایــت را قبــول نمــی کنــیم بعــد از شــنیدن ایــن حــرف پیــامبر اکــرم چهــره اش مــایوس شــد امّــا در ایــن میــان ابــوبکر فــوری ســخنانش را قبــول کــرد و گفــت بخـدا اگـر مسـافت هـزار برابـر ایـن را هـم بگـویی بـاز مـن حرفهایـت را قبـول مـی کـنم در آنها شکّ نمی کنم .[1]

(نظر یّه نِسبی آنیشتین در مورد زمان)

نظــر انیشــتین در ایــن مــورد اســت کــه در فضــا زنــدگی بــا ســرعت بــیش از ســرعت نــور ، زمــان مفعــومی نــدارد مثــل ایــن اســت کــه زمــان را نگــه داشــته انــد بــرای مثــال اگــر دو کــودک دوســاله را یکــی را بــه فضــا بفرســتی و دیگــری روی زمــین بگــذاری بعــد از آمــدن دوّمــی در مــدّت ۱۰ ســال از فضــا ، تنهــا ۱۰ ســال خواهــد داشــت ولــی امکــان دارد کودکی که در زمین بوده پیر شده باشد یا اینکه کلّ تمدّن زمین عوض شده باشد .

﴿ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا ﴾ [2]

(شــکافته شــدن ســینه پیــامبر ﷺ و علــم پزشــکی در مــورد پیونــد عضــو) پیــامبر اکــرم ﷺ در حــدیث صــحیح فرمــود : خــواب بــودم کــه دو فرشــته پیشــم آمدنــد و ســینه مــرا شــکافتنند و قلــبم را در آوردنــد و بــا آب زمــزم شستشــو دادنــد ســپس بــه جــای اولــیش نســب کرده اند.

امــروزه نیــز پزشــکان بــا عمــل جرّاحــی قطــع و پیونــد عضــو را بــه راحتــی انجــام مــی دهنــد و بــا علــم نیــز اثبــات شــده اســت پــس چــرا کســی نیســت ایــن وقــایع را انکــار نمایــد ولــی بــرای مســئله ســاده شــکافته شــدن ســینه پیــامبر آن هــم در حالــت خــواب هــزاران بــار دلایل دروغ می آورند .

---

[1] صحیح بخاری

[2] ســوره مبارکــه نازعــات/۱٤٦ روزی کــه آنــان برپــائی رســتاخیز را مــی بینیــد (چنــین احســاس مــی کننــد کــه در جهان) گوئی جز شامگاهی یا چاشتگاهی از آن درنگ نکرده اند و بسر نبرده اند).

(داستان کیّال)

حضرت حارث محاسبی می فرماید : شخص کیّال (وزن کننده ، فروشنده) از کارهای خود توبه کرد و در گذشت . دوستش وی را در خواب دید و پرسید خداوند با تو چگونه رفتار کرد ؟ او گفت : ۱۵ گونی از محصولات مختلفی که وزن کرده بودم بر ذمّهً من گذاشت ، دوست او گفت علت چه بود ؟ گفت من در تمیز نمودن گرد و غبار ترازو کوتاهی می کردم و هر پیمانه که با آن برای مردم محصولی را وزن می کردم بوسیله همان خاک کمی ظرف من سنگین می آمد ، پس به وی عذاب قبر داده شد .

شخصی بود که هنگام احتضار مردم پیشش رفتند و او مرتّب می گفت دو کوه آتش . بعد از مرگش علّت را از زنش پرسیدند گفت او فروشنده ای بود که زیر ترازوی خود را بدون آنکه مردم بدانند سنگین می کرد.

روزی مردم پیش حضرت ابن عبّاس آمدند و گفتند مردی مرده و ما هر جا که قبر می کنیم مار سیاهی از آن بیرون می آید آیا می دانی علّت چیست؟ فرمود : هرچه باشد اعمال اوست که مجسّم می شوند و اگر تمام زمین را هم بکنید مار در می آید . بعد از دفن مرده ، مردم پیش زنش رفتند و در مورد شوهرش پرسیدند زنش گفت : او فروشنده جو و گندم بود و زمانیکه برای مردم گندم می کشید مقداری خاک و کاه به آن اضافه می کرد تا کمی سنگین تر شود .

(نه روش فروشندگی)

۱ ــ هرگز قسم نخورد ۲ ــ هدفش خدمت به خریدار باشد ۳ ــ همیشه قیمت کالا را کم و مشتریش را زیاد کند نه اینکه قیمت کالا را بالا ببرد تا اینکه از مشتری هایش کاسته شود ٤ ــ اگر جنسی که مشتری می خواهد و آن نباشد با چرب زبانی جنس دیگرش را به مشتری بار نکند ٥ ــ هرگز نجش نکند چون حرام است و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) در حدیث صحیحش نجش را ممنوع کرده .

(نجش یعنی اینکه فروشنده با بالا بردن قیمت ، مشتری را برای خرید کالایش تحریک و جذب نماید) ٦ – بیشتر از مشتری دنبال محبّت باشد ٧ – اگر جنسی را که می خرد تعریف آن را بکند ٨ – و اگر جنسی را که می فروشد معایبش را بگوید این است عدالت کامل . یک روز شاگرد ابو حنیفه در فروش کشمش های ابو حنیفه تعریف کرده بود ابو حنیفه پول کشمش ها را کلاًّ صدقه داد و گفت : نباید جنسها را تعریف می کردی ! ٩ – فروشنده نباید در دل و زبانش خیانت بکار ببرد .

(إغراق دلّال ها)

یک نفر پیش دلّال رفت تا اسبش را که کمی پای لنگ داشت بفروشد. به دلّال گفت : اگر از اسبم برای جذب بیشتر مشتری زیاد تعریف کنی پولت را زیاد می کنم . وقتی دلّال پول را گرفت شروع به تبلیغ اسب کرد و داد کشید ای مردم بیاید اسبی برای فروش دارم که مادرش اصیل است ، بدنش سبک می باشد و تند می دود و کم استحراحت می کند و زیاد کار می کند و کم می خورد و زیاد می دود . نیم ساعت بعد جمعیّت بسیار زیادی فریب دروغ های دلّال را خوردند و بر سر اسب جمع شدند وقتیکه صاحب اسب جمعیّت جمع شده را دید و تعریف های دلّال را شنید بسیار تحریک شد و پیش دلّال رفت و گفت : غلط کردم ! من اسبم را نمی فروشم با این تعریف هایی که تو از اسبم کردی فکر نمی کنم اسبی بهتر از اسب من پیدا شود .

(بلا و مصیبت)

از وقتیکه به دنیا آمدی می گویی مصیبت ! مصیبت ! تو که در مقابل سختی های انسانهای بزرگ و پیامبران ، دچار مصیبتی نشدی !

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) مردم را به طرف خدا دعوت می کرد سرش را شکستند، در درّه شعب ابوطالب سه سال محاصرهٔ اقتصادی کردند و از فرط گرسنگی برگ و ریشهٔ درختان را می خورد ، از مکّه بیرونش کردند و

دندانهای مبارکش را شکستند ، به همسر پاکدامنش تهمت بی غفّتی زدند که هنوز هم باقی است ، هفتاد نفر از یاران با وفایش و حافظان قرآن را شهید کردند ، اکثر فرزندانش در سنین کودکی فوت کردند ، از فرط گرسنگی برخی اوقات سنگ به شکمش می بست و ماه ها از خانه اش دود بر نمیخواست و به جای حلیم ، نان خشک می خورد و می گفت : حلیم می خورم و امّا بزرگترین درد و سختیش ،فکر و اندوه به عاقبت انسان ها بود چرا که او رحمتی برای عالمیان بود و تشنه هدایت و نجات بنی آدم بود.

مشکلات و سختی ها بد و تلخ نیستند چون پالایشگاه روحند اگر پیامبر عظیم الشّانً دچار این همه سختی ها نمی شد هرگز روحش تصفیه نمی شد و والامقام پروش نمی یافت.

و اما قبل از او ذکریا راکشتند یحیی را سربریدند موسی را تبعید کردند ابراهیم رابه آتش انداختند و پیامبران بنی اسرائیل را تکه تکه کردند و بعد از پیامبر عمر به خون غلتید عثمان ترور شد و علی خنجر خورد وائمّه را شلّاق زدند.

﴿ أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لاَ يُفْتَنُونَ ﴾ [1]

آیا مردم گمان کردند همینکه بگویند ایمان آوردیم به حال خود رها می شوند و دیگر آزمایش نمی شوند؟

یکی از نمونه های ثابت قدمی و رنج کشیدگان برای دین ، تابعی جلیل القدری بنام سعید بن جبیر است . زمانیکه این بزرگوار را پیش حجّاج بن یوسف آوردند با شجاعت تمام در مقابلش ایستاد و حجّاج با اینکه اسم سعید را می دانست اسمش را پرسید ، فرمود : سعید بن جبیر . حجّاج گفت : امّا تو شقی بن کُسیر (یعنی پسر شکسته) هستی . فرمود :مادرم هنگام نام گذاری به این نام از تو آگاه تر بود . حجّاج با عصبانیّت گفت : تو و مادرت هر دو بدبخت هستید . سعید بن جبیر

---

[1] سوره عنکبوت /۲ . یعنی (آیا مردمان گمان برده اند همین که بگویند ایمان آورده ایم او به یگانگی خدا و رسالت پیغمبر اقرار کرده ایم) به حال خود رها می شوند و ایشان (باتکالیف و وظایف و رنجها و سختیهائی که باید در راه آئین آسمانی تحمل کرد) أزمایش نمیگردند؟!)

فرمـود : بـدبخت کسـی اسـت کـه اهـل دوزخ باشـد . حجّـاج گفـت : بخـدا قسـم زنـدگیت را مـی سـوزانم . سـعید فرمـود : اگـر فکـر کـنم کـه زنـدگی و مـرگم بدسـت توسـت پـس تـو را خـدای خـود دانسـته ام . حجّـاج گفـت : اگـر راسـت مـی گـویی چـرا از دسـتم فـرار مـی کردی ؟ سعید بن جبیر فرمود :

﴿ فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ ﴾ شعرا / ۲۱ .

آنگاه که مثل موسی ترسیدم فرار کردم . حجّاج گفت : شیوه مردنت را انتخاب کن ! سعید فرمود : تو انتخاب کن چون هر طوریکه مرا بکشی آنگونه نیز کشته می شوی !حجّاج گفت : تو را طوری خواهم کشت که قبل از تو کسی اینچنین نکشته ام . سعید فرمود : تو دنیای مرا تباه کردی و آخرتت را تباه می نمایم . حجّاج به نگهبانان گفت : منتظر چه چیزی هستید فوری او را بگیرید وقتی نگهبانان او را کشان کشان می بردند ، سعید بن جبیر می خندید . حجّاج گفت : برای چه می خندی ؟ سعید فرمود : به گستاخی تو نسبت به خدا و صبر خداوند نسبت به تو ! حجّاج گفت : سرش را بزنید . سعید فرمود : مرا به طرف قبله برگردانید ، رو به قبله ایستاد و فرمود : پروردگارا همانطور که می دانی از مسلمانان هستم و از مشرکان نیستم . حجّاج با عصبانیّت گفت : رویش را از قبله برگردانید .

سعید فرمود : ﴿ وَ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ ﴾ بقره / ۱۱۵

حجّاج گفت : صورتش را به روی زمین کنید . سعید فرمود : ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ﴾ طه / ۵۵

سـپس حجّـاج گفـت : سـرش را ببریـد . سـعید شـهید شـد در حالیکـه از زبـانش قـرآن جـاری مـی شـد و هـر شـب بعـد از شـهادت سـعید بـن جَبیـر حجّـاج کـابوس هـای وحشـتناک مـی دیـد و مـی گفـت : بـرای چـه مـن ظـالم سـعید بـی گنـاه را کشـتم . حضـرت ابـو عبیـده بـن جـرّاح از رسـول خـدا سـوال کـرد بزرگتـرین و افضـل تـرین کـار نـزد خـدا چیسـت ؟ فرمـود: ایـن اسـت کـه بـروی پـیش پادشـاه و یـا رهبـر ظـالم و بـه او انتقـاد و نصـیحت کنـی و بدانیکه تو را خواهد کشت.

ای مردم شکیبا باشید تمام دنیا و ما فیها رنج و زحمت است و خلاف آن نا ممکن است و هیچ نعمتی نیست که کنار آن رنج و مصیبتی نباشد ، هیچ گشایشی نیست مگر آنکه قبل تنگنایی قرار داشت ﴿ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴾ [1]

هیچ عملی در دنیا نیست جُز آنکه خداوند آنرا با زحمت کشیدن مخلوط کرده ، به دنیا آوردن بچه مساوی رنج کشیدن مادر و دلهرگی پدر است و پیامبر اکرم فرموده هر ماری که درد زایمان را تحمل کند و بر آن صبر نماید رتبه شهید معنوی به او داده می شود[2] ، کسب و درآمد مساوی تلف انرژی و ریختن عرق از پیشانی است ، لذّت در پر خوری مساوی بیماری های معده و رفتن به بیمارستان ها است ، لذّت بردن ، همراه خانواده نیست چون روزی مرگی که در کمین است همه آنها را یکی پس از دیگری شکار می کند و خاطرات تلخ و شیرین آنها را بجا می گذارد . پس روزی خود را طبق موازین شرعی بدست آوردید ، ریاکار لباسش پاک است امّا قلبش نجس است ، لباس ریا را در بیاورید و عّریان شوید تا خداوند متعال لباس تقوا و اخلاص را به شما بپوشاند .

وای برتو در لُقمه هایت ریزه های شیشه وجود دارد و تو از آن بی خبری و تو از روی آز و شهوت نفس ، آن را می خوری و بعد از ساعتی می فهمی که معده ات پاره شده !

وای برتو چرا حرام یا اموال ایتام را ذرّه ذرّه در غذایت مخلوط می کنی در حالیکه از آن با خبری آیا نمی دانی خوردن مال حرام و مال یتیم مانند خوردن تکّه های آتش می باشد .

نفس خود را با تازیانهٔ گرسنگی تنبیه کن و از لذایذ باردار و دلت را با تازیانه خوف بزن و از غیر الله باز دار و این را بدانکه روزهٔ زاهد خودداری از خوردن و آشامیدن است افطارش با غذا و آب است و روزهٔ عارف خودداری از غیر خدا و

---

[1] سوره بلد/٤. یعنی(به راستی ما انسان را درسختی خلق کردیم).
[2] لؤلؤ و المرجان حدیث / ١٢٤٨

دنیاســت و افطــارش بــا لقــای الله اســت و مــوٌمن در دنیــا غریــب اســت و منــافق در آخــرت غریــب اســت ، روح مــوٌمن بــزرگ اســت و لهــذا دنیــا بــرایش کوچــک و زنــدان اســت و روح منافق کوچک و خوار است و لهذا دنیا برایش وسیع و بهشت می باشد .

(تاثیر الوان)

رنگهــا تــاثیر بســزایی بــر زنــدگی انســان مــی گذارنــد ، بطوریکــه هــر کــس کــه بــر این تاثیرها آگاهی داشته باشد می تواند خود را به شیوه های مختلف درمان کند .

روانشاســی بنــام اردشــام مــی گویــد : رنــگ قرمــز احســاس گرمــا را در انســان تحریــک مــی کنــد و رنــگ آبــی احســاس ســرما را بــر انســان مــی آورد و رنــگ زرد انســان را وادار بــه حرکــت مــی کنــد و رنــگ ســیاه احســاس ســکون و نــاراحتی را در انســان بوجود می آورد و رنگ سفید رنگ سبکی و بی گناهی است .

پیــامبر اکــرم صــل علیــه الله وســلم) در حــدیث صــحیحش مــی فرمایــد:« **أَلْبِسُــوهَا احیــاکم وَ کفنــوا فِیهَــا امــواتکم** »[1]: لبــاس ســفید را بــر زنــدگانتان بپوشــانید وبــا آن مردگــان خود را کفن کنید.

یکــی از دلایلــی کــه کفــن بایــد ســفید باشــد ایــن اســت کــه خداونــد مــی خواهــد روح انســان هنگــام بازگشــت بــه ســوی پروردگــارشماننــد کفــن، ســفید ودور از گنــاه وســیاهی باشد.

وامــا رنــگ ســبز کــه قــرآن کــریم از آن بیشــتر بــرای توصــیف بهشــت بکــار بــرده است

﴿ مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ﴾ الرحمن/٧٦.

بهشــتیان بــر تختهــایی تکیــه زده انــد کــه بــا بهتــرین وزیبــاترین پارچــه هــای ســبز پیچیده شده است.

[1] احیاء العلوم الدین/ج٢.

وانـــواع دیگـــر آیـــات: درختـــان ســـبز،حورهای ســـبز لبـــاس و غیـــره.... چـــون رنـــگ ســـبز عشـــق ومحبـــت را تحریـــک مـــی کنـــد وحتـــی در بیمارســـتان نیـــز رنـــگ تختهـــا وجـــراح ها برای شفای زود تر از رنگ سبز می باشد.

- در لنـــدن پایتخـــت انگلـــیس پلـــی وجـــود دارد بنـــام «بـــلاک فرایـــر» یعنـــی: پـــل ســـیاه. ایـــن پـــل محـــل خودکشـــی بســـیاری از انســـانهایی بودکـــه از زنـــدگی ســـیر شـــده بودنـــد ولـــی دانشـــمندان رونشـــناس بـــا زدن رنـــگ ســـبز بـــه پـــل «قـــرین فرایـــر» بـــه علـــت تحریـــک عشـــق ومحبـــت در وجودشـــان بـــه شـــکل قابـــل تـــوجهی خودکشـــیها کـــاهش یافـــت ومیـــل بـــه زنـــدگی افزایش یافت

(خواص رنگ ها)

رنـــگ آبـــی: فرکـــانس رنـــگ آبـــی٤٤٥ مـــی باشـــد وطـــول مـــوج رنـــگ قرمـــز زیـــاد اســـت ورنـــگ ســـبز طـــول مـــوج متوســـطی دارد. رنـــگ آبـــی بـــرای احســـاس ســـرما ونـــاراحتی هـــای عصـــبی مفیـــد اســـت وبـــرای مبـــارزه بـــا چشـــم زخـــم بســـیار عـــالی اســـت چـــون انـــرژی های منفی ساتر شده از چشم حسودان را خنثی می نماید، برعکس رنگ قرمز.

رنـــگ زرد: باعـــث ایجـــاد خوشـــرویی وایجـــاد حـــالات روحـــانی مـــی شـــود قـــرآن کـــریم رنگ زرد را مسرت بخش وخیره کننده چشم ها معرفی نموده است.

رنگ سبز: قاطع فشار خون وشاد کننده وتحریک کننده عشق و محبت است.

رنـــگ ســـفید: علامـــت پـــاکی وگریزاننـــده میکروبهـــا وکـــادر پزشـــکی و بیمارســـتانها نیـــز از رنـــگ ســـفید مـــی باشـــد وکســـیکه لبـــاس ســـفید مـــی پوشـــد صـــداقت خاصـــی دارد واز دورغ گفتن دور است.

رنـــگ قرمـــز: افـــزایش دهنـــده فشـــارخون وافزاینـــده انـــرژی ومحـــرک نیـــروی جنســـی ونیـــرو بخـــش متابولیســـم بـــدن وگـــرم کننـــده آن بـــه علـــت تســـریع گـــردش خـــون در رگهـــای بـــدن اســـت. و روانشناســـان بـــرای ســـوپر مارکتهـــا وســـاندویچ فروشـــی هـــا توصـــیه مـــی کننـــد کـــه از رنـــگ جـــذاب قرمـــز اســـتفاده نماینـــد چـــون رنـــگ قرمـــز مشـــتری را فـــوری جـــذب مـــی

کند وفوری هم از مغازه دفع می نماید وباعث عدم شلوغ شدن داخل مغازه می شود.
رنگ قرمزباطول موج۵۷۰ مداوا کننده بیماریهای پوستی، زخم ومخملک می باشد.

رنگ سیاه: که از نظر شرع مقدس اسلام پوشیدنش کراهت دارد. رنگ سیاه کنده فعالیت وسست کننده بدن ونیروهای جوانی است.

رنگ بنفش: دارای اشعه الکتروشیمیایی قوی می باشد وقلب، ریه وعروق بدن را مقاوم تر می کند وناراحتی های عصبی را تسکین می دهد.

رنگ نارنجی: اشتها آور، تحریک کننده، آرام بخش ومسکن قوی برای اکثر دردها می باشد.[1]

(خنده)

کسی را که با خندیدن فراموش می کنی هرگز آنکس را باگریه کردن نمی توانی فراموش منی. خنده از شیطان است وقهقه دل را می میراند و گریه در خلوت برای خدا دل را روشن می گرداند. حضرت حسن بصری می گوید: تعجب می کنم از کسیکه می خنده در حالیکه جهنم جلوی اوست واز کسیکه قهقه می کند در حالیکه مرگ پیش روی اوست

پیامبر اکرم صل علیه الله وسلم) در حدیث صحیحش می فرماید وای بر کسیکه به دورغ حرفی بزند تا مردم بخندند وای براو وای براو.[2]

حضرت علی(کرم الله وجه) می فرماید: کسیکه شوخی می کند ومی خنداند کمی از عقلش بریده می شود. حضرت عمر به احنف بن قیس فرمود: هرکس که زیاد بخندد هیبتش کم میگردد، هرکس شوخی کند حقیر می شود، هرکس کاری را زیاد انجام دهد با آن مشهور می شود وهرکس زیاد حرف بزند خوارمی شود وشخص خوار همیشه بد نام است.

---

[1] دکتر شفابخش/ بخش رنگ درمانی/ تالیف بابک محمودی.
[2] صحیح ترمذی.

قوله تعال: ﴿فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ١﴾

(مرض های خنده)

کسی که زیاد وبا قهقهه بخندد به آفتهای زیر مبتلا می شود ۱- در نزد خداوند بی مقدار می شود۲- کودکان وجاهلان براو جرات پیدا می کنند۳- باعث گم شدن علمش می شود ودر حدیث آمده وقتیکه عالمی می خندد نصف عملش گم می گردد ٤- با خنده زیاد یاد مرگ وذکر خدا از بین می رود٥- خنده زیاد در دنیا باعث گریه آخرت می شود٦- از خنده او دیگران می خندند وگناه آنها بعد از خودشان به گردن اولی است. پیامبر اکرم صل علیه الله وسلم) در حدیث صحیحش می فرماید: هرکس زیاد وبیهوده بخندد به ده عقوبت دچارمی شود۱- قلبش می میرد۲- آبرویش پایمال می گردد۳- شیطان خوشحال می شود٤- خداوند غضبناک می گردد ٥- مورد ستیز مردم قرار می گیرد٦- مورد نفرین فرشتگان قرار می گیرد۷- اهل آسمان وزمین از او متنفر می شوند۸- همه چیز را فراموش می کند۹- پیامبر صل علیه الله وسلم) در قیامت از او روی برمی گرداند ۱۰- ودر روز بزرگ قیامت حقیر ومفتضح می شود.[۲]

حضرت علی(کرم الله وجه) می فرماید « **كثرة الْمِزَاحِ تَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ** ». یعنی: شوخی آبروی شخص را می برد. وباز می فرماید: « **القهقة مي الشَّيْطَانِ وَ التَّبَسُّمُ مِنْ اللَّهِ** » یعنی: خندء همراه با قهقه از شیطان است وتبسم از جانب خداوند است.

[۱] (بگذار دراین جهان براثر مسخره کردن مومنان) اندکی بخندند و (اما لازم است بدانند که باید در آن جهان بسیار گریه کنند، این جزای کارهائی است که می کنند.

[۲] معالجه اخلاق/ج دوم۱۳۹۲/ تالیف بابک محمودی.

(رزق)

﴿ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾- خداوند روزی دهنده وصاحب قدرت وقوت است. **﴿ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَايَحْتَسِبُ ﴾** - از طريقی كه گمان نمی كند رزقش را می رساند. بدون شک هيچ حيوانی از گرسنگی نمرده است.

در جستجوی رزق بايد طالب شد(كه از خداست) نه اينكه كاشف شد(از كجا می آيد). از حضرت علی بن ابی طالب(كرم الله وجه) پرسيده شد:« **كيف يُحَاسِبُ اللَّهُ الْخَلْقَ عَلَيَّ كثرتهم ؟**» چگونه خداوند مخلوقاتش را با آنكه زيادند محاسبه می كند؟ فرمود: كما يرزقهم علی كثرتهم:يعنی: همانگونه كه زيادند رزقشان را می رساند. باز پرسيدند: « **كيف يُحَاسِبُ اللَّهُ الْخَلْقَ عَلَيَّ كثرتهم ؟**» چگونه مخلوقاتش را محاسبه می كند با آنكه آنها را نمی بينند؟ « **فَقِيلَ كما يَرَوْنَهُمْ وَ لاَ يَرَوْنَهُمْ** » - فرمود: همانطور كه نديده رزقشان را می رساند .[1]

الرزق رزقان. رزق دو نوع است١- رزقی كه دنبالش می دوی٢- رزقی كه دوبنالت می دود. هر كس طالب دنيا گردد مرگش دنبالش می افتد تا جانش را بربايد. وهركس دنبال آخرت باشد دنيا دنبالش می افتد تا رزقش را برساند.

– بسيارند كسانيكه هنگام راه رفتن يا وارد شده به تالارهای عروسی جان خود را بايک سكته معمولی از دست می دهند، وكسی نيز بوده كه در زلزل بم زير آوار چهل شبانه روز می ماند ولی خداوند رزقش را می ساند ونمی گذارد كه بميرد.

- خداوند كسی است كه اگر از دريای خزائنش به همه ببخشد بار ذره ای از مقدار خزائنش كم نمی شود واگر به كسی چيزی هم نبخشد باز به مقدار خرائنش چيزی افزوده نميشود.

[1] نهج البلاغه/ صفحه٢٣٦

از حضـــرت علی(کــرم الله وجـــه) پرســـیدند: اگـــر کســـی را در خانـــه ای زنـــدانی کننــد ودر وپنجــره هــا را بــر رویــش ببندنــد رزقــش چگونـــه مـــی رســد؟ فرمــود: از طریــق مرگش! یعنی تا خدا نخواهد کسی را نمی میراند.

روزی حضــرت ســلیمان(علیه الســلام) از خداونــد خواســت کـــه بــه او زبـــانی بدهــد کــه زبــان حیوانــات را خــوب بفهمــد، ایــن دعــای او قبــول شــد ســپس از خداونــد خواســت کــه مهمـــانی بـــزرگ را ترتیـــب دهـــد وهمــــه موجـــودات را بــــه ناهـــار دعـــوت نمایـــد. خداونـــد فرمــود: ایــن کـــار از حیطـــه تـــو خـــارج اســت، امـــا ســـلیمان اســـرار کـــرد. ســـرانجام خداونـــد خواسته اش را قبول نمود.

– حضـــــرت ســـــلیمان مهمـــــانی بزرگـــــی را ترتیـــــب داد تـــــا ار همـــــه حیوانـــــات وموجــودات اســتقبال لازم را بــه عمــل آورد، ناگهـــان نهنـــگ بزرگـــی از دریـــا خـــارج شـــد وبســـوی عـــذاها خـــود را پـــرت کـــرد وتمـــام غـــذاها را قـــورت داد. حضـــرت ســـلیمان بـــا تعجــب پرســـید: چـــرا همـــه غـــذاهای مهمانهـــا را خـــوردی؟ نهنـــگ زبـــان بـــاز کـــرد وگفـــت خداونــد عـــالم اســت وبــرای مـــن روزی ســه قـــورت غـــذا معـــین کـــرده وایـــن غـــذاهایی را کـــه مـــن خـــوردم تنهـــا نـــیم قـــورت از ســـه قـــورت مـــن بـــود وهنـــوز دو و نـــیم قـــورت دیگـــر بـــاقی مانده است

ســلیمان(علیه الســلام) در آنجــا بــود کـــه فهمیـــد کســـی جـــز خـــدای متعـــال نمـــی توانـــد رزق موداتش را برساند.

– نـــوعی مـــاهی در اقیـــانوس هـــا زنـــدگی کـــی کنـــد کـــه هـــر شـــش مـــاه ۱۸۰۰۰ تخـــم مـــی گـــذارد و در داخـــل دریاهـــا۱۸۰۰۰ نـــوع مـــاهی وجـــود دارد کـــه اگـــر دقـــت نمـــاییم جمعیـــت۱۰۰ نـــوع مـــاهی از جمعیـــت تمـــام انســـانهای روی کـــره زمـــین بیشـــتر اســـت. در حالیکــه انســان هنگــام زایمــام یـــک یـــا دو بچـــه فقـــط مـــی توانـــد بـــه دنیـــا بیـــاورد یـــا اینکـــه مـــرد عقــیم وزن نـــازا اســـت وتـــاآخر عمرشـــان نمـــی تواننـــد بچـــه دار شـــوند وجمعیـــت انســـانها در جهان در میان موجودات کمترین تعداد را به خود اختصاص داده است.

– پـــس چگونـــه انســـان بـــه خـــود اجـــازه مـــی دهـــد کـــه در مـــورد رزاقیـــت خداونـــد متعـــال ذره ای شـــک نمایـــد چـــرا کـــه خداونـــد رزق انســـان را در داخـــل ســـه لایـــه تاریـــک

رحم می رساند پس چگونه ممکن است رزق انسانی که صحیح و سالم روی زمین حرکت می کند را نرساند؟!

(دسته بندی مردم در عقیده به رزق)

مردم در عقیده به رزق به چهار دسته تقسیم می شوند:

۱ - گروه اول گمان می کنند که رزق همان کسب وکار است. این گروه کافران هستند. ۲ – گروه دوم گمان می کنند که رزق دهنده هم خداست وهم کسب وزور بازو این گروه مشرکان هستند.

۳ – عده ای می گویند رزق دهنده خداست ولی کمی به عقیده خود شک داردند. این گروه منافقان هستند. ٤- و گروه چهارم عقیده دارند که رازق تنها خداست وکسب سبب رزق آنهاست این دسته مومنان هستند که احسنت به این گروه ﴿ وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ﴾ [1] و روزی شما در آسمانها است وآنچه به شما وعده داده می شود.

– اعتقاد صحیح به خدا در دنیا بسیار مهم است چون زندگی در زمین با مردم است وزندگی مردم با وجود است و وجود انسان همراه با روح است وزندگی روح با عقل است وزندگی عقل با علم است وزندگی علم با عمل است و زندگی عمل با اعتقاد است واگر عقیده آلوده به شرک وناخالصی باشد تباه کننده اعمال واخلاص می باشد.

پاک ومنزه است خداوندی که روزی دهنده است همان خدایی که روزی کرم را در لابه لاب خاک وروزی ماهی ها را در میان آب و مورچه ها را در زیر خاک وروزی پردگان را در هوا ورزق مورچه ها را در تاریکی زمین می رساند.

ابن جوزی می گوید: مار کوری بود که در لابه لای درخت خرمایی بود وگنجشکی تکه گوشتی به دهان می گرفت وهنگام بالا رفتن از درخت به مار

[1] سوره مبارکه ذاریات/۲۲

نزدیک می شد وجیک جیک می کرد، آنگاه مار دهانش را باز می کرد وگنجشک تکه گوشتها را به دهانش می انداخت.۲ پس پاک ومنزه است خدایی که گنجشک را واسطه رزق مار قرار می دهد وماری که در زیر دو دندانش زهر کشده وجود دارد چگونه به او رزق می رسد وزنده می ماند. – روباهی در منطقه ای زندگی می کرد که به صورت مادرزادی دست و پا نداشت وشیری شکاری می گرفت ونزدیکی او می خورد وباقی مانده اش را برای او می گذاشت.[1]

﴿ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴾ [2]

– یعنی: وهیچ جنبنده ای روی زمین نیست وهیچ پرنده ای که دو بالش را به پرواز درمی آورد مگر انیکه گروه های از شما هستند که خدا روزی آنها را می دهد.

رزق حضرت مریم مقدس در محرابش فراهم می شد واز او پرسیده شد این رزق پاک از کجا می آید> می فرمود» خدا به هر کس که بخواهد بدون حساب رزق می دهد ﴿يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ﴾ [3]

(حرام بودن گدایی)

عوف بن مالک اشتری گفت: نزد رسول الله صل علیه الله وسلم) نه نفر بودیم که ناگهان فرمود: آیا با من بیعت نمی کند؟ گفتیم برای چه چیزی؟ فرمود: بر چهار چیز: ۱- عدم شرک به خداوند ۲- ادای نمازهای پنج گانه ۳- دادن زکات وصدقه وچهارمی را به خاطر مهم بودنش مخفیانه وگوش ما گفت که عدم سوال وگدایی کردن ۱. حاضران در آن لحظه بسیار از سوال وگدایی نفرت پیدا کردند حتی حاضر نبودند هنگام که افسار شترشان می افتاد از کسی بپرسند که آن کجاست؟ آیا

---

[1] لاتحزن/ دکتر عائض القرنی.
[2] سوره انعام/۳۸.
[3] سوره طلاق/۳ یعنی؟و به او از جائی که تصورش نمی کند روزی می رساند)

ندیده اید ضمناً در صفحات قبل (صفحه٦٢) گفتیم که گدایی کردن یکی از عوامل افزایش فقر وکاهش رزق وروزی می باشد چهار نفر می توانند گدایی کنند:۱ – کسیکه از گرسنگی نزدیک است هلاک شود ۲- کسیکه خانه اش آتش گرفته است ۳- کسیکه به بیماری ناعلاج دچار شده است ٤- کسیکه بسیار ناتوان وفقیر شده ودرآمدی ندارد.

(دعا)

شخصی درستکاری بود که همه او را دوست داشتند ودعا کردن اوبا دعای افراد دیگر کاملاً متفاوت بود یک روز سیلی آمد وهمه اهالی آن شهر،شهررا ترک کردند جز تو. همسایه اش آمد وبه او گفت: بیا بامن برویم و این شهر نا امن را فوری ترک نماییم ولی او از جایش تکان نخورد و گفت: خدا مرا نجات خواهد داد. بعداز رفتن همسایه اش سیل شدیدتر شد و او در سیل ماند. ناگهان شخصی با قایق آمد و گفت: دستت را به من بده تا غرق نشوی! او گفت من دعا کرده ام و خدا مرا نجات خواهد داد. بقدری آب بالا آمد که نزدیک بود غرق شود در این حین دوستان با هلی کوپتر آمد و طناب انداخت و او را صدا زد ولی او قبول نکرد و گفت: خدا مرا نجات خواهد داد! در این هنگام غرق شد و خداوند جانش را گرفت بعداز مرگ از خدا شکایت کرد و گفت خدایا من اینقدر در قلبم دعا کردم پس چرا دعاهای من را قبول نکردی؟

خداوند فرمود: تو دعا کردی من همسایه ات را فرستادم، باز دعا کردی من قایقی را برای نجات فرستادم، بارسوم دعا کردی من برای نجاتت دوستت را با هلی کوپتر فرستادم باز قبول نکردی! حالا من الله ناحقم یا توی بنده مغرور!؟حکیمی می گوید: دعا کنید ولی پارو زدن را هم فراموش نکنید.

روزی شخصی پیش موسی(علیه السلام) آمد و گفت: یا موسی هرچقدر دعا می کنم خداوند قبول نمی کند علت چیست؟فرمود: اگر چیزی را که برای خود می خواهی برای دیگران نیز طلب کن حتما دعایت قبول خواهد شد. آن مرد حسود گفت: پس من نه به خودم و نه به دیگران دعا خواهم کرد.

روزی حضـــرت موســـی(علیه الســـلام) از جـــایی گـــذر مـــی کردنـــد شخصـــی را دیـــد کـــه مرتـــب دعـــا مـــی کنـــد ولـــی دعـــایش قبـــول نمـــی شـــود، فرمـــود: پروردگـــارا چـــرا دعـــا هـــای اورا قبـــول نمـــی کنـــی؟ خداونـــد فرمـــود: ایـــن شـــخص یـــک گوســـفندی دارد کـــه هنگـــام دعـــا کـــردن فکـــرش کـــاملا پـــیش گوســـفندش اســـت و مـــن دعـــای کســـی را قبـــول مـــی کـــنم کـــه هنگـــام دعـــا همـــه فکـــر و ذهـــنش پـــیش مـــن باشـــد. حضـــرت موســـی ایـــن خبـــر را بـــه مـــرد گفـــت و او چنین کرد و دعاهایش مستجاب شد.

در حـــدیثی آمـــده کـــه هـــرکس ذره ای حـــرام بـــه مـــالش مخلـــوط کنـــد دعـــا و نمـــازش تـــا چهل روز قبول نخواهد شد.

دعاهـــا در مســـتجاب شـــدن چهـــار نـــوع هســـتند : دســـته اول: دعاهـــای هســـتند کـــه در طـــی چنـــد روز مســـتجاب مـــی شـــوند: ماننـــد دعـــای شـــرپدر و مـــادر علیـــه فرزنـــد خـــود، دعـــای مظلـــوم بـــر ظـــالم و دعـــای زنـــدانی بـــی گنـــاه . دســـته دوم: دعاهـــایی هســـتند کـــه بعـــد از گـــذر چنـــد مـــاه مســـتجاب مـــی شـــوند ماننـــد دعـــای پیـــامبر بـــر هـــدایت شـــدن کفـــارو مشـــرکین مکـــه کـــه بعـــداز چنـــد مـــاه قلبشـــان بـــه ایمـــان آوردن نـــرم مـــی شـــود. دســـته ســـوم: دعاهـــایی هســـتند کـــه بعـــداز گـــذر چنـــدین ســـال مســـتحاب مـــی شـــوند. ماننـــد دعـــای حضـــرت موســـی علیـــه فرعـــون کـــه وقتـــی دعـــا کـــرد هـــارون بـــرادرش گفـــت: آمـــین. کـــه بعـــداز چهـــل ســـال همـــان ســـاعت فرعـــون در دریـــا غـــرق شـــد. و دســـته چهـــارم : دعاهـــایی هســـتند کـــه در دنیـــا اصـــلا مســـتجاب نمـــی شـــوند بلکـــه در آخـــرت اجابـــت مـــی شـــوند و درحـــدیثی آمـــده: اگـــر مـــومن بدانـــد کـــه دعـــای کســـیکه در دنیـــا مســـتجاب نمـــی شـــود چـــه پاداشـــی بـــه او در قیامـــت داده مـــی شود دعا می کند که هرگز هیچ دعایش در دنیا مستحاب نشود.

شخصـــی پـــیش عـــالمی آمـــد و گفـــت : چـــرا دعاهـــای مـــا مســـتجاب نمـــی شـــود؟ عـــالم جـــواب داد: بـــه خـــاطر هفـــت علـــت: ۱ _کثـــرت گناهـــان ۲ _غیـــب ۳ _ســـخن چینـــی ۴ _در زبـــان حـــب رســـول الله ودر قلـــب عمـــل دشـــمن رســـول الله ۵ _صـــاف نبـــودن قلـــب ۶ _ عدم دعا به دیگران در دعاها خوردن ۷ _مال حرام

(تقدیر)

در حدیث صحیح آمده که: خداوند متعال تقدیر بندگانش را پنجاه هزار سال قبل از آفرینش،

نوشته است و مکتوب گذاشته است و جز خدا احدی از آن خبر ندارد.

﴿ وَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ ﴾ [۱]

و هر چیزی نزد خداوند متعال به مقدار مشخص می باشد.

روزی شیخ بزرگی برای شکار رفتن از جنگلی می گذشت. دید که مردی زیر درختی دراز کشیده و خوابیده که ناگهان ماری بدون سر و صدا وارد دهان و بدن او شد. شیخ بلافاصله نزد او رفت و به او تازیانه زد و گفت: ای همشهری بلند شو و فرار کن و سوال نکن ولی مرد به شیخ ناسزا گفت که چرا او را می زند ولی شیخ بدون صبر او را می زد تا اینکه هردو زیر درختی رسیدند. و زیر درخت میوه های گندیده وجود داشت. شیخ گفت: فوری از میوه های گندیده بخور! دوباره تازیانه زد و گفت: باید دوباره بخوری! آن مرد حیرت زده شده بود و مرتب می گفت: حکمت این کار زشت توچیست؟ شیخ بار سوم تازیانه را بر سر او فرود آورد و گفت: باید مسافت زیادی را بدوی! وقتیکه مرد شروع به دویدن کرد، استفراغ کرد و مار بزرگی از دهان او بیرون آمد. آن مرد از شیخ عذرخواهی کرد ولی گفت: چرا از اول بهمن نگفتی که ماری به شکمم وارد شده است؟

شیخ شکارچی گفت: اگر به تو می گفتم ماری درشکمت بود آیا حاضر می شدی که بدوی؟ پس نگفتم تا ندانی و در آخرکار بدانی! بعضی چیزها مقدر شده در

---

[۱] سوره رعد/۸ یعنی:(هر چیزی در نزد او به مقدار و میزان وجود دارد(و از اندازه معین و حساب مشخص برخوردار است).

دنیا برای انسان از جانب خداوند متعال، در ظاهر امر ممکن است به ضرر ما تمام شود ولی در حقیقت به نفع ماست.

شکر شیرین است ولی دندانها را خراب می کند، گیاه دارویی تلخ است اما شفا می دهد، سختگیری معلم ناگوار ولی نمره گرفته شده مطلوب است، حجامت کردن، انسان را در ظاهر مجروح می کند در حالیکه خون اضافه را بیرون می کند و ۷۰ فایده را به ارمغان می آورد که قوت حافظه و افزایش نیروی چشم یکی از آنهاست، پرداخت زکات در ظاهر مشکل است ولی مانند خود حجامت شده بدن، کثافات و ناخالصی های مال و ثروت را می شوید و فوت کردن عزیزی در دنیا یا از دست دادن بچه کودک در ظاهر مشکل و سخت است اما همین تلخی باعث شیرینی در عالم آخرت برای پدر و مادر می شود و خداوند به خاطر زجر و صبر نسبت به از دست دادن بچه آنها را قبل از فرزندانشان داخل بهشت می نماید به شرط اینکه صبر کنند و از تقدیر شکایت نکنند.

شخصی زیر درخت گردویی نشسته بود و به شاخه های آن نگاه می کرد واز خدا پرسید: چرا درخت گردو را به این بزرگی خلق کردی و میوه هایش را کوچک نموده ای در حالیکه هندوانه بوته اش کوچک است ولی میوه هایش صد برابر گردو می باشد؟ ناگهان گردویی از بالای درخت بر سر آن مرد افتاد، آنمرد فوری به سجده افتاد و گفت: خدایا تو را شکر میکنم چون اگر گردو مانند هندوانه بزرگ بود حتما الان مرده بودم!

روزی یکی از پیامبران بنی اسرائیل از جایی گذر می کرد، ناگهان مرد فقیری را دید که زیر آوار مانده و به شکل وحشتناکی مورد حمله سگها قرار گرفته. از خداوند حکمت کارش را پرسید ؟ خداوند حکیم در جواب فرمود: آنمرد فقیری را که دیدی مرتب از من مقام اعلی و بهشت فردوس را طلب می کرد در حالیکه گناهان زیادی داشت و به این مقام توانایی رسیدن را نداشت به همین جهت او را زیر آوار گرفتار کردم و سگها را بر او مسلط نمودم تا کفاره گناهانش باشد و به مقامی که می خواست دست

یابد. این قضا وقدر بود که حضرت علی(کرم الله وجه) با شمشیر سنی به شهادت برسد و حضرت عمر با چاقوی سنی ترور گردد.[۱]

- اهل غفلت به هیچ وجه حق ندارند از قضا و قدر الهی صحبت کنند چون نفس آنها از اشتباهاتشان دفاع می کند و خطاها را به گردن خدا می اندازند.

- ایمان به قضا و قدر، انسان را وارد دریای آرامش و لذت می کند و بلاهای وارد شده به انسان را خوشایندتر می نماید.

- مسلمانان صدر اسلام را ایمان به قضا و قدر که یکی از اصول بزرگ ایمان است شاد و قوی کرده بود که به جای ترس از مرگ از آن استقبال می کردند.

- دکتری از فرانسه بنام رابرت برای تفریح و گردش به آفریقای جنوبی رفته بود و در آنجا گروهی ساده با ریش های بلندی را دید که روحشان توام با آرامش بود، بله آنها مسلمان بودند. دکتر رابرت می گوید در اثنای راه چند نفر از آن مسلمانها را سوار ماشینم کردم، ناگهان طوفان شدیدی شروع به وزیدن گرفت و من کلا`باد را لعن و نفرین کردم در حالیکه آنها را دیدم به جای لعن به من می گویند پیامبر فرمود: دنیا و زمانه را فحش ندهید مثل اینست که به خدا فحش می دهید. بعد از کمی تایر ماشینم پنجر شد و پیاده شدم و با عصبانیت نگاه محکمی به ماشینم زدم، آنها به من گفتند: صبر کن ان الله مع الصابرین : صبر کن خدا با صبر کنندگان است.

دکتر رابرت که متخصص بیماری های روانی بود در آنجا گفت: تازه دانسته ام که من بیمار و روانیم و آنها دکتر و معالج و فهمیدم که قرآن و پیامبر، داروهای سلامتی و روانی هرکسی هستند ولی امروزه مردم آنها را به دور انداخته اند و به استقبال داروهای شیمیایی رفته اند.

دکتر رابرت در آنجا اسلام خود را اقرار کرد و مسلمان به مملکت خود برگشت.

---

[۱] آرامش قلب ها/تالیف دکتر عمرو خالد

- ای نفس! سرکش و ای هوس کشنده اگر به دنیا اشتیاق پیدا کنی از مرگ فرار می کنی! حتی برخی زندگی از اول تا آخر را مساوی یک عشر(یک دهم دقیقه دانسته اند.

- ای نفس! سرکش تو که از ازل نبودی و تا ابد نیز نخواهی ماند پس این چند روز میان ازل و ابد چند است که مانند مگس چهل روزه و پروانه هفتگی به آن افتخار می کنی!؟

- ای نفس! سعی کن هرگز در زندگی اشتباه نکنی چون خودکار بیک را ۲۰۰تومان می خری و لاک غلط گیر را ۸۰۰ تومان می خری! حتی اشتباه کردن روی یک کاغذ سفید نیز برایت گران تمام می شود.

(ترحم خدا)

- خداوند رحیم و غفور ۱۰۰ مرتبه رحمت دارد و هنوز هم کسی ندانسته که هر مرتبه از صد رحمتش تا چه اندازه بزرگ و وسیع است؟

- خداوند یک رحمت از صد رحمت خود را به جهان آفرینش نازل کرده که اینقدر نزول باران بر سر کفار است، قلب مشرکان بدون گرفتگی می زند، قدم فاسقان و مشروب خواران به سنگ برخورد نمی کند، زندگی زناکاران با خوشی سپری می شود، شیر درنده به بچه های خود شیر می دهد، مار سمی بچه های خود را حمل می کند، عقرب خطرناک فرزندش را در پشتش می برد و گرگ وحشی به بچه گوسفند حمله ناگهانی نمی کند.

۹۹رحم خداوند برای قیامت پس انداز شده تا با آن بنده های مومن و بی گناه خود را مغفرت نماید.

وقتی آیه ﴿و وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾ نازل گشت، شیطان گفت: من نیز به رحمت الهی امیدوارم، یهود و نصاری نیز امیدوار شدند. وقتیکه قسمت دوم آیه نازل شد ﴿ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴾

یعنی: کسانیکه از شرک بپرهیزند و زکات بدهند و به آیات ما ایمان بیاورند. شیطان ناامید گشت و وقتیکه قسمت سوم آیه نازل شد ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ ﴾ [1] یعنی : کسانیکه از پیامبر امی

پیروی کنند یهودی ها و نصرانی ها نا امید شدند به این ترتیب مومن باید راضی و شکر گزار خداوند متعال باشد.

روزی صحابه در حال خندیدن بودند، ناگهان پیامبر صل الله علیه و سلم فرمود: شما می خندید در حالیکه جهنم پشت سر شماست، دوست ندارم شنا را در این حالت ببینم، صحابه بعد از آن ، چنان ساکت ماندند گویا اینکه پرنده ای بالای سر آنهاست. سپس فرمود: می توانید خوشحال باشید چون الان جبرئیل بر من نازل شد و از جانب خداوند پیام آورد که تو بندگانم را از رحمتم ناامید ساختی در حالیکه من غفور و مهربانم و در عین حال عذابم نیز سخت و ناگوار است.

پیامبر اکرم (صل الله علیه و اله وسلم) فرمود: به اذن خداوند متعال شفاعت من شامل گناه کاران امتم می شود.

در حدیثی آمده : گناهکاری را روانه جهنم می کردند و آن گناهکار به پشت سرش نگاه کرد ، خداوند متعال به فرشتگانش فرمود: او به پشت سرش نگاه کرد، او به رحمت من امیدوار بود من او را بخشیدم پس او را وارد بهشت نمایید.

- جبرئیل فرمود: مردی بود که سیصد سال خالصانه خداوند متعال را عبادت کرد و سپس از خداوند متعال خواست تا او را در حال سجده بمیراند، زمانیکه نزد خدا رفت با عجب و افتخار گفت: پروردگارا با اعمال من با من رفتار کن سپس مرا وارد بهشت کن! خداوند متعال سیصد عبادت او را به سه تا لیوان پر از آب تبدیل کرد و حرارت جهنم را به او نشان داد. او بقدری تشنه شد که لیوان اولی را خورد، خداوند فرمود: صد سال عبادت خود را خوردی سپس حرارت دوزخ به او مهلت نداد او لیوان دیگرش را نیز خورد خداوند فرمود: دویست سال عبادتت را هم خوردی!

---

[1] سوره اعراف/۱۵۷-۱۵۶

سپس به او فرمود: چه کسی تو را هدایت کرد؟ چه کسی تو را در حال سجده جانت را گرفت ؟ مرد عابد گریه کرد و عاجز ماند و گفت: خدایا اگر با اعمال من با من رفتار کنی نابود می شوم پس با رحم خودت با من رفتار کن.[۱]

اگر انسان دارای شصت عمل پیامبر باشد باز باید به اعمالش امیدوار نباشد چون به رسول الله خدا ﷺ گفتند تو نیز با اعمالت وارد بهشت نمی شوی گفت: بله مگر اینکه رحم شوم.

فضیل عیاض می فرماید: هنگام سلامتی، ترس بهتر است تا برای عبادت تلاش کنی و هنگام مریضی امید بهتر است تا مایوس نشوی.

در حدیث شریف آمد که: هرکس هنگام مرگ در قلبش امید و ترس را باهم جمع نماید، ترس از اینکه مورد عذاب شود و امید به اینکه به رحمت خداوند داخل شود ان شاءالله بخشیده می شود.

حضرت علی(کرم الله وجه) می فرماید: بهترین دانشمند کسی است که مردم را نه از عذاب خدا بترساند ونه به رحمت خداوند امیدوار سازد.[۲]

احمد بن سهیل م گوید: یحیی بن اکتم را در خواب دیدم از او پرسیدم خداوند با شما چه کرد؟ گفت: خداوند به من عرض کرد: ای پیرمرد بدکار خیلی نافرمانی من را کردی ! گفتم سخنی ندارم فرمود: در آینده چه می گویی؟ گفتم خدایا عبدالرزاق از زهری و زهری از عروه و عروه از عایشه و عایشه از رسول خدا و رسول خدا از جبرئیل و جبرئیل از جانب تو فرموده: من وقتی می خواهم مسلمان پیری را عذاب نمایم از ریش سفید و پیری او شرم می کنم. گفتم خدایا من پیرم

---

[۱] عقل و علم و عمل/ج/۱/صفحه۲۵۶/تالیف بابک محمودی
[۲] احیاعلوم الدین/جلد۲.

فرمود: همه آنها یکی پس از دیگری راست گفته اند و دستور داد او را داخل بهشت نمایند.

چرا خداوند از عذاب پیرمرد شرم می کند ولی پیرمرد ریش سفید از گناه کردن شرم نمی کند؟

زمانیکه میوه ها بزرگ می شوند وقت چیدنشان فر می رسد و وقتی انسانها پیر می شوند وقت مرگشان فرا می رسد ولی باید دانست مرگ جوان پیر و کودک را نمی شناسد.

چرا در کودکی به انتظار جوانی می باشی و در جوانی به فکر پیر شدن می افتی ولی در پیری به مرگت فکرنمی کنی؟

در پنج موقعیت است که درهای رحمت الهی باز می شوند: ۱- موقع اذان ۲- موقع نزول باران ۳- هنگام باز شدن در کعبه ۴- هنگام ازدواج خدا پسندانه ۵- و هنگام نگاه پر محبت فرزند به صورت پدر و مادرش.

به چند خانه رحمت الهی وارد نمی شود:

۱- خانه ای که در آن طلاق اجباری رخ داده باشد ۲- خانه ای که در آن زکات داده نمی شود ۳- خانه ای که زن اموال شوهرش را بدزدد ۴- خانه ای که به وصیت مُوَّصی (میت) عمل نشود ۵- خانه ای که در آن شراب خورده شود ۶- خانه ای که در آن به امانت مردم خیانت شود.

(توبه نصوح)

شخص مخنّثی (دوجنسی) بنام نصوح بود که در خدمت یکی از پادشاهان زمان خود بود که روزی به یکی اتاقهای خزائن پادشاه طمع کرد و این عامل باعث شد تا یکی از کلید این درها را بدزدد.بعداز چند روز دختر پادشاه از موضوع گم شدن یکی از کلیدها باخبرشد و لهذا تمام کارکنان قصر را در یک صف جمع کرد تا مرتب تمام بدن و لباس آنها را جستجو نماید و این کلید در جیب نصوح بود و او نیز در آخرصف ایستاده بود و پادشاه وعده داده بود که هرکس نگوید من برداشته ام و کلید را همراه او پیدا کنیم آنکس را با شدیدترین حالت مجازات خواهیم کرد.

نصوح که میدانست کلید پیش اوست ناگهان متوجه خداوند شد و بدنش به لرزه افتاد و در دلش گفت: خدا اگر این کلید را پیش من پیدا نمایند آبرویم خواهد رفت و مرا هم خواهند کشت! خدایا تنها امید و راه نجاتم فقط تو هستی و تو ستارالعیوب (پوشاننده عیبها) هستی لطفا این بلا را از من دور نما و اگر این رحم را در حق من گناهکار بکنی قول میدهم که محکم ترین توبه را در پیشگاهت انجام دهم و یکی از بندگان مخلص تو شوم! خداوند متعال فرشته ای فرستاد و کلید را از جیب نصوح برداشت و بدون اینکه کسی متوجه آنشود چند متر کنار انداخت. از این طرف هم نگهبان تمام کارکنان قصر را مرتّب بازرسی میکند تا اینکه نوبت به نصوح رسید و نصوح نزدیک بود از ترس سکته کند و رنگش پریده بود و نفس هایش تند تند میزد دریغ از اینکه نمیدانست خداوند متعال بدون آنکه حتی خود او متوجه شود عیب او را پوشانده و او را از مهلکه نجات داده است چون هرکس خداوند را با قلب خالص صدا نماید خداوند دعای او را مستجاب مینماید حتی اگر گناهکارترین مردم باشد.

وقتیکه نگهبان در جیبهای نصوح نیز کلید را نیافت نااُمیدانه برگشت و کلید را روی زمین پیدا کرد و از روی پشیمانی از همه کارکنان به خاطر این بد گمانی عذرخواهی کرد و وقتی نصوح متوجه شد خداوند او را از این عمل ناپسند و فرجام شوم نجات داده اشک از تمام چشمانش سرازیر گشت و به پیشگاه خداوند توبه ای

بسیار قوی نمود و خداوند توبه اش را قبول کرد. خداوند حکیم بهترین توبه را توبه نصوح معرّفی نموده است و ما را نیز دستور فرموده که هنگام توبه, توبه نصوح بکنیم. ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ... ﴾ [1]

بلا نمی‌آید مگر با گناه و از بین نمی‌رود مگر با توبه و توبه انجام نمیگیرد مگر با آمدن خوف خدا در قلب.

(شرایط توبه نصوح)

۱- پشیمانی کامل از گذشته ۲- استغفار با زبان ۳- توبه از ته دل ۴- عدم انجام معصیت در هیچ زمان ۵- ترک دوستان هرزه برای همیشه ۶- ترک کینه و بغض در قلب تا لحظه مرگ ۷- آمادگی همیشگی برای مرگ و ملاقات خداوند.

- وحشی کسی بود که قاتل حمزه عموی پیامبر بود و هیچکس مثل وحشی قلب پیامبر را داغدار نکرده بود ولی پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و سلم قلبش با رحمت و عطوفت نقش بسته بود حتی برایش جهنمی شدن دشمنانش نیز سخت بود, بنابراین نامه ای برای وحشی نوشت و او را به اسلام دعوت کرد تا او نیز مثل دیگران وارد بهشت شود. وحشی در جواب نامه نوشت یا رسول الله میخواهم توبه نمایم ولی این آیه مرا باز می‌دارد ﴿ وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴾ [2] یعنی: و کسانیکه جز خدا معبودی را برای پرستش قرار نمی‌دهند و کسی را به ناحق نمی

---

[1] سوره تحریم/ ۸ یعنی:
ای مؤمنان! به درگاه خدا برگردید و توبه‌ی خالصانه‌ای بکنید، شاید پروردگارتان گناهانتان را محو نماید و بزداید، و شما را به باغهای بهشتی داخل گرداند که از زیر (کاخها و درختان) آن رودبارها روان است. این کار در روزی خواهد بود که خداوند پیغمبر و کسانی را خوار و سبک نمی‌دارد که با او ایمان آورده‌اند. (بلکه ایشان را والا می‌گردانند و به درجات بالا می‌رساند). نور (ایمان و عمل صالح) ایشان، پیشاپیش و سوی راستشان (رو به جانب بهشت) در حرکت است. (وقتی که خاموش شدن نور منافقان را می‌بینند، رو به درگاه خدا می‌کنند و) می‌گویند: پروردگارا! نور ما را کامل گردان (تا در پرتو آن به بهشت برسیم) و ما را ببخشای، چرا که تو بر هر چیزی بس توانائی.

[2] سوره فرقان /۶۸

کشند مگر به حق, و مرتکب زنا نمی‌شوند و هرکس مرتکب آنها شود گناهکار است. و من این سه جرم را مرتکب شدم! آیا راهی دیگر برای توبه نیست؟

سپس این آیه نازل شد: ﴿ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ﴾ [1] یعنی: مگر آنکس که توبه نماید و ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد. وحشی در جواب نامه پیامبر گفت: در این آیه به عمل صالح اشاره شده است.

درحالیکه من عمل صالحی ندارم! در ادامه بحث این آیه نازل شد ﴿ قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ۚ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴾ [2] یعنی: ای پیامبر بگو: من بندگان گناهکارم را می بخشم از رحمت من مأیوس نگردند و خداوند خیلی کثیرالغفران است.

سپس وحشی به اسلام گروید و گفت: اللهُمَّ اِغْفِرلَنا ذُنوبَنا فَاِنَّکَ اَنتَ الغَفُور. پیامبر اکرم سپس به وحشی فرمود: فقط سعی کن جلوی چشمان من ظاهر نشوی چون دیدن تو , یاد و خاطره حمزه را در قلب من زنده می‌کند و وحشی کوچکترین صحابه رسول الله شد یعنی شش ماه بعد شهید شد و کوچکترین صحابه رسول خدا از بزرگترین انسانهای امروزی نیز بزرگتر است. و بزرگترین صحابه اش ابوبکر بود.

وقتی انسان گناهی می‌کند تا شش ساعت نوشته نمی‌شود بخاطر اینکه شاید توبه نماید ولی وقتی یک کار حسنه انجام می‌دهد در همان لحظه ده برابر نوشته می شود و خداوند متعال تا قبل از مرگ به انسان فرصت توبه داده است و شیطان با افسوس می‌گوید چگونه بر انسان فایق آیم.

در زمان حضرت موسی (علیه السلام) طوری قحط سالی شد که نزدیک‌بود همه مردم بمیرند و حیوانات یکی پس از دیگری تلف می‌شدند و مردم خسته شدند و گفتند: ای موسی دعا کن تا خدا بارانی ببارد.حضرت موسی هفتادهزارنفر را یکجا

---

[1] سوره مریم/۶۰
[2] سوره الزمر /۵۳

جمع کرد تا همگی باهم به درگاه خدا تضرع نمایند و باران ببارد که مدتی باران نبارید.

حضرت موسی علت را از خداوند متعال پرسید, خداوند فرمود: میان قومت مردی است که چهل سال است گناه می‌کند به خاطر نحوست اوست که باران نمی بارد! حضرت موسی به قومش گفت: شما را به خدا قسم می‌دهم مردی میان ما است که چهل سال است که گناه می‌کند و به خاطر اوست که باران نمی‌بارد حالا از جمع ما بیرون رود تا باران ببارد.آنمرد گناهکار به چپ و راستش نگاه کرد و جز خودش کسی را ندید و در قلبش گفت: خدایا اگر از جمع بیرون نروم هلاک می‌شویم و اگر بیرون بروم رسوا می‌شوم! پس خودت رحمی کن و باران را ببار تا رسوا نشوم و من نیز پیمان می‌بندم که دیگر گناهی را مرتکب نشوم.سپس باران بارید, حضرت موسی گفت: **خدایا کسی بیرون نرفت ولی تو باران را فرستادی؟** علت چیست؟ خداوند متعال فرمود : باران را به خاطر توبه و بزرگی آنمرد گناهکار فرو فرستادم در حالیکه در اول به خاطر نحوست او نمی‌فرستادم.

(نرم شدن قلب)

یکی نزد نبی اکرم صلی الله علیه و سلم آمد و از سنگدل بودن خود شکایت کرد: فرمود: بر سر یتیم دست بکش و به او غذا بده تا دلت نرم گردد و فرمود: هرکس بر سر یتیم‌دست بکشد به اندازه موهایی که در سرش دارد برای او مغفرت نوشته می‌شود و در حدیث دیگر می‌فرماید: هرکس یتیمی را بگریاند با گریه او عرش خداوند به لرزه در می‌آید و هرکس یتیمی را شاد کند من او را شاد می‌کنم و فاصله من در بهشت با کسیکه از یتیم سرپرستی می‌کند مانند فاصله انگشت شهادت و اشاره است.[1]

---

[1] صحیح ترمذی.

(تأثیر سخن)

روزی شخص سنگدل و قاتلی نزد رسول خدا صلی الله علیه وسلم آمد و از قساوت قلبش شکایت کرد, رسول خدا چند تا نصیحت آموزنده به او فرمود و زمانیکه آن مرد از حضور رسول خدا خارج شد حتی از لِه کردن یک مورچه هم می‌ترسید. و روزی هم شخصی پیش آنحضرت آمد و عرض کرد: یا رسول الله می خواهم زنا بکنم لطفا اجازه این کار را به من بدهید؟ تمام صحابه نسبت به بی ادبی و سخنان آن شخص هیاهو به راه انداختند ولی رسول خدا آنها را آرام نمود و به آنمرد فرمود:آیا می‌خواهی کسی با مادر تو زنا کند؟ گفت: نه آیا می خواهی کسی با خواهر تو همبستر شود؟ گفت:نه!فرمود: پس همانگونه که نمی خواهی کسی به ناموس تو بی احترامی نماید همانگونه نیز به خودت اجازه این کار را مده! سپس دست مبارکش را روی سینه آنمرد گذاشت و دعای سبکی به او نمود: و فرمود: خدایا فرج او را از زناکردن محفوظ بدار! آنمرد در حالی از حضور رسول خدا بیرون آمد که بد ترین و زشت ترین عمل نزدش زنا محسوب می شد.

پس هدایت نمودن انسانها تنها با **اخلاق و خوشرویی** امکان دارند نه با **تند روی و بد اخلاقی!**

(خلقت انسان)

خداوند متعال انسانها را از طبایع چهار گانه {ریح،مرّه،دَم و بلغم} یعنی:باد، زهره، خون و بلغم آفرید.

که از ناحیه ریح (باد). حرص و طمع به دنیا و آرزو های طولانی بوجود آمد.

از ناحیه مرّه (زهره) - خشم،ظلم، تمرّدوعجله بوجود آمد.

از ناحیه دم(خون) - میل به زنان و ارتکاب به محرّمات و لذایذ دنیوی پدیدار شد.

و از ناحیه بلغم (بلغم) - میل به غذا و نوشیدنی و نرمی و حِلم بوجود آمد.

علاوه بر اینها خداوند متعال هنگام خلقت چهار رنگ خاک را استفاده نمود، خاک سفید، سرخ، زرد، سیاه. به همین علّت انسانهای سفید پوست، زرد پوست، سرخ پوست، سیاه پوست بوجود آمدند و فلسفه این عملش را هم شعبه شعبه نمودن و قبیله قبیله ساختن انسانها برای شناخت نفسشان و احترام به همنوعشان بوده است که در آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات نیز به این مسئله اشاره نموده است: ﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ یعنی:ای مردم! ما شما را ازیک مرد و زن آفریدیم وشمارا تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک برتری نیست) گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ به تحقیق خداوند دانا و آگاه است.

علاوه بر این چهار نوع آب را بر خاک آدمی ریخت. اوّل آب شیرین-- که باعث شیرینی دهان و نرمی گلو شد. دوّم آب شور-- که با آن از عدسی و چشم انسانها که از جنس پی ساخته شده است محافظ نمود. سوّم-- آب تلخ--که با آن ترشّحات گوش فرزندان آدم تلخ و بد مزّه شد تا هنگام خواب هیچ جانوری نتواند وارد آن شود.و چهارم آب گندیده که با آن دماغ اولاد بنی آدم از باکتریهای خطرناک و گرد خاک اطراف حفظ شد. ﴿ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴾[۱]

(چهار قسم بودن انسان ها)

۱-بدون پدر مادر- مثل حضرت آدم (علیه السلام)

۲- از پدر بدون مادر- مثل حضرت حوّا.

۳- از مادر بدون پدر مانند حضرت عیسی (علیه السلام).

۴- از پدر و مادر مانند من و شما.

[۱] سوره مؤمنون/ ۱۴. یعنی(والا مقام و مبارک یزدان است گه بهترینِ اندازه گیرندگان و سازندگان است.)

(چهار قسم بودن انبیاء)

صنف اوّل: پیامبرانی که فقط برای خود پیامبر هستند مانند حضرت آدم(علیه السلام).

صنف دوّم: پیامبرانی بودند که به وسیله خواب ملائکه را می دیدند و صدایش را می شنیدند و دارای شریعت مستقل نبودند مثل حضرت لوط(علیه السلام) که پیرو ابراهیم(علیه السلام) بود

صنف سوّم: پیامبرانی بودند که هم صدای ملائکه را می شیندند و هم ماموریت داشتند مثل حضرت یونس(علیه السلام)

صنف چهارم: هم در خواب و هم بیداری ملائکه را می دیدند و برای عدّه بسیار کثیری از مردم و امّتها بر انگیخته شده بودند و صاحب کتاب بودند مثل پیامبران اولوالعزم.

(ملائکه مقرّب)

۱- **حضرت اسرافیل -** مامور زدن صور و دمیدن جانها به بدن انسانها می باشد.

۲- **حضرت جبرئیل -** مامور وحی بر انبیاست و جایگاهش در صدره المنتهی است.

۳- **حضرت میکائیل -** فرشته نزول رحمت و باران و برف و ارزاق بر موجودات می باشد.

۴- **حضرت عزرائیل -** مامور قبض جانهاست و هر جا برود تا جان نستاند بر نمی گردد.[1]

[1] عقل، علم و عمل /ج/۳/ص/ ۴۰۰/ تالیف بابک محمودی.

(تورات ختم به پنج کلمه است)

اوّل - آن مالی که مردم از آن منتفع نشوند باسنگ مساوی است.

دوّم - فقیری که پیش ثروتمند اظهار ذلّت نماید با سگ مساوی است.

سوّم - عالمی که به عملش عمل نکند باشیطان مساوی است.

چهارم - سلطانی که با عدالت رفتار نکند با فرعون مساوی است.

پنجم. زنی است که بدون اجازه شوهر از خانه اش بیرون رود با کنیزمساوی است.

(خلاصه تورات، إنجیل و قران در یک جمله)

۱- خلاصه تورات - این است که بقدری از خدا بترسی که مثل او از کسی نترسی!

۲- خلاصه انجیل - بقدری به خداوند امیدوار شوی که به کسی مثل او امیدوار نباشی!

۳- خلاصه قران کریم - هر چه به خودت می پسندی به دیگران نیز بپسند و بالعکس!

(وصیّت پزشک عرب)

حارث بن کلده که یکی از ماهرترین پزشکهای عرب بود در حال مرگ قرار داشت، از او پرسیدند: وصیّتی برای ما بکن که در دنیا به آن عمل نماییم.فرمود :

۱- فقط با دختران ازدواج کنید ۲- از گوشت مانده پرهیز کنید و گوشت تازه بخورید ۳- میوه نارس و کال نخورید ۴- خودتان را خسته نکنید چون باعث نقصان

عمرتان می‌شود ۵- تا زمانیکه در حالت بیماری تحمل دارید خود را معالجه نکنید (حضرت علی نیز فرموده هنگام مریضی تا حد توان به رخت خواب نروید) ۶- هرماه برای از بین بردن موهای بدن از آهک استفاده کنید چون باعث ذوب بلغم, ازبین رفتن زرد آب و زیادشدن گوشت می‌شود ۷- بعداز ناهار بخوابید ۸- و بعداز شام ۴۰قدم راه بروید.

فرزدق پزشک دیگر چنین نصیحت می‌کند: ۱- هرگز دارو مصرف نکن مگر موقع ضرورت ۲- وقتی در معده ات غذا است غذا مخور و اگر خوردی ۴۰قدم راه برو ۳- وقتی شکمت را پر از غذا کردی بر پهلوی چپ بخواب ۴- میوه های آخر فصل را مخور ۵- همیشه مسواک بزن ۶- با پیرزنان ازدواج مکن ۷- و هرگز دو وعده گوشت نخور چون گوشت روی گوشت مار بزرگ و سیاه را در بیابان می کشد.

(مساجدوآداب آن)

احادیث صحیح بسیارزیادی درموردمساجد وجودداردازجمله:۱- **المَساجِدُبُیُوتُ الْمُتَّقین** یعنی :مساجدخانه پرهیزکاران است.۲- نشستن درمساجدبرای خود لازم بگیریدچراکه مساجدجایگاه انبیاست.۳- ابوادریس خولانی میگوید:مساجد جای نشستن محبوب ترین بندگان خداست وهرزه گویان به آن راه ندارند.۴- مالک بن دینارمیگوید:اگرقضای حاجتی نبودشب وروز ازمسجد دورنمیشدم۵ - یکی از نعمات خداوند این است که وقتی میخواهد عذابی رابفرستد می بیندکه عبادت کنندگان وآبادکنندگانی درمساجد میباشند به خاطر آنها عذابش را برمیگرداند ۶- خداوندوقتی سه چیز رامیبیند از عذابش نسبت به بندگانش صرفه نظرمی نماید **اول** کسانیکه نماز صبح را بجا می آورند **دوّم** کسانیکه مساجد راآبادمعنوی میکنند نه ظاهری ومادّی و**سوّم** کودکان وحیوانات ودرختان وگیاهان بیگناه وافراد سفیه. ۷- سعیدبن مسیّب فرمود:بیست سال است که صدای اذان رابیرون ازمسجدنشنیده ام زیرا قبل از هر اذان درمسجد حضور یافته ام ۸- ازسعیدبن مسیّب پرسیدند: نشستن درمسجدرادوست داری یارفتن به تشییع جنازه ؟ فرمود: نشستن درمسجد زیرا پاداش مسجدنشستن یک قیراط ازتشییع جنازه بیشتراست .۹- مساجدبهشت روی زمین هستند پس زود وارد آنها شویدودیر خارج شوید وبازارها دوزخ روی زمین هستند پس دیر

وارد آنها شوید وزود خارج شوید ۱۰- درروزسخت قیامت خداوند ندا میزند کجایند همسایگان من اکنون بیایید ووارد بهشت شوید فرشتگان میپرسند:پروردگارا مگر همسایگانت چه کسانی هستند؟

میفرماید:کسانیکه زیاد درمساجدمی ماندند۱۱- حضرت ابودرداءبه سلمان فارسی نوشت اکثر اوقات خودرادرمساجد بگذران چون من از رسول خدا شنیده ام که هرکس زیاد به مساجد برود رحمت خداوند براو نازل میشود وبه راحتی از پُل صراط میگذرد ۱۲- عبدالله بن مسعود میفرماید:مساجد خانه خداروی زمین هستند هرکس وارد خانه ای شود مورد پذیرایی میزبان قرارمیگیرد وهرکس به مساجد برود مورد لطف پروردگار قرارمیگیرد ۱۳- ابوسعید میفرماید:هرکس بامساجد دوست شود خداوند با اواُلفت میگیرد .۱۴- ابوهریره ازپیامبراکرم روایت میکندهرکس درتاریکیها به طرف مسجد زیاد قدم برداردبه نور کامل قیامت بشارت دهید.۱۵- اگرکسی رادیدید که زیادبه مسجد میروددرایمان اوشکّ نکنید.۱۶- سه چیزگناهان انسان رامی شوید:

اوّل کسی که زیادبه مساجد میرود **دومّی** کسی که باآب سردوضومیگیرد و**سوّمی** کسیکه نمازهایش رااوّل وقت میخواند ۱۷- خانه انسان هرچه ازمسجد دور ترباشد به همان اندازه ثواب واجرش بیشتر خواهد بود .۱۸- هرکس با مساجد الفت بگیرد جزءهفت گروهی است که درروز قیامت زیر سایه عرش الهی قرارمیگیرد۱۹- حضرت ابن عبّاس میگوید:مساجد روی زمین برای اهل آسمان چنان می درخشند که ستارگان برای اهل زمین چنان درخشندگی رادارند .۲۰- مساجد محل آرامش وبیمارستان های روحی وروانی وجسمی هستند.

《وَاَنَّ المَساجِدَ لِلّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللهِ اَحَداً》[1]

آداب مساجد:۱- بدون وضو وارد مسجدنشوید وهنگام ورودباپای راست ودعای ورود رابخوانید وهنگام خروج باپای چپ خارج شوید ودعای خروج رابخوانید ۲- دروضعیّت جنابت ازفاصله نزدیک مسجد گذرنکنید حدّاقل پانزده متر فاصله داشته باشید۳- درمسجد اصلاً بیهوده گویی نکنید چون مساجد بازارآخرتند نه دنیا۴- درمساجدازمسائل وتعلُّقات دنیوی به هیچ وجه سخن نرانید چون به گفته برخی علما این کاربسیارمذموم است وشأن مساجد راپایین می آوردوکفّاره نیز

[1] سوره جن/۱۸(مساجدمختصّ پرستش خدا است.و(درآنها)کسی راباخداپرستش نکنید)

داردخلـــف بـــن ایـــوب روزی درمسجدنشســـته بـــود غـــلام وی جهـــت کـــاردنیوی واردمسجدشداوبرخاســـت وخـــارج ازمســـجدجوابش راداد ۵- باصـــدای بلنـــد هرگـــز درمســـجد حـــرف وسـؤال نکنیـددرزمان عمـربن خطـاب شخصـی باصـدای بلنـد حـرف زد واوتازیانـــه اش رابرســـراو وارد کـــرد واورااز ایـــن کـــار منـــع کـــرد ۶- هرگـــز درمســـجد نخندیـــد چـــون پیـــامبراکرم صـــلی الله علیـــه والـــه وســـلم فرموده:هرخنـــده ای درمســـجد ظلمتـــی درقبراســـت۷- هرگزمســـجدجای جارکشـــی وفریـــاد بـــرای اشـــیای گـــم شـــده نمیباشـــد وازرســـول خـــداروایت اســـت کـــه هرکســـی رادیدیـــد چنـــان میکنـــد دعـــا کنیـــد کـــه ان چیـــز گمشـــده اش پیـــدا نشـــود.۸- هرگـــز درمساجدعمداًبادشـــکم خـــارج نشـــود کـــه فرشـــتگان فاعـــل ایـــن کـــاررا لعنـــت میکننـــد.۹- هرگـــز لباســـها را از دیوارمســـجد آویـــزان ننماییـــد.۱۰- هرگـــز عکـــس ومجســـمه وحیـــوان یـــا انســـان وياطبیعـــت راوارد مســـجد نکنیـــد.۱۱- داخـــل مســـجد ســـرراروغن یـــا شـــانه نکنیـــد۱۲- اگروســـایلی آورده ایـــد روی آنهـــا پارچـــه بکشـــید.۱۳- بـــدون عطـــر وارد مســـجد نشـــوید۱۴- تمیـــزی مســـجد رارعایـــت کنیـــد- هرگـــز آب دهـــان داخـــل مســـجد نینداریـــد کـــه جـــزو گناهـــان غیرقابـــل بخشـــش اســـت ۱۶- هنگـــام ورود بـــه مسجد دورکعت سنت تحیّت المسجد بخوانید.

- وقتـــی مســـاجد آبـــاد وپـــراز انســـان وعابدشـــودازتعداد زنـــدانی هـــا کاســـته میشـــود،درهای بیمارســـتان بســـته میگـــردد بیمـــاری روانـــی کـــم وازپیشـــرفت طـــلاق جلـــوگیری میشـــودوخانواده هـــای ســـالم وایمـــانی بـــه جامعـــه تحویـــل داده میشـــود پـــس ای مـــردم ازمـــؤمن شـــدن فرزنـــدان خودشـــرمنده وناراحـــت نشـــوید وهیچگـــاه دَرِمســـاجدراقفل نزنید وازخدابترسیدکه جزو اوّلین بدعتهای به وجود آمده بعداز رسول خدا میباشد

- اگردرمســـاجدرابه خاطردزدهـــا یاوســـایل زینتـــی وفرشـــهای چهـــارده میلیـــونی قفـــل میزنیـــد لطفـــا آنهـــارا بـــه دســـت فقـــرا برســـانید تامســـجدخالی از تجمـــلات دنیـــا ورنگهـــای خیـــره کننـــده وبـــدعتهای توخـــالی باشـــد ودرعـــوض فضـــای معنـــوی وعـــدم قفـــل زدن درهـــای مساجدشروع کنید .

(فضیلت دعوت مردم به دین ودوری ازتفرقه)

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ آل عمران ۱۱۰

شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها خارج شدید امر به معروف و نهی از منکر آمده که علت این امر بزرگی و فـ یلـت داشتن امـر دعـوت وتبلیـغ دیـن است که حتی جلوتر از ایمان میباشد.

نبی اکرم ﷺ می فرماید: روز قیامت شخصی را می آورند که در دنیا نماز، روزه، زکات و حج و همه فرائضش را انجام داده ولی با وجود این او را به عذاب الهی گرفتار می سازند به خاطر اینکه به خاطرعمل وحرفهای اودرامّت تفرقه به وجود آمده است ودرمقابل شخصی رامی آورندکه هراسان ازعذاب الهی است ولی اوراوارد بهشت میسازند وبه اومیگویندد رفلان وقت ،فلان حرف رازدی که باعث دورشدن فساد ونابودی اختلاف ازجامعه اسلامی شد.

مُفتی زین العابدین (رحمه الله)میفرماید:اگرمسلمانی مسلمان دیگررابه چشم حقارت بنگرد ازرحمت الهی دورمیشود ویک فرد تبلیغی ومسلمان نباید ازخود خوبی وازدیگران بدی ببیند ویااینکه خودراعالم ویافاضل ودیگران راجاهل وقاصرببیند ودرامر تبلیغ نباید کسی به خودبگوید من توانایی یاعلم این کارراندارم بلکه باید بگوید خدامراقبول کرده یا نه؟

متأسفانه دین اززندگی مسلمانها خارج شده ومسلمانی که تادیروز سبب هدایت دیگران بودند حالا خودشان گمراه گشته وموجب گمراهی دیگران نیز شده اند واکنون وضعیّت بدتر ازگذشته است وآینده تاریکتر ازدیروز است وامروزه نشستن وبی اهمیّت شدن مسلمان به انسانهای دیگر یکی از گناهان کبیره است .

همان مسلمانانی که تادیروز به **خیرُالأُمَم** مشهوربودند اکنون به **شرُالأُمَم** تبدیل گشته اند.وامروزه درگوشه وکنار دنیا مردمی هستند که با کفر وشرک ازدنیا می روند آیا جواب این مسؤلیّتها رامامسلمانان میتوانیم درپیشگاه خدا بدهیم؟اگر به

اندازه یک دهم محبّت دنیا ،محبّت دین وخدا درقلبمان باشد میتوانیم کارهای بسیاربزرگی انجام دهیم چون محبّت به دنیا انسان را بَرده وذلیل میکند ولی محبّت به خداوند انسان را عزیز وپیروز میگرداند.

یک صبح ویک شام درراه خدا خارج شدن بهتراز تمام دنیا ومافیهاست.

حضرت موسی (علیه السلام) فرمود:خدایا اگر کسی مردم را به سوی تودعوت نماید چه به اومیدهی ؟خداوند فرمود :به عوض هرحرف خارج شده از دهانش عبادت یک سال را عنایت می نمایم.

انسانها بهشت رامیخواهند اما اعمال ضد بهشتی انجام میدهندانسانها از جهنم متنفرند امابا اعمالشان به جهنّم نزدیکتر میشوند[1]

جبرئیل (علیه السلام) میفرماید:من میتوانم تعدادبرگهای درختان یا تعدادشن های بیابان ویاتعدادستارگان آسمان رابشمارم ولی هرگز قادرنیستم ثواب اولین قدم کسیکه درراه خدا خروج میکند رابشمارم.[2]

بزرگترین گناه نافرمانی خداست وبزرگترین ثواب نافرمانی شیطان است وهیچ احدی بابُخل وثروت ثروتمندنشده ،هیچ کسی باصدقه وزکات فقیرنشده،هیچ شخصی باروزه ضعیف نشده وهیچ نفری بانماز خواندن کج وذلیل نشده ،مژده برای کسانی که خداوند آنها راتوفیق انتشار خیروازبین بردن شرّ راداده است وهلاکت برای کسانی باد که پخش کننده شر وازبین برنده خیر می باشند.

_امربه معروف علامت مؤمن است وامربه منکر علامت منافق است ،امربه معروف همّت مؤمن رابیشتر میکند وامربه منکر همّت منافق رازیادتر میکند.

_ابودرداءمیفرماید:کسی که مسلمانی را پیش دیگران نصیحت کند درواقع اورا ذلیل کرده است وکسی که مسلمانی رادرخلوت نصیحت کند درواقع اورا عزیز کرده است

[1] فضایل تبلیغ/ص ۷۶
[2] فضایل تبلیغ /ص۷۷

_ای مـــردم امربـــه معـــروف ونهـــی از منکـــر کنیـــد قبـــل از آنکـــه عـــذاب خـــدا فرارســـدقبل آنکـــه دعـــا کنیـــد قبـــول نشـــود وســـکوت درجلـــوی ظـــالم باعـــث عـــذاب عمـــومی میشود

_اگرســـتمکاری رادیدیـــد بادســـت جلـــوی اورابگیریـــد اگرنتوانســـتید بازبـــان جلـــوی اورابگیریـــد واگرنتوانســـتید بـــادل جلـــوی اورابگیریـــد وایـــن رابدانیـــد بادســـت بازداشـــتن کارأمراوحکـــام اســـت وبازبـــان بازداشـــتن کارعلماســـت وبـــادل بـــاز داشـــتن کـــار عـــوام النـــاس است

(پنج شرط برای مبلّغ دین)

۱_علم:بـــرای تبلیـــغ دیـــن علـــم دردرجـــه اول قراردارددوجاهـــل صـــلاحیت تبلیـــغ دیـــن راندارد

۲_اخلاص:بدون اخلاص اعمال به صورت ریاکارپرت میشوند.

۳_اخلاق:نصـــایح انســـان تنـــدخوبرای مـــردم مـــؤثرنمی باشـــد واغلـــب نتیجـــه عکـــس دارد

شـــخص مبلّغـــی پـــیش هـــارون الرشـــیدخلیفه وقـــت آمـــد وباتنـــد خـــویی گفت:توزنـــدیق وجهنمـــی هســـتی!هارون الرشـــیدگفت :آیـــا تـــوبزرگتری یاحضـــرت موســـی علیه السلام گفـــت:معلوم اســـت حضـــرت موســـی علیه السلام وآیـــا مـــن بدترهســـتم یافرعون؟گفـــت :مســـلم اســـت فرعـــون .هـــارون الرشـــید گفـــت :وقتیکـــه خداوندحضـــرت موســـی علیه السلام راپـــیش فرعـــون فرســـتادمی دانـــی بـــه اوچـــه گفـــت؟فرمود:(**فَقُـــولَا لَـــهُ قَوْلًالَيِّنًالَعَلَّـــهُ يَتَذَكَّرُأَوْيَخْشَـــى**). یعنـــی :ســـپس بـــه نرمـــی باا‌و(درموردایمـــان)ســـخن بگوئید.شـــاید (غفلـــت خودوعظمـــت خدارا)یادکنـــد و(ازعاقبت کفروطغیان خویش وعذاب دوزخ)بهراسد.

درحالیکه من هرچندظالم هم باشم بازبه نمازشب بیدارمیشوم.

۴_صـــبر:مواجه شـــدن بامشـــکلات ازامورمســـلّم تبلیـــغ اســـت چـــون حکمـــت ایـــن کارمیباشد مانند انبیا.

۵_عمل به علم : سخن بدون عمل بی تاثیراست شخص بی عمل مانند زبوربی عسل است ومثل شمع خودرامیسوزاند تا اطراف راروشن نگه دارد.

(ملامت نفس)

هرچه نفس خودرا خوارکنید ودرنزد خود،خودراازهمه بدتر وبی کمال تر بدانید بفهمید که مقدمه دوستی شما باخداوند متعال شروع شده است.

ابن ابی دنیا میگوید:مردقریشی بودکه میگفت:تریه بن صمّه درروستای رقّه زندگی میکرد، اوعادت داشت که به سختی نفس خودراموردمحاسبه قراردهد.یک روز فکر کرد که به سنّ۶۰ سالگی رسیده است واگر هرروز تنها یک گناه مرتکب شود تعداد روزهای اوتا شصت سال ۲۱۶۰۰گناه درمحضرخداست درحالیکه ممکن است درطول روز ده ها گناه مرتکب شده باشد به خاطر این مسئله وخوف ازشدت اندوه بیهوش شدوبه زمین افتاد ودارفانی را وداع گفت .

دربنی اسرائیل عده ای ازمردم روزجشن درجایی جمع شده بودند وبه نیایش مشغول بودند ناگهان جوانی ازکنار معبد گذر کرد ودردلش باآنکه آرزوی رفتن به داخل راداشت گفت شایسته نیس آدم گناه راکاری مثل من وارد این جمع مقدس شود !چون من فلان وفلان خلاف ها راانجام داده ام وبقدری خودرا ملامت کرد که خداوند متعال به یکی از انبیای خودش فرمود:برو وبه آن جوان خبربده که اورابخشیدم واوازجمله صدّقین است.

امام احمد میگوید:محمّدبن حسن بن انس گفت :منذرازوهب نقل میکند :مردی بود که هفتادسال خداوند را عبادت کرده بود روزی درپیشگاه خداوند عبادتهایش راناچیزوکم شمرد وقتی که خوابیددرخواب فرشته ای رادید که به او میگوید: خداوند میفرماید:این چندکلمه تو به خاطر تواضعت برای من از هفتادسال عبادتت شیرین تربود.

مــردی دربنــی اســرائیل بــود کــه خداونــد راشصــت ســال بــه خــاطر بــرآورده شــدن نیــازش دعــا کردولــی دعــایش قبــول نمیشــد .دردلــش بــه نفــس خــود گفــت:اگرذره ای درذات توخیربــود شصــت ســال پــیش دعایــت قبــول شــده بود.درخــواب کســی رادیــد کــه بــه اومیگویــد چنــد لحظــه ملامــت نفســت بــه خــاطر خــدا ازشصــت ســال عبــادت متکبرانــه توبــا ارزش تربود و فردا دعایش راخداوند قبول کرد.

درزمــــان حضــــرت موســــی(علیه السلام)شخصــــی بودکــــه ســــالها باگریــــه وزاری ازخداونــد طلــب بــرآورده شــدن نیــازش را میکــرد امّــا دعــایش مســتجاب نمیشــد .روزی علت این امر رارفت ازموسی (ع)پرسیدوموسی ازخدا

خداونــد فرمود:اگرچنــان بگریــد کــه روده هــایش پــاره شــوندوچنان فریادبزنــد کــه صــدایش بــه آســمانها برســد بــازمن دعــایش را مســتجاب نمیکنم.زیــرا او بــه وظــایف خــود ناآگــاه اســت ونسـبت بــه عبــادت وگریــه هــای خــود عجــب وغرورمــی نمایــدوهیچ تواضــعی دراو دیده نمی شود.[1]

(مرگ قلب)

همــه بــرای مــرگ یــک انســان گریــه میکننــد ولــی کســی نیســت بــه خــاطر مــرگ قلــبش دراثرعــدم ذکــر گریــه نمایــد خودتــان قضــاوت نماییــدآیا مــرگ قلــب اندوهناکتراســت یــا مرگ جسم ؟

بــلا و مصــیبت ایــن نیســت کــه انســان بمیــرد و وارد قبــر شــود،بلکه بــلا و مصــیبت بزرگ این است که انسانیت در قلب انسان بمیرد و او جاهل زندگی کند.

جهــان قبــل از مــرگ مــرگ جــاهلان اســت و جســم هایشــان قبــل از قبــر، قبــر آنهاســت و هــر انســانی کــه بــه معصــیت دچــار مــی شــود بــه مســیحیان شــباهت دارد و هــر عــالمی کــه دچــار معصــیت شــود بــه یهودیــان شــباهت پیــدا مــی کنــد. زیــرا مســیحیان عبــادت

[1] طب القلوب / ابن قیم جوزی

را بدون علم انجام می دهند و یهودیان همیشه بر خلاف علمشان عمل می کنند و لهذا یهود مساوی: مغضوب علیهم و نصاری مساوی: والضالین می باشد.

عدالت

عدالت زمینی ها باعث می شود حتی جن ها نیز به خاطر سوء استفاده از این کلمه به گریه بیفتند و اگر مردگان را هم برخیزانی باز از انصاف جهان به خنده می افتند.

دزدیدن یک گل را پستی می نامیم ولی سرقت گلستانی را سلحشوری می گوییم.

کسی که فردی را می کشد باید بمیرد اما کسی که همه مردم را می کشد آزاد است و چهار چیز را حاکم باید از خود دور نگه دارد اولی: خشم، دومی: مال اندوزی، سومی: دروغ و چهارمی: تکبر. و یکی از سیاستهای حاکم باید این باشد که به خوبی با مردم رفتار نماید چون این کار باعث می شود که از کینه دشمنان کاسته شود و به محبت دوستانش اضافه شود.

حضرت علی بن ابی طالب کرم الله وجه به مأمور بیت المال دستور داد: در علوفه دادن به شترها مواظب خودت باش که مبادا سهم برخی از برخی زیادتر شود و به مالک اشتر نامه ای نوشت: ای مالک اشتر در جایی که حکمرانی می کنی به نیکوکاران پاداش بده و بدکاران را مجازات کن تا نیکوکاران با دیدن پاداش روحیه شان به نیکی تشویق شود و مجرمان با تنبیه، روحیه شان به خلاف کردن تضعیف شود.

قضاوت

- یکی از کارهای بسیار سخت میزان کردن ترازوی عدالت با وزنه قضاوت است.

دو کس هرگز نمی توانند قضاوت نمایند: اولی شخص بسیار عالم به خاطر ترس از خداوند متعال و دومی شخص بسیار جاهل به خاطر عدم ترس از خداوند متعال.

- سه چهارم قضات در آتش جهنم قرار دارند و تنها یک قسمت از چهار قسمت به بهشت می روند.

اما سه دسته که در دوزخ قرار می گیرند: ۱- کسی که در قضاوت ظلم کند و بداند که ظلم کرده است هر چند به عذاب وجدان نیز دچار گردد. ۲- کسی که حکم را اشتباها صادر نماید و نداند که اشتباهی بوده است مانند کسی که در تاریکی مطلق تیراندازی می کند و به هدفی که نمی بیند برخورد نکند. ۳- کسی که به حق حکم نماید و نداند که به حق حکم کرده است، او نیز وارد آتش می شود.۴- و اما کسی که حکم را حق صادر نماید و بداند که حق است وارد بهشت می شود.

قاضی نباید هنگام خشم، گرسنگی، تشنگی، خستگی، خواب آلودگی و شهوت قضاوت نماید چون امکان ایجاد نقص در حکمش بالا می رود. قاضی می تواند در شکایت فامیل ها پرونده را به قضات دیگر ارجاع دهد تا از بلای عطوفت نسبت به فامیلهایش در امان بماند.

ابومنصور هر چه به حضرت ابوحنیفه می گفت که باید منصب قضاوت را به خاطر علم و توانایيت بر عهده بگیری او هر بار این تکلیف را از گردنش می انداخت و می گفت: من صلاحیت قضاوت را ندارم. ابومنصور گفت تودروغ می گویی! ابوحنیفه فرمود: تو با دادن نسبت دروغ به من عدم صلاحیتم را صادر کردی چون قاضی نباید دروغ بگوید و اگر هم راستگو باشم حرف آخرم همان حرف اول است. حتی ابوحنیفه به خاطر عدم قبول این وظیفه به ۲۰ ضربه تازیانه نیز محکوم شده است.

روزی زن کم شعوری مورد اذیت مردی قرار گرفت تا اینکه مرد را فحاشی کرد و آن مرد فحاشی زن را نزد قاضی وقت ابن ابی لیلی که معتزلی بود، برد و ابن ابی لیلی در مسجد دو حد را بر زن کم خرد جاری نمود.

وقتی این ماجرا به گوش ابوحنیفه رسید فرمرد: قاضی در هفت مورد خطا کرده است! .

خطای اول- آنکه حکم صادر شده بر زن کم شعور به هدر رفته است.

خطای دوم: حد بر او جاری شده در حالی که ابلهان از این قاعده مستثنی هستند.

خطای سوم: دو حد جاری شد درحالیکه حد دشنام تنها یک بار می باشد.

خطای چهارم: دو حد بدون فاصله زمانی ناجایز است، فاصله ای برای بهبودی می باشد.

خطای پنجم: حد در مسجد جاری شده است و مسجد جای اجرای حکم نمی باشد.

خطای ششم: حد برای زن در حال نشسته زده می شود برخلاف مرد که در حالت ایستاده زده می شود و او حد زن را ایستاده زده است.

خطای هفتم: زن را بدون حضور ولی و سرپرست زده است که این حالت درست نیست چون در فاصله زدن حد ممکن است بدن زن برهنه شود و باید محارمش آن را پوشش دهند.[۱]

حضرت داود در قضاوت، حضرت طالوت در سیاست، حضرت موسی در شجاعت و بطلان کهانت، حضرت عیسی در طبابت و حضرت محمد صلی الله علیه در جمیع علوم اول و آخر و کمالات روز نظیر نداشتند.

دو نفر یکی کشاورز و دیگری دامدار پیش حضرت داود علیه السلام شکایتشان را بردند. کشاورز گفت: تمام گوسفندان این مرد وارد مزرعه من شده و تمام محصولات من را خورده اند! وقتی داود علیه السلام می خواست تصمیم بگیرد حضرت سلیمان عرض کرد صاحب گوسفندان تمام گوسفندان خود را به صاحب

---

[۱] المبسوط ۵۷۸

مزرعــه مــی دهــد تــا صــاحب مزرعــه یــک ســال از شــیر گوســفندان او اســتفاده نمایــد و صــاحب گوســفند یــک ســال در مزرعــه آن مــرد کــار خواهــد کــرد تــا ضــرر آن کشــاورز جبران شود، همه از هوش و ذکاوت سلیمان در عجب ماندند.[1]

قاضی ابویوسف شاگرد ابوحنیفه یکی از مشهورترین و بزرگترین و عادل ترین قاضی های شناخته شده بود او می گوید: در تمام عمرم همیشه با عدالت قضاوت کرده ام و همیشه با وجدان راحت خوابیده ام چون به علم خود اعتماد کرده ام ولی یک بار اشتباهی کرده ام که شب و روز را برای من تلخ کرده است! گفتند آن اشتباه چیست؟ گفت: روزی میان یک پادشاه و کشاورزی قضاوت می کردم به پادشاه گفتم بیا جلوتر بنشین!

حکمت سلیمان

روزی دو زن پیش حضرت سلیمان بن داود علیه السلام شکایت بردند که یکی از فرزندان شان را گرگ خورده و هر کدام از زنان با هم در مورد تصاحب فرزند دعوا می کردند آن حضرت دستور داد تا چاقویی بیاورند و بچه را نصف کند و به هر کدام نصف بچه را بدهد ناگهان یکی از این دو زن جیغی کشید و گفت: دست نگه دار بچه مال من نیست او را نکش به این زن بده! سلیمان علیه السلام فوری بچه را به زن جیغ کشنده داد و گفت: مادر واقعی این بچه تو هستی چون اگر تو نبودی هرگز مهر مادریت به جوش نمی آمد؟!

وقتی بعد از حضرت داود علیه السلام فرزندش حضرت سلیمان خلیفه او گشت مردم برای آزمایش علم و آگاهی او دسته دسته پیش او می آمدند: نخست پیرمردان آمدند و آن حضرت با تمام و کمال جواب سوال آنها را داد سپس دسته جوانان بر او وارد شدند آن حضرت در اثنای سوال جوانان می خندیدند وقتیکه دسته جوانان از منزل او خارج شدند به داود علیه السلام شکایت و گله کردند که او هنگام جواب به ما می خندد! وقتی حضرت داود علیه السلام علت این کارش را از فرزندش پرسید: او در جواب فرمود: چشمم به سقف اتاق افتاد که دو مورچه به هم رسیدند یکی به دیگری گفت: مواظب باش تا بر سر خلیفه خدا خاکی ریخته نشود.

---

[1] داستان پیامبران / تألیف محمد احمد جاد نولی و ترجمه صلاح الدین توحیدی

خداوند متعال در قرآن کریم آیه ۱۵ سوره نمل در مورد سلیمان می فرماید: ﴿وَ لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْماً وَ قَالاَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ﴾ ۱

یعنی: و ما به داود و سلیمان دانش عظیمی دادیم و آنان گفتند: ستایش مخصوص خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مومنش برتری داد.

خداوند متعال از زبان حضرت سلیمان علیه السلام در سوره مبارکه نمل آیه ۱۷ می فرماید: **(... یا** ﴿...يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ ...﴾

...) یعنی: ای مردم زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده است.

آیات ۲۰تا ۴۴- سوره نمل در مورد سلیمان علیه السلام می باشد. او نطق تمام حیوانات و جن ها را می دانست.

۱- روزی قمری کنارش آواز می خواند مردم گفتند: ای سلیمان او چه گفت؟ فرمود: می گوید **«لِدو لِلْمَوْتِ وَ ابنو لِلْخَرَابِ »** یعنی: برای مرگ بزایید و برای ویرانی بسازید.

۲- بعد طاوس آواز خواند مردم گفتند: ای سلیمان اوچه می گوید؟ فرمود:**« کما تُدَانُ تَدِينُ وَ کما تَزْرَعُ تَحْصُدُ »**. یعنی: هر گونه رفتار کنید همانگونه جزا می بینید و هر چه بکارید آن را برداشت می کنید.[۲]

۳- بعد طوطی آواز خواند، مردم گفتند او چه می گوید؟ فرمود: او گفت من لا یرحم لا یرحم. یعنی: هر کس رحم نکند مورد رحم قرار نمی گیرد.

٤- بعد هد هد آواز خواند مردم گفتند : چه می گوید فرمود : او گفت **« مَن سَكَتَ سَلِمَ»** یعنی هرکس رحم نکند مورد رحم قرار نمی گیرد.

---

[۱]

[۲] روح الجنان / تفسیر ابوالفتح رازی

[watermark]

۵- بعد صقر (باز شکاری) آواز خواند، مردم گفتند چه می گوید؟ فرمود: می گوید« **استغفرو یا فوج المستغفرین»**. یعنی ای گروه توبه کاران طلب استغفار کنید.

۶- بعد زغنه (نوعی پرنده) آواز خواند، گفت: کل شی هالک الا وجه الله. یعنی: همه چیز از بین می رود به جز الله متعال.[۱]

۷- بعد کبوتر آواز خواند، فرمود: او نیز می گوید سبحان ربی الاعلی. یعنی: پاکی پروردگارم بسیار بزرگ است.

- پس دقت کن ماشینی که سوار می شوی کهنه می شود، لباسی که می پوشی پاره می شود و عمرت با عجله می رود و تنها باقی مانده هایت اعمال بد و نیک تو هستند، در واقع خوردی تباه کردی، پوشیدی کهنه ساختی و بخشیدی باقی گذاشتی.

در جداره داخلی انگشتر نوشته شده بود: آشکار کردن به عیان بهتر است از رسوا کردن به نهان.[۲]

روزی کوف پیش سلیمان علیه السلام آمد، آن حضرت در حالیکه غذا می خورد او را تعارف به خوردن کرد تا از غذایش بخورد اما کوف گفت: من نمی خورم، چون همین غذا بود که آدم را از بهشت بیرون انداخت. سلیمان گفت پس بیا آب بخور. گفت نمی خورم چون قوم نوح با آن غرق شد. سپس سلیمان گفت: ای کوف چرا فقط در خرابه ها می مانی؟ گفت به خاطر اینکه مرگم نزدیک است و تو نمی دانی و تو هم

نمی مانی! سلیمان عرض کرد: ای کوف چرا فقط شبها بیرون می آیی! تو هم مثل بقیه روزها بیرون بیا و کار کن. کوف گفت: به خاطراینکه نمی خواهم گناهان انسانها را مشاهده نمایم.

- سلیمان گفت: وقتی از آبادانی ها می گذری چه می گویی؟ گفت می گویم چقدر آدمی در خواب فرو رفته و مر گ نیز در کمینش نشسته! سلیمان گفت: وقتی

[۱] گزیده ای از متون تفسیری تاج التراجم ۱۳۷
[۲] گزیده ای از متون تفسیری تاج التراجم۱۳۸

بـه ویرانـه هـا مـی رسـی چـه مـی گـویی؟ گفـت مـی گـویم کجاینـد کسـانی کـه بـه خانـه هایشـان فخـر مـی کننـد آیـا نمـی بیننـد چگونـه آبـادانی هـا لحظـه بـه لحظـه تبـدیل بـه خرابـه می شوند.

- سـپس کـوف بـه سـلیمان گفـت: در دنیـا بـه سـه چیـز بیشـتر مـی اندیشـم. اولـی: آیـا مردگـان زیادنـد یـا زنـدگان؟ دومـی: آیـا آبـادانی زیـاد اسـت یـا خرابـه هـا؟ سـومی: آیـا مـردان زیادنـد یـا زنـان؟ سـلیمان در پاسـخ فرمـود: مردگـان زیادنـد چـون همـه خواهنـد مـرد، خرابـه هـا زیادنـد چـون همـه جـا خـراب مـی شـود و زنـان زیادنـد چـون مردانـی در برخی نقاط وجود دارند که غیرت ده نفرشان به غیرت یک زن هم نمی رسد.

جریان خفاش

یـک روز خورشـید، بـاد و آب بـه شـکل انسـانی پـیش حضـرت سـلیمان علیـه السـلام آمدنـد و از او خواسـتند تـا از خداونـد بـرای آنهـا طلـب آرامـش و سـکون بخواهـد، سـپس مـار آمـد، گفـت ای پیـامبر خـدا از خـدا بـرای مـن در درخواسـت پـا کنـ حضـرت سـلیمان فرمود: ان شاء الله به این امر رسیدگی می نمایم.

سـرانجام خفـاش پـیش سـلیمان آمـد و گفـت ای رسـول خـدا خواسـته هـایی کـه آنهـا از تـو خواسـتند شـنیدم مبـادا خواسـته هـای آنهـا را بـرآورده سـازی. حضـرت فرمـود چـرا؟ خفـاش گفـت بـه خـاطر اینکـه اگـر بـاد حرکـت نکنـد درختـان پراکنـده مـی شـوند، اگـر خورشـید حرکـت نکنـد زمـین خواهـد سـوخت و اگـر آب حرکـت نکنـد همـه مخلوقـات از تشـنگی مـی میرنـد و اگـر بـرای مـار پـا درخواسـت کنـی هـیچ شخصـی از شـر او در امـان نمـی مانـد چـون همـین مـاری کـه مـی خـزد و از داشـتن پـا محـروم اسـت بـاز مـردم را اذیت می کند و کمتر کسی از او ایمن است و ترسی ندارد.[1]

حضـرت سـلیمان از خفـاش بـه خـاطر ایـن رأی و فکـرش تشـکر نمـود. وقتـی کـه خورشـید از ایـن قضـیه آگـاه شـد گفـت: ای خفـاش حتمـا تـو را خـواهم سـوزاند. بـاد دانسـت و گفـت مـن هرگـز بـه تـو اجـازه پـرواز نخـواهم داد. آب دانسـت و گفـت مـن تـو را در

[1] تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم به تفسیر اسفراینی

خودم غرق خواهم کرد و مار گفت اگر من تو را نیش نزنم مار نیستم. خفاش از این قضایا ناراحت و اندوهگین گشت سپس خداوند او را به برکت این نصایحش از فتنه چهار مورد نجات داد.

او هرگز روز بیرون نیامد و از شر آفتاب خلاصی یافت. هرگز به طرف صحراها و جاهای پست نرفت و از شر باد خلاص شد. به خاطر داشتن

پستانهای پر از شیر و مقوی برای همیشه از آب خوردن راحت شد و به خاطر داشتن بول و ادرار خطرناک و سمی از نیش زدن مار رهایی یافت. چون تشخیص مار در سمی بودن موجودات بسیار قوی است و لهذا هرگز به طرف خفاش نمی توانند نزدیک شوند چون اگر نیشش بزنند خودش قبل از او خواهد مرد.[1]

تمام هواپیماهای امروزی که مجهز به رادار و جایروسکوپ هستند از روی خفاش و مگس طراحی شده اند چون مگس دارای دو تا جایروسکوپ می باشد که موقعیتش را در هوا به او خبر می دهد و اگر یک یا دو تا از جایروسکوپ های مگس را پاره کنی هر چند پر و بال و چشمش سالم باشد باز نمی تواند پرواز کند به خاطر اینکه می ترسد موقعیت خود را گم نماید و از این رو فقط می دود. خداوند متعال نیز خفاش را مجهز به رادار و فرکانس های برگشتی کرده است، به طور مثال به قدری رادارهای خفاش قوی هست که اگر او را در یک سالن بسیار بزرگ و کاملا تاریک رها کنی و در فاصله نامشخص و دوری از سالن روزنه ای به اندازه یک مشت را به طرف بیرون باز کنی خواهی دید که از همان فاصله بدون هیچ اشتباه و خطایی از روزنه کوچک خارج می شود.

یکی از خوراک های اصلی خفاش، شب پره است که در حین پرواز او را شکار می کند ولی خداوند متعال به شب پره امواج خاصیت ضد رادار داده که با این وسیله خفاش را از شکار خود تا فاصله چند متر گمراه می سازد و امروزه

---

[1] تفسیر شنقشی

انســانها نقشــه و نــوع ســاخت هواپیماهــای ضدّ رادار را هــم از روی شــب پــره ، قــرض و وام گرفته اند

(حکایت کشاورز)

کشــاورزی بــه مزرعــه اش بــذر پاشــید ، برخــی بــذرهایش بــه گــذرگاه افتــاد و پرنــده هــا زود آنهــا را ربودنــد ، برخــی از گنــدم هــا روی خــاک افتادنــد ولــی زیــر خــاک ســنگ بــود فــوری سبز شــد امّــا نــور و حــرارت خورشــید آنهــا را ســوزاند ، برخــی گنــدم هــا لابــه لای هیــزم هــا افتادنــد ولــی چــون نــور خورشــید نمــی توانســت بــه آنهــا برســد نمــی توانســتند خــوب رشــد نماینــد ولــی گنــدم هــایی کــه روی خــاک حاصــلخیز افتادنــد فــوری ســبز شــدند و رشــد و نمــو کردنــد و از یــک گنــدم هفــت خوشــه و از هــر خوشــه ۱۰۰ گنــدم بــه وجــود آمد.

حضــرت روح الله عیســی (علیــه الســلام) فرمودنــد : حکایــت تخــم هــایی کــه بــه گــذرگاه افتادنــد دل ســخت کســانی هســت کــه نــدای الهــی را مــی شــنوند ولــی بــه خــاطر ســیاهی قلبشــان نمــی تواننــد آن را درک نماینــد بنــابراین شــیطان ماننــد پرنــدگان فــوری سوء استفاده می کند و معنویات را از آنها می رباید .

حکایــت گنــدم هــایی کــه روی خــاک ریختــه شــد ولــی زیــرش ســنگ قــرار داشــت مثــال قلــب ســخت کســانی اســت کــه پیــام الهــی را مــی شــنوند و فــوری بــا احساســات قبــول مــی کننــد (زود ســبز میشــوند) ولــی چــون عُمقــاً درک نکــرده انــد و بــه اعمــاق قلبشــان نفــوذ نکــرده (بــه ســنگ رســیده) نمــی توانــد ریشــه بدوانــد بنــابر ایــن قــوای شــیطانی برگهــای ایمــانیش را فــوری خشــک میگردانــد و ایمــانش را مــی ســوزاند ، حکایــت گنــدم هــایی کــه لا بــه لای هیــزم هــا ریختــه شــدند امّــا نــور خورشــید بــه آنهــا نمــی رســید مثــال کســانی اســت کــه پیــام هــای الهــی را مــی شــنوند امّــا موانــع بســیار متعــدّدی مثــل مســخرهٔ فامیــل هــا ، ناراضــی بــودن خــانواده ، گرفتاریهــای زنــدگی و عشــق هــای پــوچ ماننــد هیــزم هــای بــی مصــرف نــور خورشــید (کــلام الهــی) را در نطفــه خفــه مــی کنــد و مــانع رشــد آنهــا مــی شــود و امّــا حکایــت گنــدم هــایی کــه در زمــین مســتعد انداختــه شــدند و فــوری رشــد و نمــو کردنــد و از یــک دانــه ۷۰۰گنــدم بوجــود آمــد مثــال انســانهایی هســتند کــه پیــام الهــی را مــی شــنوند

و بـه دلیـل مرغـوب بـودن خـانواده از لحـاظ دینـی فـوری ایمانشـان قـوی تـر مـی شـود عـلاوه بـر ایـن پیـام هـای الهـی را بـه گـوش دیگـران نیـز مـی رسـانند و باعـث اصـلاح و هدایت بسیاری از جوامع نیز می شوند .

سپس فرمـود : ایـن هـا را میگـویم تـا مـردم بشـنوند کـه نمـی شـنوند ، بداننـد کـه نمـی فهمنـد ، نگـاه کننـد کـه نمـی بیننـد چـون فکرشـان از کـار افتـاده ، گـوش هایشـان کَـر شـده و چشمانشان کور شده و اِلّا گوش می کردند و می دیدند و می فهمیدند .

- کشـاورزی بـا کارگرهـایش گنـدم کاشـتند ، بعـد از مـدّتی کارگرهـای کشـاورز بـه صـاحب زمـین خبـر دادنـد کـه گنـدم هـایی کـه مـا کاشـتیم سـبز شـده انـد امّـا دشـمن شـبانه آمـده و لابـه لای گنـدم هـا علفهـای هـرز کاشـته ! اجـازه بدهیـد تـا بـرویم علـف هـای هـرز را از میـان گنـدم هـا خـارج نمـاییم ؟ امـا صـاحب مزرعـه آنهـا را از ایـن کـار منـع کـرد و گفـت : اگـر ایـن کـار را انجـام دهیـد گنـدم هـا همـراه علفهـای هـرز بیـرون مـی آیـد پـس صـبر نماییـد تـا فصـل درو بیایـد آنگـاه همـه را بـا هـم درو میکنـیم سـپس گنـدم هـا را دسـته میکنـیم و داخـل انبـار ذخیـره میکنـیم و علـف هـای هـرز را دسـته میکنـیم و داخـل آتـش می اندازیم .[1]

- حضـرت روح الله عیسـی (علیـه السـلام) فرمـود : نمـاد دشـمن -شـیطان اسـت ،نمـاد علـف هـای هـرز -انسـانهای منـافق هسـتند ، نمـاد کارگرهـا -فرشـتگان هسـتند ، نمـاد سـرکارگر -خداونـد عـادل اسـت و نمـاد فصـل درو -روز قیامـت اسـت کـه گروهـی را بـه بهشـت مـی برنـد و گروهـی را روانـهٔ دوزخ میسـازند .(... وَتُنـذِرَ يَـوْمَ الْجَمْـعِ لَا رَيْـبَ فِيـهِ ۚ فَرِيـقٌ فِـي الْجَنَّـةِ وَفَرِيـقٌ فِـي السَّـعِيرِ) سـورهٔ شـوری /آیـهٔ۷. (ای رسـول) مـردم را از روز جمـع محشـر بترسـان کـه هـیچ شـکی در آن نیسـت (کـه در آن روز) گروهـی وارد بهشت می شوند و گروه دیگر وارد دوزخ می گردند .

[1] انجیل یوحنّا .ترجمهٔ تفسیری .

(((گنجینه هاید سخن)))

۱ــ بسـیاری از دیـن هـا ماننـد شیشـه هسـتند کـه حقیقـت از پشـت آنهـا بـه وضـوح دیده می شوند امّا خود آن مانع رسیدن انسانها به حقیقت می شوند .[۱]

۲- همـهٔ آنچـه در خلقـت اسـت درون شـما اسـت و همـهٔ آنچـه در درون شماسـت در خلقت است . ﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنفُسِكُمْ ۚ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴾ ۲

در زمـین دلائـل و نشـانه هـای فراوانـی اسـت بـرای کسـانی کـه میخواهنـد بـه یقـین برسند (و از روی دلیل خدای را بشناسند و آثار قدرت او را ببینند).

و در خـودِ وجـود شـما (انسـانها ،نشـانه هـای روشـن و دلایـل مـتقن بـرای شـناخت خدا و پی بردن به قدرت او است) . مگر نمی بینید ؟

۳ ـ چـه بسـا گلهـایی بودنـد کـه روییـده انـد امّـا هـیچ بـویی در بـر نداشـتند و چـه بسـا ابرهـایی آمـده انـد امّـا بـارانی نباریـده انـد و چـه بسـا انسـانهایی مـرده انـد امّـا هـیچ عملـی بـا خود به قبر نبرده اند .

٤ ـ در مشـکلات دوسـت را خبـر نکـردن خـود یـک محبّـت و عشـق بـه دوسـت اسـت و در خوشـی و لـذت دوسـت را فرامـوش کـردن خـود یـک خیانـت بـزرگ بـه دوست است .

٥ ـ مردان ازعشق بازی خوششان می آید و زنان از عشق ورزی .

٦ ـ اگـر میخـواهی ارزش خـود را در نـزد خداونـد متعـال بـدانی ، نگـاه کـن هنگـام گنـاه کـردن ارزش خـدا نـزد تـو چقـدر مـی باشـد و اگـر میخـواهی بـدانی نمازهایـت در نـزد خـدا قبـول شـده یـا نـه ، نگـاه کـن کـه چقـدر نمازهایـت ، تـو را از انجـام گنـاه بـاز داشته است .

---

[۱] عقل ، علم و عمل/ج/۱/ص/۷۸/تألیف بابک محمودی
[۲] سوره الذاریات ۲۰ـ۲۱

۷ ـ هـیچ ورزشـی بـرای قلـب بهتـر از خـوف خـدا و تواضـع بـرای بیچارگـان و غرور برای متکبّران نیست .

۸ ـ وقتـی یـک دَر بـرای موفقیـت بسـته مـی شـود دَر دیگـری بـرای سـربلندی بـاز مـی شـود ولـی آنقدر بـه درهـای بسـته نگـاه کـرده ایـم کـه دَرهـای بـاز را هـم بسـته مـی بینیم و بـرای انسـانهای بـزرگ هرگـز دَری بسـته نیسـت و بایـد دانسـت کـه مهـم نیسـت کـه همـهٔ دَرهـا بسـته شـده انـد مهـم ایـن اسـت کـه قفـل همـهٔ ایـن کلیـد هـا در دسـت خداونـد متعـال مـی باشد .

۹ ـ کلیـد موفقیّـت آن اسـت کـه سـعی کنـی خداونـد متعـال را از خـودت راضـی نگـه داری و کلیـد شکسـت آن اسـت کـه سـعی کنـی مـردم را از خـود راضـی بسـازی . پـس هـر چـه حـقّ اسـت بگـو و در دلـت بـه صـورت بغـض نگـه نـدار چـون ممکـن اسـت پاداشـی بـرای تـو و هـدایتی بـرای دیگـران باشـد و گفـتن حقیقـت از همـه چیـز واجـب اسـت و ایـن مهـم نیسـت کـه فکـر کنـی کـه تـو حقّـی و دیگـران در اشـتباه هسـتند و ایـن را بـدان کـه هرگـز در طـول زنـدگی از کسـانیکه بـا نظـرت موافـق باشـند چیـزی نخـواهی آموخـت و دو فکـر ضـدّ هـم مثـل دو قطـب مخـالف آهـن ربـا همیشـه همـدیگر را جـذب مـی کننـد و دو فکر موافق مانند دو قطب موافق آهن ربا همیشه همدیگر را دفع می نمایند .

۱۰ ـ بـدان کـه هرگـز نمـی تـوانی بـه گذشـته ات برگـردی و زنـدگی خوشـایندی داشته باشی ولی میتوانی از الآن شروع کنی و عاقبت خوشایندی داشته باشی .

۱۱ ـ آیـا گیـاه ایـن را مـی دانـد کـه نـور خورشـید باعـث رشـدش مـی شـودو بادهـای تنـد باعـث شـکوفا شـدنش مـی گـردد؟ پـس ای انسـان عاقـل ایـن را بـدان کـه بزرگـی روح تو در سایهٔ رنج و مشکلات و مصیبتهای تو می باشد .

۱۲ ـ دوبـار فکـر کـن و یـک بـار سـخن بگـو ، کـج بنشـین ولـی راسـت بگـو ، دو بار سؤال بکن تا هیچگاه اشتباه نکنی و دوبار شکست بخور تا همیشه پیروز باشی .

۱۳ ـ ای کسیکه در دلت حبّ دنیا وجود دارد هرگز از کسانیکه بت می پرستند عیب جویی مکن و زناکاران را نکوهش مکن چون اگر آنها عبد الصّنم هستند تو هم عبدالدّینار و عبدالدّرهم هستی .

۱٤ ـ بدان که انسانها دو دسته اند : گروهی حق را ستایش می کنند و گروهی خود را ستایش میکنند و اما گروهی که حق را ستایش می کنند از خلق بی خبرند و گروهی که خود را ستایش می کنند از حق بی خبرند .

شخصی پیش سلطان عارفان بایزید بسطامی آمد و گفت : ای شیخ این همه در جستجوی حقّم امّا آنرا نمی یابم؟ چند بار پیاده به حج رفتم ، چند ماه روزه گرفتم و بارها در غزوات شرکت کرده و سر کافران را بریده ام امّا باز حق را نیافتم و به عبارتی هر چه بیشتر حق را جستجو می کنم کمتر می یابم؟ شیخ فرمود : تو باید از طریق مردم به خدا برسی نه از طریق خود و همچنین حرفی را که می زنی و جهادی که می کنی و روزه ای که می گیری رضایت خلق در آن نباشد بلکه رضایت حق در آن باشد .

۱٥ ـ اگر میان انسان ظلومٌ جَهول و خداوند سُبُّوحٌ قُدّوس رابطهٔ دوستانه ای ایجاد نشود همه چیز برای او بی معنا می شود . اگر میان علما برود جُز گفتگویی نمی بیند ، اگر میان فقها برود جُز جستجو چیزی نمی بیند ، اگر به کعبه برود جُز سنگ چیزی نمی بیند ، اگر به مسجد برود جُز دیوار چیزی نمی بیند ، اگر به زمین نگاه کند جُز مصیبت چیزی نمی بیند ، اگر به آسمان نگاه کند جُز حیرت چیزی نمی بیند ، اگر به خورشید نگاه کند جُز آتش چیزی نمی بیند ، اگر به شب نگاه کند جُز ظلمت چیزی نمی بیند ، اگر قرآن را بشنود سودی نمی گیرد و اگر پندی بشنود تأثیری نمی پذیرد .﴿...وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِن بَعْدِ اللَّهِ ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴾[1]

[1] سورهٔ جاثیه/ ۲۳. یعنی (و بر گوش و دل او مُهر گذاشته و بر چشمش پرده ای انداخته است؟! پس چه کسی جز خدا (و خدا هم از وی رویگردان است) می تواند او را راهنمائی کند؟ آیا پند نمی گیرید و بیدار نمی شوید؟

۱۶ ـ هیچ می دانستی دزدان و سارقان چهار نوع هستند ؟ گروه اول کسانی هستند که اسلحه بدست گرفته اند و از مردم و بانک ها سرقت میکنند . گروه دوّم کسانی هستند که ترازو به دست گرفته اند و از مال مردم برای خودشان ثروت و ساختمان ساخته اند . گروه سوّم کسانی هستند که از مردم غیبت میکنند و از اعمال خود به نفع مردم می دزدند و گروه چهارم کسانی هستند که با عجله و شتاب نماز می خوانند و از نماز خود می دزدند که بدترین دزدان همین ها هستند .

(آمپول های ضدّ استرس برای روح و روان)

ـــ اگر عقربی تو را نیش بزند نترس و خوشحال باش چون در بدنت عفونت زدایی انجام داده و یاد زهر سمّ مار را به بدنت هدیه کرده و اگرکسی به تو آبلیموی ترشی تعارف کرد ناراحت مشو بلکه عسل شیرینی به آن اضافه بکن و بخور که دوای تشنگی است .

ـــ اگر باهوش باشی شکست هایت را به پیروزی تبدیل می کنی و اگر نادان باشی پیروزی هایت را به شکست مبدّل می سازی ! رسول خدا (صلّ الله علیه و آله و سلم) را مشرکان از مکّه بیرون انداختند در حالیکه در مدینه پایگاه بزرگی بنا نهاد که تمام دنیا را تا به امروز تحت تأثیر قرار داده است .

ـــ در فرانسه پیش از انقلاب کبیر دو شاعر نامدار زندانی شدند یکی خوش بین بود و دیگری بدبین ، وقتی آن دو سرهای خود را از پنجرۀ زندان بیرون کردند ، خوش بین به ستارگان آسمان نگاه کرد و خندید و شخص بدبین به خاکهای خیابان نگریست و به گریه اُفتاد .

ـــ اگر در کنکور یا آزمون های درسی چندبار اُفتاده ای ناراحت مشو چون پایۀ علمیت قویتر شده و امید به آوردن رتبه های اوّل و دوّم نیز در تو بیشتر گشته است .

ـــ خداوند حکیم می فرماید : ﴿...وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴾[1] یعنی چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید حال ان که خیر شما در آن است ، و چیزی را دوست داشته باشید در حالی که شرّ شما در آن است و خداوند می داند و شما نمی دانید .

این آیه از نظر بلاغی از صنعت بدیع طِباق استفاده کرده است .

ـــ دکتر عائِض القرنی می گوید : سرخسی را به قعر چاه غیر قابل استفاده انداختند ولی بیست جلد کتاب نوشت .

ـــ ابن اثیر خانه نشین شد با این حال توانست کتاب جامع الأصول والنهایه را که یکی از مشهورترین کتابهای حدیث است بنویسد.

ـ ابن جوزی تبعید شد و توانست قرائتهای هفتگانه را به خوبی بیاموزد .

ـ ابن تیمیه زندانی شد در حالی که بعد از خارج شدنش مجدّد دین شد .

ـــ پس خداوند ذاتی است که بعد از هر شرّی خیری نهاده است و او همان کس است که شیرهٔ زنبور عسل را شفای همگان و زهرش را داروی آرتروز قرار داده . اوست که بوسیلهٔ عنکبوت دوستش (محمّد مصطفی صل الله علیه وآله و سلم) را از غار نجات داد و بوسیلهٔ پَشّهٔ کوچک دشمنش نمرود را نابود ساخت .

(نصیحت آخر)

ـــ این را بدان که جُز انسانهایی که دارای عقل سلیم می باشند هیچ کسی در صراط مستقیم حرکت نمی کند . و آدم لنگی که در راه راست می رود بهتر از انسان سالمی است که در راه کج میرود چون آدم لنگ با رفتنش هر چند که آهسته

[1] سوره بقره /٢١٦

باشد به مقصدش نزدیک تر می شود ولی انسان سالمی که در راه کج می رود هر چند که سریع هم حرکت نماید به همان اندازه نیز گمراه تر می شود .

ــ سعی کن گرسنهٔ معنویّات باشی چون این کلام خداست که انسان را گرسنه یا سیر می کند نه غذا !

آدم سیر حتّی از عسل هم بدش می آید ولی برای انسان گرسنه حتّی خوردن بادام تلخ هم لذّت بخش است .

ــ مبادا مثل آسمان خود را بزرگ ببینی که عاقبت از خاک هم پست تر شوی ! خودت را همیشه از خاک هم متواضع تر کن تا از آسمان نیز بزرگتر و بلندتر شوی . به عبارت دیگر هر چه خود را با قدر بدانی در پیشگاه خداوند متعال بی قدر می شوی و هر چه خود را بی قدر بدانی در پیشگاه خداوند متعال با قدر و دارای منزلت بزرگی می شوی .

ــ اگر روی آب راه می روی پشه هستی ، اگر در هوا می پری مگس هستی و اگر خود را با چاقو و سوزن سوراخ می کنی دیوانه هستی . پس آگاه باش تا کسی باشی که خیرت به مردم برسد و اگر خیرت نرسد سعی کن که شرّت به دیگران نرسد .

ــ بدان که دنیا مثل دریاست و شریعت مثل کشتی ! پس سعی کن هر طور که شده خودت را به کشتی برسانی .

ــ خداوند از کمیّت عبادات از تو نخواهد پرسید که چقدر نماز خواندی بلکه از کیفیّت نمازهایت سؤال خواهد نمود که چگونه نماز خوانده ای؟

خداوند از تو نخواهد پرسید که مُدل ماشینت چه بود بلکه از تو خواهد پرسید با این ماشینت چقدر به مردم خدمت کرده ای؟

خداوند از تو نخواهد پرسید که زیر بنای خانه ات چقدر بوده است بلکه خواهد پرسید که درون آن چقدر مهمان نوازی کرده ای و مواظب باش تو هم مثل کسانی نباشی که با بزرگ شدن خانه هایشان به مرض ترس از مهمان دچار می شوند .

خداوند از تو نخواهد پرسید که پیراهنت چه رنگی بود بلکه خواهد پرسید که به چند یتیم بچّه ، پیراهن پوشاندی؟

ــ خداوند از تو نخواهد پرسید که حقوق ماهیانه ات چقدر بوده بلکه از تو خواهد پرسید که آیا تو لایق گرفتن آن همه حقوق بوده ای؟

ــ خداوند از تو نخواهد پرسید که آیا عینک تو دوربین بوده یا نزدیک بین ! بلکه خواهد پرسید با چه چشمی به مردم نگاه می کردی؟ با حالت سوء ظَنّ یا حُسن ظَنّ ؟

ــ این را بدان که از یک درخت کاج می توان میلیون ها چوب کبریت درست کرد ولی با یک چوب کبریت میتوان میلیون ها کاج را سوزاند و از بین برد ، صدها مؤمن شاید منافقی را نتوانند عوض کنند ولی یک منافق می تواند یک جامعهٔ پر از مؤمن را متلاشی سازد و برای این قضیه تاریخ گواه است پس مواظب باش منافقان مانند روغن خودشان را نزد تو نرم نکنند .

و همیشه برای آرامش روح و روانت این آیه را بخوان :﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ ۖ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا ۖ وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ ۚ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ [1]

برای همیشه این نصیحت را از من بیاموز که چهار نفر هستند که از عیب های تو آگاه هستند :

۱- خداوند است ۲- خودت هستی ۳- خانواده ات ٤- دوست نزدیکت .

خداوند - بر تمام عیب هایت آگاه است و به ظاهر و باطن تو احاطه دارد .

---

[1] سورهٔ حدید/۲۰.یعنی :(بدانید که زندگی دنیا تنها بازی ، سرگرمی ، آرایش و پیرایش ، نازش در میان همدیگر ، و مسابقه در افزایش اموال و اولاد است و بس . دنیا همچون باران است که گیاهان آن ، کشاورزان را به شگفت می آورد . سپس گیاهان رشد و نمو می کنند ، و بعد گیاهان زرد و پژمرده خواهی دید ، و آنگاه خرد و پرپر می گردند .در آخرت عذاب شدیدی (برای دنیاپرستان)و آمرزش و خشنودی خدا (برای خداپرستان) است . اصلاً زندگی دنیا چیزی جز کالای فریب نیست.

خودت - آنچه را که از ذهنت و قلبت می گذرند می دانی .

خانواده - به اخلاقت؛ خوب آشنایی دارند .

دوست نزدیکت - به رفتارت آگاه است .

سخن بهار

(فهرست منابع)

١ . قرآن کریم .

٢ . صحیح بخاری . تألیف محمّد بن اسمائیل داراحیاء التراث العربی مصر ١٣١٣ هجری .

٣ . صحیح مسلم . تألیف ابوالحسن مسلم بن حجّاج نیشابوری .

٤ . مؤطاء . تألیف مالک بن انس الاصیحی المتوفی سنة ١٧٩ هجری قمری چاپ کراچی .

٥ . ریاض الصّالحین . تألیف امام ابو زکریا بن شرف نووی دمشقی ٦٣١-٦٧٦ .

٦ . تفسیر نور تألیف دکتر خرّم دل .

٧ . نهج البلاغه / ترجمة مصطفی زمانی {چاپ سوم}

٨ . لاتحزن تألیف دکتر عائض القرنی . چاپ ٢٣

٩ . توشة راه نجات . تألیف ابن حجر عسقلانی . چاپ سوّم

١٠ . طبّ القلوب تألیف ابن قیّم جوزی . چاپ دوّم

١١ . تاج التّراجم فی تَفسیر القُرآن لِلاعاجِم . به تفسیر اِسفَراینی .

١٢ . انجیل تفسیری متی و یوحنّا .

١٣ . آیا می دانید چرا ؟ تألیف رضا جاهد . چاپ سوّم .

١٤ . احیاء العلوم الدّین ج ١ و ٢ تألیف امام محمّد غزّالی . نشر احسان تهران .

١٥ . کیمیای سعادت جلد ١ و ٢ تألیف امام محمّد غزّالی . نشر احسان تهران .

١٦ . تنبیه الغافلین جلد ١ و ٢ تألیف : ابولیث سمرقندی . چاپ چهارم

١٧ . عقل و علم و عمل جلد ١ و ٢ و ٣ . تألیف بابک محمدی .